



An Affiliated Organization of
JEWISH FEDERATION COUNCIL
OF GREATER LOS ANGELES

چشم انداز
CHASHM ANDAAZ

October/November 1996 No. 51 חשון כסלו תשנ"ז مهر/آبان ۱۳۷۵ شماره ۵۱

کیترینگ و رستوران گلات کاشر شارون

کیترینگ انتخابی **نصخ ایسرائل** و هتلهای معتبر لس آنجلس

رستوران شارون صد درصد گلات کاشر زیر نظر رباتوت محترم ایرانی و آمریکایی بوده و لذیذ ترین غذاهای ایرانی و آمریکایی را در اختیار شما میگذارد.

کیترینگ شارون را برای یک شب فراموش ناشدنی انتخاب کنید

18608 1/2 VENTURA BLVD.
TARZANA, CA. 91356

۸۱۸-۳۴۴-۷۴۷۳
۲۱۳-۶۲۲-۱۰۱۰
پیجر: ۸۱۸-۷۷۸-۷۸۱۰



زمان، زمان تجربه و تخصص هاست



هرقفلی کلید خودرا میطلبد

تجربه ما کلید قفل مشکلات شماست

فرامرز لوائی

شاه کلید تصادفات

مدیر و مشاور حرفه‌ای دفاتر حقوقی L.A. ROSS

وکیل پیشین شرکتهای بیمه با بیش از ۱۵ سال سابقه

Law Offices of
Loren A. Ross

818 . 907 . 7777

310 . 247 . 1555

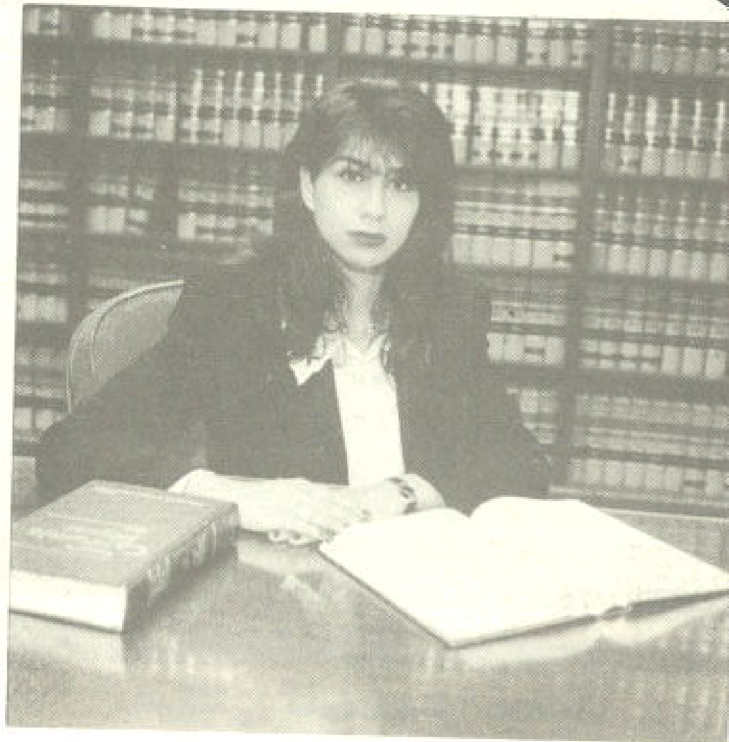
714 . 774 . 1555

دکتر نیلوفر "آرام نیا" ذکریائی

ستاره وکلای ایرانی

تصادفات

صدمات بدنی



* Accidents & Personal Injury
* Wills, Trusts, Estate Planning
* Corporations & Partnerships
* Contracts
* Business & Commercial Law

✻ تصادفات و صدمات بدنی
✻ تنظیم وصیت نامه و امور انحصار وراثت
✻ ثبت و انحلال شرکتها
✻ تنظیم قرار دادها
✻ امور تجارتی و بازرگانی

NILOUFAR A. ZAKARIAIE, J.D.
ATTORNEY AT LAW

1901 AVENUE OF THE *STARS*, 18TH FLOOR • CENTURY CITY, CA 90067
TELEPHONE (310) 552-0066



Paine Webber

Invest With More Intelligence



با آگاهی بیشتر سرمایه گذاری کنید

Do you want to **learn** more about investments in stocks, bonds, and mutual funds?
Do you want to **reduce your taxes?**
Are you intersted in earning **higher** interest than what bank CD's pay?
Do you want to know which investments are **safe?**

Your questions are welcomed.

* آیا می‌خواهید در مورد سرمایه گذاری سهام، اوراق قرضه بیشتر بدانید؟
* آیا می‌خواهید مالیات کمتری بپردازید؟
* آیا می‌خواهید بهرهٔ بالاتری از حساب‌های بانکی دریافت کنید؟
* آیا می‌خواهید بدانید چه نوع سرمایه گذاری مطمئن تر است؟
* به تمام سوألات شما پاسخ میدهیم.

Richard Behfarin
Associate Investment Executive
Beverly Hills Branch
(310) 281-4615

KAMRAN ABRAHAM TORBATI, M.D., FACOG

DIPLOMATE OF AMERICAN BOARD OF OBSTETRICS & GYNECOLOGY
FELLOW OF THE AMERICAN COLLEGE OF OBSTETRICS & GYNECOLOGY



دکتر کامران تربتی

جراح متخصص زنان، زایمان و نازائی از آمریکا

Vaginal Delivery After Cesarin Section
Check Up & Cancer Secreening
Menopause & PMS
Infertility & Insemination
Laparoscopic & Laser Surgery
Pelvic Pain & Endometriosis
Urinary Incontinence
Hysteroscopic Endometrial Ablation & Alternatives to Hysterectomy
Family Planning

* زایمان طبیعی بدون درد و پس از سزارین قبلی
* چک آپ و پیشگیری از سرطان لگن و پستان
* یائسگی و اختلالات هورمونی
* نازائی و تلقیح مصنوعی و تعیین جنسیت نوزاد
* جراحی زنان بدون زخم و با اشعه لیزر
* دردهای لگن و اندومتریوزیس
* اختلالات کنترل ادرار
* کنترل خونریزی‌های غیر طبیعی بدون جراحی رحم
* تنظیم خانواده

عضو کادر بیمارستان های: *CEDARS-SINAI & TARZANA MEDICAL CENTER*

ENCINO: (818) 906-2496 / 90-OBGYN BEVERLY HILLS: (310) 358-0553

نیازمندیهای جامعه

پزشک

- دکتر دوستان
۳۱۰-۸۵۹-۰۴۱۵
- دکتر مایکل طاهری
۳۱۰-۳۶۰-۰۰۶۷
۸۱۸-۲۶۵-۹۴۹۹
- دکتر بخشنده
۳۱۰-۲۷۴-۵۵۴۴
۸۱۸-۹۸۶-۸۴۲۰
- دکتر کامران تربتی
۳۱۰-۳۸۵-۰۵۵۳
۸۱۸-۹۰۶-۲۴۹۶

پزشک کودکان

- دکتر عزیزالله نورمند
۳۱۰-۸۲۹-۳۳۱۱
۸۱۸-۹۰۵-۵۵۵۲

پوشاک

- جوراب تیفانی
۲۱۳-۷۴۸-۸۸۲۳

تعلیم بر میتصوا، بت میتصوا

- ۸۱۸-۷۵۷-۲۶۴۸

تعلیم موسیقی

- پیمان اخلاقی
۳۱۰-۸۲۰-۸۲۶۱

تعلیم نقاشی

- ژانت شعبانی
۳۱۰-۴۴۱-۰۰۸۲

تهیه اسناد ملکی

- Property Tax
۳۱۰-۴۷۱-۰۲۳۵

حسابداری

- ظاهر فلاّحی C.P.A.
۷۱۴-۵۴۶-۴C.P.A.
۷۱۴-۵۴۶-۴۲۷۲

- یوسف ظهیری
۴۰۸-۲۹۲-۳۸۰۰
- افشین کاشانی
۳۱۰-۲۰۲-۱۰۱۰

خرید و فروش املاک در اسرائیل

- گروه داوید
۳۱۰-۶۵۹-۲۶۵۹

دندانپزشک

- دکتر فرهاد بینا
۳۱۰-۲۰۷-۲۴۶۲
۳۱۰-۲۰۷-*BINA*
- دکتر سهیل خدادادی
۳۱۰-۲۷۱-۳۰۰۳
- دکتر بهروز زینتی
۳۱۰-۶۵۲-۲۰۱۰
۸۱۸-۹۸۶-۸۶۶۹
- دکتر بیژن عافار
۳۱۰-۴۴۳-۴۴۴۴
۸۱۸-۷۸۴-۴۸۶۷
- دکتر سیروس ارشادی
۳۱۰-۸۲۴-۲۶۲۴

روانشناس

- دکتر فرشاد یادگار
۲۱۳-۸۸۲-۸۳۸۳
۸۱۸-۷۳۴-۰۹۳۸

سالن جشنها

- المپیک کالکشن
۳۱۰-۵۷۵-۴۵۸۵

طراحی خانه

- ایرج و داریوش صفائی
۳۱۰-۴۵۳-۳۳۳۵

کایروپراکتیک

- دکتر روزبه مسرور
۸۱۸-۷۰۵-۰۷۳۶
- دکتر بهروز صموها
۸۱۸-۷۰۱-۱۰۵۸
۸۱۸-۹۹۰-۳۰۸۴

کلاسهای آموزشی

- باربارا میشکان
۳۱۰-۸۲۸-۷۱۷۶
- انستیتوی حرفه‌ای اُرت
۲۱۳-۳۸۷-۴۲۴۴
۸۱۸-۷۸۸-۷۲۲۲

کیترینگ

- کیترینگ گلت کاشر شادی
۳۱۰-۶۵۹-۵۹۸۲
- کیترینگ گلت کاشر شارون
۲۱۳-۶۲۲-۱۰۱۰
- کیترینگ گلت کاشر جک بروخیم
رویال کیترینگ
۳۱۰-۴۵۸-۹۹۹۳
- کیترینگ المپیک کالکشن
۳۱۰-۵۷۵-۴۵۸۵
- کیترینگ بهادر
۸۱۸-۶۰۹-۷۱۳۵

مشاور مالی

- ریچارد بهفرین
۳۱۰-۲۸۱-۴۶۱۵
- دانیل فرید یاشارال
۳۱۰-۵۵۰-۰۷۷۰
- سیاوش اشتهاردی
Fredric Berger
۳۱۰-۴۵۸-۳۶۴۹
۸۰۰-۸۷۹-۳۱۱۸

مواد غذایی

- بستنی اکبر مشدی
۲۱۳-۸۷۴-۰۱۴۴

وام

- La Cienega
Jewelry & Loan
۳۱۰-۳۶۰-۰۰۲۰
- The Mortgage Store
۸۰۰-۹۰۰-۵۶۲۶

وسایل پارتی

- تهران رنتال
۸۱۸-۳۴۲-۷۳۶۸

وکیل

- فریبرز سلکی
۳۱۰-۴۴۱-۱۱۱۱
- مارتین ولف
۳۱۰-۲۰۵-۲۰۳۳
- فریبا سلیمانی
۳۱۰-۴۴۱-۸۳۰۱
- شهرام سلیمانی
۳۱۰-۷۸۹-۱۱۰۰
- نیلوفر ذکریائی (آرام‌نیا)
۳۱۰-۵۵۲-۰۰۶۶
- فریبرز «مایکل» ضرابیان
۸۱۸-۳۵۶-۱۲۵۴
Internet E/MAIL:
MichaelZ@usap.com
- رامین یونسی
۳۱۰-۲۰۱-۵۰۰۱
۸۱۸-۹۹۹-۹۹۰۸

**درج آگهی
در چشم انداز
مؤثرترین
وسیله
تبلیغ
(۳۱۰)
۴۷۹
۴۷۹۸**



در این شماره می‌خوانید

October/November 1996 No. 51 חשון כסלו תשנ״ז مهر/آبان ۱۳۷۵ شماره ۵۱

کپی و نقل مطالب چشم‌انداز بدون اجازهٔ کتبی ممنوع و قابل تعقیب می‌باشد.

چشم انداز

Published bY:
International Judea Foundation
P.O. Box 3074, Beverly Hills, CA 90212
TEL: (310) 479-4798
FAX: (310) 445-5488

سردبیر: داریوش فاخری
مدیر داخلی: شهرام سیمان
دستیار سردبیر: نصیر ابراهیمیان
روابط عمومی: مهندس آشر آرام‌نیا
سردبیر قسمت پزشکی: دکتر نیسان بامداد
بخش انگلیسی: شاندی مهدیان

با همگامی: نویسندگان، مترجمین و گزارشگران چشم‌انداز
تایپ ست: مینو حمودوت
امور هنری: انتشارات نازگل

چشم انداز، نشریه‌ایست برای بازتاب افکار و دست‌آوردهای یهودیان دنیا. هدف ما، روشنگری واقعیت‌های یهودیت، مسایل، آرزوها و امید یهودیان، مبارزه با نژاد پرستی و همراهی با هدف‌های بشر دوستانه انسان‌های جهان می‌باشد.
نظرهای نویسندگان، متعلق به آنان است و لزوماً بازتاب دیدگاه چشم‌انداز نیست.

چشم‌انداز، در انتخاب مقاله‌های رسیده آزاد است و درستی و نادرستی مندرجات آگهی‌ها، به عهده‌ی صاحبانشان است. نوشته‌های رسیده، باز پس فرستاده نمی‌شود. نامه‌های بدون نام و نشانی، قابل استفاده نخواهد بود. در صورت تمایل، از مقالات شما، با امضاء محفوظ، تحت حمایت قوانین آمریکا، استفاده می‌شود.

چشم انداز

(۳۱۰)۴۷۹-۴۷۹۸

بهای اشتراک چشم‌انداز سالانه: ۲٦ دلار خارج از کشور ۳٦ دلار

شما با عضویت در سازمان سیامک به طور رایگان نشریه را دریافت خواهید نمود.

خواهشمندم «چشم انداز» را به نشانی من بفرستید

نام خانوادگی ـ نام:	L / Name ____________ F / Name ____________
شماره ی آپارتمان:	Apt,No.__________
خیابان:	Street____________________
شهر ـ ایالت ـ پیش شماره:	City ____________ State __________ Zip Code (________)
تلفن خانه:	H.Phone (_____) ____________
تلفن کار:	B.Phone (_____) ____________



درجستجوی چه بودیم که به اینجا رسیده ایم؟

داریوش فاخری

بنا به آمارهای دولتی در آمریکا:

* از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵
بازداشت بچه‌های زیر ۱۸ سال در رابطه با مواد مخدر ۱۳۷ در صد افزایش را نشان می‌دهد. این رقم بالاترین رقم دستگیری در میان تمام طبقات جرمها میباشد.

* از سال ۱۹۹۲
استفاده از مواد مخدر بین نوجوانان ۱۲ تا ۱۷ ساله دو برابر شده است.

* برای دست یابی به پول برای خرید مواد مخدر این نوجوانان دست به دزدی خانه‌ها - اعمال خشونت‌آمیز و کتک کاری و قتل می‌زنند.

* بین سالهای ۹۵-۱۹۹۴ میزان دستگیری نوجوانان ۱۵ ساله به پائین ۲۰ درصد افزایش داشته است.

* سقط جنین - داشتن سکس بی پروا و ملاحظه - ابتلاء به بیماریهای آمیزشی - نوشیدن مشروبات الکی در پارتیها رو به افزایش است.

آیا این نوجوانان ممکن است دوستان فرزندانتان یا هم مدرسه‌ای آنان باشند؟

چه باید کرد؟

۱ - تاریخ و نقش ما در آن

در لیست آرزوهای یهودیان در طول تاریخ پس از انتظار کشیدن برای ظهور **ماشیح**، بالاترین مقام را، جاودانگی بخشیدن و تداوم یهودیت، از آن خود نموده است. بررسی زندگی گذشتگان (که خود زمینه لازمی برای رشد می‌باشد) به ما نشان می‌دهد که این وظیفه تنها به پدران و مادران محدود نمی‌شده بلکه در رأس فعالیت‌های اجتماعی سازمانها و نهادهای اجتماعی ما یهودیان در هر نقطه دنیا که جامعه به اضمحلال کشیده نشده، بوده است.

بخش اعظم جامعهٔ یهودی‌ای که برای هزاران سال در ایران زندگی کرده و قدیمی‌ترین جامعهٔ یهودی دنیاست که رکورد اسکان در یک کشور را به خود اختصاص داده اکنون در پی یک کوچ اجباری در آمریکا و یا نقاط دیگر دنیا پراکنده می‌باشد. این جامعه تنها با بررسی

۱ - خصوصیات منحصر بفردی که آن را در گذشته پا بر جا گذاشته و

۲ - شرایطی که محیط تازه بر او دیکته می‌کند، خواهد توانست راهی برای این تداوم حیاتی و بقای خود بیابد. تاریخ در آینده‌ای نه حتی چندان دور به قضاوت ما خواهد نشست. ما این دین را نه تنها به خود بلکه به تمامی جامعهٔ یهود امروز و فردای دنیا داریم که نشان دهیم چگونه سنتها و ارزشهای هزاران ساله‌ای که توشه بار این مهاجرت بود در رویارویی با عظمت فرهنگ و ارزشهای نوینی که با آن روبرو هستیم، توانستند باعث بقا و یا فنای ما شوند.

تاریخ به ما یاد داده که ایمان - فراگیری و عملکرد به آنچه آموخته‌ایم ما را از دل تلاطم آشوبها و خونریزی‌ها و جنگ‌ها و قتل و عامها و تجاوزها بیرون آورده و زنده نگاهداشته است. زمانی که با غرور و افتخار، آزاده و سربلند خواسته‌ایم، توانستیم. هرگاه بیاد



برای رسیدن به اینجا از بسیاری از تعلقات و دنیائی که می‌شناختیم دست شستیم

آیا اینجا سرزمین موعودمان بود؟
آیا به جائی رسیدیم که می‌خواستیم؟
آیا فرزندانمان یهودیتی راکه ما در طی هزاران سال نگاهداشتیم و ما را نگاهداشت را
به فرزندان خود تحویل خواهند داد؟

در این کشور استفاده از **مواد مخدر - دستگیر شدن - قتل - خشونت - سکس بی ملاحظه و بی پروا - سقط جنین - نوشیدن الکل** برای بسیاری از نوجوانان عادی است.

از ۳ سال پیش ما برنامه‌های منحصر بفردی را برای نوجوانان و والدین آن طرح ریخته و از ۱۸ ماه پیش بسیاری از این طرحها را اجرا میکنیم.

ما با هم، هم سرنوشتیم

برای کم به خود یا به دیگران با **سازمان سیامک** باشید. **۴۷۹۸-۴۷۹(۳۱۰) ۸۳۳۲-۷۰۵(۸۱۸)**

آوردیم که قومی بودیم که دل دریای سرخ را شکافتیم و از بردگی به آقایی در سرزمین موعود رسیدیم، توانستیم. هرگاه ترسیدیم و علیرغم آزادی‌های ظاهری، ذهنیت بردگی داشتیم در دریای عدم توانایی تصورات خویش غرق شدیم و فراموش کردیم که وظیفه ما بعنوان یک یهودی، کامل کردن جهان ناکامل است و تنها برای انجام این برگزیده شدیم نه اینکه از دیگران برتریم. که این کار را با مقدس کردن لحظات و اعمال و مکانهائی عادی‌ای که با آنها روبرو می‌شدیم، انجام بدهیم. از فرآیت شروع کنیم به ملیت برسیم و از آن راه آزادی و رستاخیزی و وحدانیت خدا را جهانی کنیم. کمک کنیم که Yetzer Hatov (غریزه خوبی) را جایگزین Yetzer Harah (غریزه - نیروی بدی) نمائیم.

۲ - نقش والدین

در این رابطه نقش پدران و مادران در جهان امروزی بسیار با اهمیت است. فرزندان ما اگر در خانه و خانواده احساس تعلق ننموده و **سرمشق** صادقی نداشته باشند، آن را در خارج از خانه جستجو خواهند نمود. گرچه برای تداوم بخشیدن به یهودیت و مقابله با اسمیلاسیون و ازدواج مختلط فرمولی قطعی وجود ندارد ولی می‌توان با **قوه ابتکار** فردی و استفاده نمودن از برنامه‌های موفقی که در گذشته و حال انجام شده و می‌شود به فرزندانمان ریشه‌ای بدهیم تا زمان استقلالشان که رسید بتوانیم با خیال راحت پرواز زیبایشان را در پهنهٔ آسمان زندگی ببینیم و بدانیم که **این پر پرواز پای در ریشه دارد.**

بعنوان یک پدر و یک انسان فعال در کار اجتماعی بگذارید پیشنهادات و دانسته‌های خودم را با شما قسمت کنم:

در **«شِمَع ایسرائل»** به ما دستور داده شده است «زمانی که در خانه نشسته‌اید - وقتی دارید راه می‌روید - وقتی می‌خوابید - وقتی بیدار می‌شوید - درباره گفته‌های **«تورا»** با آنان (فرزندانمان) صحبت کنید. این دستور به صراحت وظیفه پدران و مادران را روشن می‌کند. برای اینکه **صحبت** کنیم بایستی **بدانیم**. در **«پیرکه آوت»** (پند پدران) می‌خوانیم که «هر کسی باید یک معلم داشته باشد و برای خود دوستی بدست بیاورد». **«راشی»** مفسر بزرگ یهودی کلمه دوست را در اینجا **«کتاب»** تفسیر می‌کند. خوشبختانه کتابهایی که امروزه در مورد تمام جنبه‌های یهودیت از چاپ **تورا** گرفته تا عرفان یهود - تلمود - تفسیرهای کتابهای گوناگون - تلفیق یهودیت با دنیای امروزه جواب به سئوالات گوناگون برای کمک به نگاهداری خانه‌ای یهودی و غیره که به زبان انگلیسی نوشته می‌شود در تاریخ بی سابقه است.

خواندن کتاب برای ما که قوم صاحب کتابمان خوانده‌اند غریب نیست.

اولین کتابی که ما به جهانیان هدیه کردیم **«تورا»**، جوابی است به عمیق‌ترین و بارزترین سئوال که **«چگونه می‌توان انسان بود»**. ما بعنوان پدران و مادرانی که مسئولیم باید این کتاب را بخوانیم تا بتوانیم **در مورد یهودیت با آنها صحبت کنیم**. ما وظیفه داریم به آنها نه تنها آنچه را که **هستیم** و وجود دارد، بلکه آنچه که **بوده‌ایم** را هم یاد بدهیم. در مورد تاریخمان بعنوان یک قوم با آنها صحبت کنیم. این **یادآوری** را صرفاً برای یادگیری و نه برای تحریک احساس حقارت و ترس یا انتقام کشیدن انجام بدهیم. ما نمی‌توانیم با فرزندانمان **دورویی** کنیم. از یکطرف نمی‌توانیم از آنها بخواهیم که همسری یهودی برای خود انتخاب کنند، در حالیکه ما خود یهودیت را بصورتی جدّی نگاه نمی‌داریم.

علیرغم فشارهای خارجی فرهنگ غربی‌ای که در آن زندگی می‌کنیم - تلویزیون - مدرسه و غیره، هنوز هم ما در صدد لیست سرمشق‌های فرزندانمان قرار داریم. **سرمشق** فرزندانمان باشیم. وقتی که مجالس تریاک کشی در خانه خود راه می‌اندازیم، چگونه فرزندنمان از استفاده از مواد مخدری که دوستانش به او تعارف می‌کنند سرباز خواهد زد. وقتی در مجالس و میهمانیهای دوستانه تا خرخره مشروب می‌خوریم و با چشمان از حدقه در آمده و صورتی سرخ و نگاههای شهوت‌آلود برای زنان مجلس جوکهای رکیک و ناپسند می‌گوییم تا از خانمی دیگر در حضور همسرمان دلبری کنیم و یا مادری هستیم که این نوع جوکهای رکیک را می‌گوید و یا یهودیان را با جوکهای مستهجن مسخره می‌کند، چگونه می‌توان توقع داشت که پرده معصومیت فرزندانمان را ندرانده باشیم و افرادی مسئول از آنها بسازیم. زمانی که برمیتصوا برای پسر ۱۳ ساله‌مان می‌گیریم و صبح شبات تورا در بغل او می‌گذاریم و شب همانروز پول می‌دهیم که در کرست یا لباس زیر یک رقاصه عربی فرو کند و ما هلهله کنان و فریاد کشان این عمل او را به نشانه ورود به جامعه مردان جشن می‌گیریم، او را گمراه کرده‌ایم. وقتی برای شب قبل از عروسی داماد و دوستانش به شنیع‌ترین اعمال جنسی با فاحشه‌ای بی مقدار دست می‌زنند، چه نوع ارزش و احترامی را برای کانون مقدس خانوادگی که در آن **«روح خدا»** قرار است وارد شود، به ارمغان می‌آوریم؟ بجای اینها می‌توانیم مراسم پسح و اعیاد دیگر چون روشن کردن شمع‌های شبات - شمعهای حنوکا - بستن سوکا - مراسم شب شبات را **با همکاری فرزندانمان**

خواهش میکنیم

اگر به دلایلی بیش از یک نشریه چشم‌انداز را دریافت میکنید، خواهشمندیم برای جلوگیری از حیف و میل پولی که میتواند به مصارف عام‌المنفعه دیگر جامعه برسند آدرسهای اضافی را به ما اطلاع بدهید.

انجام بدهیم. بوسیدن مزوزا در موقع ورود و خروج به خانه شاید ساده‌ترین عملی است که احساس متعلق بودن به یک قوم را در وجود فرزندانمان به وجود می‌آورد (البته همانطور که قبلاً اشاره کردم بایستی قادر باشیم که به سئوالات احتمالی آنان در مورد انجام این مراسم و اعمالمان جواب بدهیم). نمی‌توان توقع داشت که فرزندانمان حرف ما را بی چون و چرا قبول کنند. آنان در رویارویی با تهاجم فرهنگی و محیط آزاد و باز غیر یهودی محیط خود می‌خواهند و **بایستی قادر باشند** که با تجزیه و تحلیل موردی که با آن روبرو می‌شوند، **راه منطقی‌تر و بهتر** را انتخاب کنند. ما بایستی **محیطی** برای پرورش افکار که باعث کنجکاوی و در غایت، پرسش آنان شود را به وجود بیاوریم. فرزندانمان بایستی با **نام یهودی** خود آشنا بوده و به آن احساس غرور کنند. قهرمانانی هم نام فرزندانتان را می‌توان در **تورا** پیدا نمود - اعمال این افراد را همراه با معنی نامشان در طول وقایعی که بر سر قوممان آمده بررسی کرد و از آنها بطور مثال خواست که اگر او امروز در این شرایط قرار می‌گرفت (بطور مثال اگر نام فرزندتان مُشه یا سارا باشد) واکنشش چه می‌توانست باشد؟ داستانهای تورا بسیار شیرین و آموزنده است از آن می‌توان در رابطه با شرایط امروز استفاده نمود. (به تازگی جلسات خواندن تورات در جوامع یهودی و غیر یهودی آمریکا بسیار همه‌گیر شده است). عکس پدر بزرگها - مادر بزرگها - محیطی که در آن بزرگ شده‌ایم، عکسهای برمیتصواها و بت میتصواهای خانوادگی و مراسم مذهبی عروسیمان و توضیح درباره آنان، فرزندان ما را به حلقه قومیتی که هزاران سال به هم متصل بوده، پیوند می‌زند. با استفاده از **غذای کاشر** در خانه فرزندانمان پیام ما را در مورد یهودیت جدی‌تر خواهند گرفت. ما نه برای خودمان و فرزندانمان و نه بین پسران و دخترانمان نمی‌توانیم **استانداردهای دوگانه** داشته باشیم. نمی‌توانیم دوست دختر غیر یهودی یا یهودی را برای پسرمان ندیده بگیریم و برای دخترانمان به فرهنگ دو نسل قبل برگردیم. من نمی‌گویم کدام را انتخاب کنید ولی تنها یکی را انتخاب کنند، **پرورش فرزندان از سالهای کودکی شروع می‌شود.** نمی‌توان وقتی فرزندانمان به سن ۱۶ سالگی رسیدند فغان و فریاد برآوریم که دارد از دست می‌رود و باید از امروز به کنیسا برود و این کار یا آن کار یهودی را انجام بدهد. برای این که انجام این اعمال را آسان‌تر نماییم با **خانواده دوستانشان** می‌توانیم برنامه‌هایمان را هماهنگ کنیم. یک کنیسا را برای شرکت در آن انتخاب کنیم - همه را با هم به کلاس عبری بفرستیم و غیره...بالاتر از همه **مبتکر - آگاه** و **مسئول** باشیم. فراموش نکنیم ما سرمشق آنان هستیم اگر در کنیسا جلو پای شخصی در هیئت مذهب بلند شدیم و

کاری که قرنها - شکنجه - دربدری - رنج و محنت نتوانست بر سر قوم ما بیاورد
بی تفاوتی، می‌تواند بر سر ما بیاورد.

دشمن امروزی فرزندان ما، بی تفاوتی ماست - فرزندانمان دارند از هوّیت یهودی خودشان جدا و از سنتها و اعمال یهودی دور می‌شوند.

شما می‌توانید با کاری داوطلبانه، با اهداء یک کامپیوتر از مد افتاده و یا هر وسیله آموزشی دیگر، با اهداء کمک مالی شامل معافیت مالیاتی (مخصوصاً در این موقع سال)، و یا به هر نحوی که میدانید، به ما برای ادامهٔ کلاسها و برنامه‌هائی که مخصوص این قشر اجتماع در عرض ۱۸ ماه گذشته تهیه دیده‌ایم کمک نمائید.

این کلاسها در دو منطقه ولی و غرب لس آنجلس برقرار و برای همه افراد اجتماع قابل استفاده می‌باشد.

تداوم یهودیت، میراث گرانبهائی است که برای فرزندانمان بجای میگذاریم.

(۳۱۰)۴۷۹ - ۴۷۹۸
(۸۱۸)۷۰۸ - ۵۳۳۲

بیرون از محل کنیسا آن شخص را با متلک گفتن و جوک یاد کردیم، فرزندانمان را گمراه می‌کنیم. اگر شخصیتی مذهبی را قبول ندارید به کنیسای او نروید - جلوی پای او بلند نشوید و دلیل آن را برای فرزندتان توضیح بدهید تا شایسته نبودن یک مقام مذهبی را با کم ارج بودن دین یهود یکی نگیرد.

حدود ۸۰ در صد خانواده‌های یهودی به اعتقاد من یا توانایی پرداخت شهریه **مدارس یهودی** را دارند - یا مشمول دریافت درصدی از بورس تحصیلی مدارس خواهند بود و یا کلاً می‌توانند هزینه کلاسهای فوق برنامه را که بسیار ارزان و در دسترس می‌باشد را بپردازند. (بطور مثال سازمان سیامک این برنامه‌ها را هم برای نوجوانان و هم والدین آنان تهیه دیده است).

کمپ‌های تابستانی یهودی و پیوستن به گروه نوجوانان سازمان سیامک یا کنیساهای دیگر با تنوع فراوان، چه از لحاظ رعایت اصول مذهبی و یا برنامه‌های آموزشی، راههای دیگری برای تداوم بخشیدن یهودیت در خانواده‌ها می‌باشند.

ما همه گونه بیمه‌ای را برای روز مبادا برای خود و خانواده‌هایمان تهیه می‌کنیم - بیمه سلامتی - بیمه عمر - بیمه تجاری - بیمه ماشین و غیره. شرکت در برنامه‌هایی مخصوص نوجوانان **بیمه‌ای برای آینده** آنان است تا به بیراهه نروند. ما بعنوان والدین فرزندانمان بایستی **ارجحیتهای خودمان** را دوباره و از نو تعریف نماییم. آیا قسط یک ماشین گرانتر و یا خانه‌ای بزرگتر که بیشتر برای چشم و هم چشمی کردن انجام می‌گیرد مهمتر است یا ساختن شالوده‌ای برای آینده‌ای بهتر که در آن فرزندانمان فارغ از خطرات اجتماعی، زندگی‌ای بی دغدغه و با آرامش خیالی را در خانواده جدید خود داشته باشند. **سئوال این نیست که آیا قادریم مخارج تحصیلات و پرورش یهودیت را برای آنان بپردازیم سئوال اینست که آیا قادریم نپردازیم؟**

ضرب‌المثلی آفریقایی می‌گوید که یک ده باید دست بدست هم بدهند تا کودکی را بزرگ کنند. خانم **هیلری کلینتون** همسر رئیس جمهور آمریکا این جمله را زینت‌بخش کتاب خود نمود It takes a village to raise a child. تعلق به جامعه داشتن و جامعه نیز در عوض خود را مسئول افراد دانستن سابقه‌ای طولانی و عادی را در قوم یهود داشته و دارد. درست است که ما بچه‌های خودمان را دوست داریم و هر کاری برای خوشبختی آنان از ما بر بیاید را انجام می‌دهیم ولی خوشبختانه یا بدبختانه در عین حال بخشی از این «**محله یهودی**» در هر جای دنیا که باشیم بوده و خواهیم بود.

مسافرت به اسرائیل در تابستان ۱۹۹۷

برنامه هیجان انگیزی از طرف S E C

- هزاران جوان از کشورهای مختلف تاکنون توسط این گروه به اسرائیل مسافرت کرده و تجربیات بسیار مفیدی کسب کرده‌اند.
- S E C برای اعضای با تجربه خود دید متفاوتی را درباره تاریخ، فرهنگ و زندگی روزمره کشور اسرائیل ارائه می‌دهد.
- این مسافرت خاطرات زیبای همیشگی را برای همراهان خود بر جای خواهد گذاشت.

دانشجویان: ۱۸ تا ۲۴ سال
مدت: ۴ هفته
تاریخ: اول تا ۲۹ جولای
هزینه: از نیویورک: ۲۹۹۹ دلار
از لس‌آنجلس: ۳۲۹۹ دلار

دانش آموزان: ۱۴ تا ۱۸ سال
مدت: ۵ هفته
تاریخ: اول جولای تا سوم آگوست
هزینه: از نیویورک: ۳۴۹۹ دلار
از لس‌آنجلس: ۳۶۹۹ دلار

جوانان: ۱۸ تا ۳۶ سال
مدت: ۲ هفته
تاریخ: اول جولای تا ۱۶ آگوست یا ۱۳ تا ۲۸ آگوست
هزینه: از نیویورک: ۲۲۹۹ دلار
از لس‌آنجلس: ۲۴۹۹ دلار

هزینه شامل: بلیط هواپیما، هتل، خوراک کامل، ورودیه‌ها، بیمه پزشکی، ایاب و ذهاب و تورهای داخلی در اسرائیل.

به اشخاصی که قبل از اول فوریه ۱۹۹۷ ثبت نام کنند تخفیف کلی داده خواهد شد.

برای اطلاعات بیشتر با دفتر S E C با شماره ۷۳۶۵ - ۶۵۳ - ۲۱۳ تماس حاصل نمائید.
و یا در مجلس گردهمائی و آشنائی ذیل شرکت فرمائید:

تاریخ: ۴ دسامبر ۱۹۹۶ و یا ۱۵ ژانویه ۱۹۹۷
ساعت: ۷ تا ۸ شب برای دانش‌آموزان، ۸ تا ۹ برای دانشجویان و جوانان
محل ملاقات: Bel Air Summit Hotel, 11461 Sunset Blvd., Banquet Room

پدران و مادران گرامی را تشویق می‌کنیم که حتماً در این گردهمائی شرکت فرمایند.

بسلامتی زندگی

نوشته: ربای هارولد کوشنر

ترجمه: پیمان اخلاقی

از انتشارات سازمان یهودیان ایرانی (تبار) مقیم کالیفرنیا «سیامک»

INTERNATIONAL JUDEA FOUNDATION

کتابی برای همه

کتابی که حداقل ۲ اینچ به قد روحانی هر یهودی اضافه خواهد نمود.

کتابی که باعث احترام بیشتر غیر یهودیان به یهودیان خواهد شد.

کتابی برای تفاهم بیشتر همسر با همسر، فرزند با والدین، یهودیان با غیر یهودیان.

این کتاب پر فروش، تضمینی است برای افتخار نمودن به این که یهودی هستید و فرزندانتان که یهودی بمانند.

تلفن اطلاعات:

(۳۱۰) ۴۷۹ - ۴۷۹۸
(۸۱۸) ۷۰۸ - ۵۳۳۲

کلیه درآمد این کتاب که با فعالیت داوطلبانه اعضا این سازمان تهیه شده به مصرف برنامه‌های عام المنفعه سازمان و پروژه تعلیم و تربیت نوجوانان خواهد رسید.

جامعهٔ ما انعکاسی آئینه‌وار از اعمال فرد فرد ماست. به قول دانشمند بزرگ یهودی «هیلل»:

«اگر من برای خودم نباشم چه کسی بفکر من خواهد بود؟ و اگر تنها بفکر خودم باشم مرا چه می‌توان نامید؟»

وقتی افزایش روز افزون طلاق در جامعه ما، خانواده‌ها را از هم می‌پاشد. زمانی که یک مادر مطلقه و تنها به ناگهان باید با حداقل درآمد و در سطح نازل زندگی دو یا سه فرزند را بدون پدر، بزرگ کند و مجبور می‌شود در محله‌ای بسیار خطرناک و در آپارتمانی بسیار کثیف زندگی کند، هنگامی که فرزندان این خانواده‌ها و دیگر خانواده‌هایی که «پدر و مادرانشان وقت برای آنان ندارند» حس داشتن خانواده را در میان گروهکهای نایاب و آشوبگر گنگ جستجو می‌کنند، زمانی که مردی ۳۰ ساله در گوش دخترکی ۱۵ ساله ورد عشق می‌خواند تا او را از راه بدر کند، وقتی پسرکی بدون سرپرستی پدر برای خرج مواد مخدر خود مادرش را بباد کتک می‌گیرد و روی خواهر ۱۰ ساله‌اش چاقو می‌کشد، وقتی پیرزنی تنها، شب گرسنه می‌خوابد، زمانی که دختر کان کوچک و معصوم ما باید در برنامه روزانه‌شان بجای چک آپ پزشکی و وقت ملاقات دندانپزشک با مادر خود برای سقط جنین پیش دکتر زنان بروند، زمانی که دو دسته از نوجوانان ما با ماشینهای بالای ۷۰,۰۰۰ دلاری خود دور یک پارک در بورلی هیلز جمع می‌شوند و همدیگر را بباد دشنام و کتک می‌گیرند تا ادای گنگها را در بیاورند و جامعه آمریکائی آنجا را بهت زده می‌کنند، وقتی ازدواج مختلط افزایش پیدا می‌کند - جوانانمان از دامن جامعه دور می‌شوند - فضاحت جای حیثیت خانواده‌ها می‌نشیند، ما نه تنها در برابر خودمان - جامعه‌مان - جامعه بزرگ دنیا و خدایمان سرافکنده‌ایم - بلکه **در برابر فرزندانمان بیش از همه شرمساریم** - ما با از دست دادن دنیایی که می‌شناختیم در این مملکت جدید نتوانستیم به بالاترین حدّی که شایسته آن بوده‌ایم برسیم - فرق نمی‌کند کی هستیم - همه را می‌گویم. **بدون رودربایستی «چیزی نشدیم که می‌توانستیم» ولی در عوض بالاترین هدیه‌ای که می‌توانیم به فرزندانمان بدهیم شانه‌هایمان است تا بتوانند بر آن ایستاده و افق بهتر و گسترده‌تری را ببینند و با ارزش‌ترین میراثی را که می‌توانیم برای آنان بگذاریم تلاشمان برای بهتر کردن محیطی است که به ارث خواهند برد.**

ما در سازمان سیامک برای به ثمر رسانیدن این اهداف صادقانه و داوطلبانه می‌کوشیم با ما همراه شوید. وقتی دست بالا زدید و به سازمانهای خیّریه و اجتماعی رو آوردید سرمشق خوبی برای فرزندانتان خواهید بود. اگر عیبی در سازمانها می‌بینید بیائید و برطرف کنید، اگر عیبی نیست با ما همراهی کنید.

۳- نقش سازمانها

برخی از افراد اجتماع ایراد می‌گیرند که چرا این همه سازمان وجود

دارد؟ و چرا همه با هم یکی نمی‌شوند؟ چرا اختلاف است؟ جمع شدن یک سنت زیبا و مفید یهودی است. ما برای خواندن دعا نیز باید به ۱۰ نفر حداقل میزان افراد شرکت کننده (مینیان) برسیم. طبق آخرین آماری که American Jewish Book منتشر کرده بود در ۵۰ صفحه آن نام ۴۰۰ سازمان مختلف یهودی آمریکایی برده شد (که البته هر کدام از اینها شعبات و گروههای مختلف وابسته به خود را دارند).

ربای‌ها و خزانیم آمریکائی هم دارای سازمانهای مختلف می‌باشند. وجود این همه سازمان به خودی خود بد نیست - تنوع افکار خوب است - همفکر نبودن از گلهای دموکراسی است. یک انسان و همچنین یک جامعه بسیار والاتر و پیچیده‌تر از آنند که یک طرز تفکر و یک راه حل کفایت رسیدن به مقصد را برای آنان بنماید.

ما اکنون در جامعه خودمان افرادی را داریم که در مراعات مراسم و امور مذهبی بسیار پای‌بند می‌باشند. در مقابل این افراد کسانی را می‌شناسیم که پای‌بندی‌شان به یهودیت به موئی بسته است. و در میان این دو قطب، طیف وسیعی از افراد و خانواده‌ها در نوسانند. بُعد مسافت نیز یکی دیگر از دلائل عمده‌ای است که یک سازمان به تنهایی نمی‌تواند در برگیرنده همه افراد جامعه باشد. سلیقه‌های مالی - اجتماعی - فرهنگی و دینی ما را جامعه‌ای یک پارچه نمی‌کند.

سازمانهای ما باید با یک بررسی و تعریف دوباره ارجحیت‌ها در جستجوی راهی باشند تا با وجود اختلاف فکر و سلیقه با هم زندگی کنند. تاریخ و بقای ۲۷۰۰ ساله ما بعنوان یک یهودی در ایران ارزش این بررسی را دارد تا بتوانیم به جهانیان ثابت کنیم که اینجا هم توانستیم.

فعّالین سازمانهای یهودی بایستی دست از ریاست طلبی برداشته و بجای آن سرمشق جامعه باشند و چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر نکنند.

فعّالین سازمانهای اجتماعی یهودی بایستی به خود شخص ارج بگذارند نه به حساب بانکی آنان. وقتی بزرگداشتهای جامعه از روی رابطه داشتن و رفیق بازی و یا دشمنی با این و آن و یا صرفاً با ترازوی پول سنجی انجام می‌گیرد، جوانان ما این درس غلط را می‌گیرند که به هر نحوی شده و گاهی اگر استعدادی نبود با دزدی و خیانت در امانت و کلاشی باید مشهور و با افرادی از این دست دم خور شد. غافل از این که آدمهای مشهور لزوماً آدمهای مفید و خوبی نیستند. پول داشتن یا دکتر بودن یا مذهب را دانستن کسی را اتوماتیک وار شایسته و خوب یا بدنام و رذل نمی‌کند. **کاری که ما با آن پول یا درجه علمی یا دانستن مذهب می‌کنیم مهم است نه صرفاً داشتن آن.** درجه **تعهد ما به یهودیت، جامعه و انسانیت** است که باید ملاک سرمشق شدن برای جامعه باشد.

خوب است برای افراد فعّال در کارهای اجتماعی اگر کنیسا می‌روند یا کنیسا راه می‌اندازند صرفاً آن را محلی برای جمع آوری پول و یا به رخ کشیدن قدرت نبینند. بلکه آنجا را جائی بدانند که می‌توان در آن یهودیت را فراگرفت. یک فرد اجتماعی نمی‌تواند و شایسته نیست که در کلاسهای درس تورا و تفسیرات آن شرکت نکند.

سازمانها و نهادهای اجتماعی باید **تعریفی دوباره برای «جامعه»** پیدا کرده و نیاز همه را تا حد امکان با تنوع برنامه‌ها بر آورده سازند. ما نبایستی فقط در زمانهای بحرانی با مردم روبرو شویم، سالی یکی دو بار مسئولین اجتماعی و مذهبی جامعه بایستی در یک جلسه‌ای با **دعوت همگانی از مردم**، رابطه‌ای دو طرفه و صادقانه را برای بحث و تبادل نظر تشکیل بدهند.

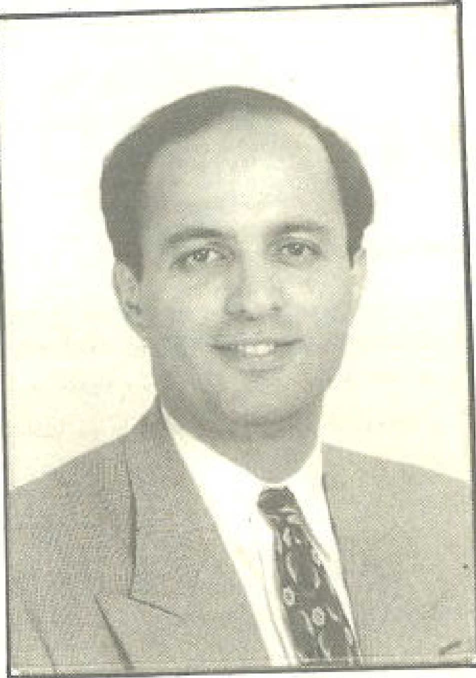
تشویق هنر و فرهنگ یهودی - نشر و چاپ کتب یهودی - جلسات کتابخوانی - برنامه‌های تفریحی - وکلاسهای فوق برنامه یهودی برای سنین مختلف - کمک به **مدارس یهودی** برای **آسان نمودن و تسهیل ثبت نام** دانش آموزان - **شرکت و تشویق دیگران در مراسم شبات - تشویق و تسهیل عضویت دانشجویان درکلوبهای یهودی دانشگاهها - تشویق پدران و مادران برای فراگیری اصول یهودیت** - داخل نمودن **عنصر مثبت پدر و مادر بزرگها** در تربیت یهودی نوه‌هایشان - **اختصاص دادن بخشی از بودجه خود برای توسعه تحصیلات یهودی جامعه - ترتیب تورهای مسافرتی به اسرائیل و پیش بینی طرح قبل و بعد از آن** - مسافرت برای شرکت کنندگان که بتوانند تجربه سفر خود را با دیگران تقسیم کرده و از آن استفاده نمایند، بخشی از فعالیتهای ممکن و مفید می‌تواند باشد.

مسئولین و فعالین در سازمانهای اجتماعی و مذهبی باید به این نکته واقف باشند که همانگونه که افراد آرام آرام و به تدریج از جامعه یهودی دور می‌شوند، یهودی ماندن و به طرف یهودیت آمدن نیز تدریجی است. هویت یهودی را نمی‌توان یکشبه به دست آورد و به کسی تزریق نمود. داستان خروج از مصر و رهایی از بندگی این مورد را به خوبی توصیف می‌کند. باز هم تکرار می‌کنم تنوع سازمانها به ما کمک می‌کند که همه نوع افراد را با هر گونه سلیقه‌ای به دور خود جمع کنیم. اگر کار یکدیگر را تقلید نکنیم و یاد بگیریم که **با هم و نه درکنار** هم زندگی کنیم می‌توانیم **براخای شیحانو** را برای روزی نو و آینده‌ای بهتر را همین امروز بخوانیم.

کتاب بسلامتی زندگی نوشته ربای هارولد کوشنر را که به زبان فارسی ترجمه کرده‌ایم اولین، مهمترین و مفیدترین قدمی است برای آینده‌ای بهتر. آن را بخوانید. **در انتظار شنیدن نظراتتان هستم.**

شالم

P.O.Box 3074
Beverly Hills, CA 90212
Tel: (310) 479-4798
Fax: (310) 445-5488



دکتر بیژن عافار

متخصص جراحی لثه وکاشتن دندان (ایمپلنت)

استادیار UCLA در بخش جراحی های لثه

عضو انجمن جراحان آمریکا

عضو انجمن دندانپزشکان آمریکا وکالیفرنیا

B.AFAR,D.D.S.,M.S.

Periodontics & Implant Dentistry

Fellow Of International Congress Of Oral Implantologist
Associate Fellow Of American College Osseointegration

* جراحی لثه
* ترمیم لثه بدون جراحی
* پیوند لثه
* از بین بردن بوی بد دهان

* کاشتن دندان (ایمپلنت)
* پیوند استخوان با آخرین متد *Gore-Tex*
* درمان فرونشستگی لثه
* جراحی ترمیمی و زیبایی لثه

مطب ها در:

وست وود

Westwood Medical Plaza
10921 Wilshire Blvd., Suite 904
Los Angeles, CA 90024
(310)443-4444

دوشنبه تا پنج شنبه مریض می پذیرد.

ولی

18607 Ventura Blvd., # 209
Tarzana, CA 91356

(818) 784-4867

فقط جمعه‌ها مریض می‌پذیرد



رویدادهای سازمان سیامک

گروه پارادایز جودیا (نوجوانان سیامک) ۱۹ - ۱۵ ساله

این کمیته برای دومین سال متوالی در روز ۱۵ دسامبر روز بزرگداشت پدر و مادرها بزرگها را توسط نوجوانان (نوه‌ها) برگزار می‌نماید. ایجاد این پل احترام و قدردانی اثر بسیار مثبت و نقش ارزنده‌ای در رابطهٔ این نسل ایفا می‌نماید.

در روز اول ماه دسامبر این گروه با همکاری گروه یاران سازمان سیامک به سنت هر ساله به داون تاون لس‌آنجلس خواهند رفت و افراد گرسنه و بی خانمان را غذا خواهند داد.

در ۸ دسامبر ۱۹۹۶ این گروه با همکاری گروه یاران و مرکز آموزشی سفارادیک با بسته بندی هدایایی به خانه‌های سالمندان رفته و از آنها عیادت خواهند نمود و هدایا را تقدیم می‌کنند.

گروه خاوریم (یاران) ۴۵ - ۲۱ ساله

کمیته یاران سازمان سیامک برنامه سالیانه گردهمایی جوانان را با بر پائی یک سوکای بسیار جالب و با برنامه هنری برای اعضاء خود برگزار نمود. در این برنامه که مخصوص اعضاء و جوانان می‌باشد ۱۵۰ نفر شرکت نمودند.

این گروه همچنین با شرکت ۴۰ نفر از دوستداران برنامه‌های سیرک دوسولی شبی را به دیدار از این هنرمندان اختصاص دادند.

از برنامه‌های آینده این گروه تور اسکی در **Big Bear** می‌باشد که هر ساله برگزار می‌گردد. این برنامه از ۱۷ تا ۲۰ ژانویه ۱۹۹۷ خواهد بود.

تیکون عُلام (بهبود و مرمت جهان)

در ماه گذشته افراد خیّری چون اولین حلیمی - فرشاد راضی دماوندی - بیانکا دلرحیم - مهناز رامین - شهرام نعمانیم - پ. نعیمی - میترا ملامد و ایرج نفیسی با کمکهای پوشاک برای مستمندان به سازمان سیامک در این راه انسانی کمک نمودند.

تعدادی از خانواده‌های مستمند همچنین از مواد غذایی موجود استفاده نمودند. اگر خانواده‌های مستمندی را می‌شناسید که به غذا و پوشاک نیازمندند خواهشمند است ما را با آنها در تماس بگذارید.

برنامه روش هشانا و یوم کیپور

این برنامه به سنّت همه ساله در هتل لوز در دو برنامه جداگانه سنتی ایرانی ۹۲۰ نفر و جوانان (برنامه به زبان انگلیسی و عبری) ۳۲۰ نفر اجرا گردید. این برنامه که در هیچ رسانه گروهی درباره‌اش تبلیغ نشده بود با موفقیت بسیار برگزار گردید.

کمیته انتشارات

کتاب بسلامتی زندگی نوشتهٔ ربای هارولدکوشنر به زبان فارسی منتشر گردید. این کتاب باعث سربلندی و دانش بیشتر هر یهودی خواهد شد و از بزرگترین خدماتی است که این سازمان به جامعه یهودی ایرانی تبار دنیا نموده است.

برنامه‌های آموزشی

* کلاسهای خواندن تفیلا و مراسم مذهبی با آهنگ مخصوص خود در دوره‌های سه ماهه برای علاقمندان در دو منطقه تارزانا و غرب لس‌آنجلس برگزار خواهد شد. شرکت کنندگان قادر خواهند بود پس از دوره سه ماهه که توسط استادان اسرائیلی متخصص زبان در کوتاه مدت (۲۴ جلسه - ۱۲ هفته‌ای) تدریس می‌شود، دعاهای معروفتر را با آهنگ دلنشین آن بخوانند. این توانایی برای والدین سرمشق خوبی برای فرزندان و سربلندی همه ما خواهد شد.

* سازمان سیامک با تهیه کامپیوتر و نصب اینترنت، این خدمات را به رایگان در اختیار اعضاء خود در دو محل تارزانا و غرب لس‌آنجلس می‌گذارد. کسانی که در خانه‌های خود اینترنت ندارند برای تحقیق و استفاده از دریای معلوماتی که در آن است می‌توانند به دفاتر سازمان سیامک بیایند. این خدمات برای دانش‌آموز بسیار حیاتی و مفید بوده است و باعث بالاتر رفتن نمرات آنها خواهد شد.

آموزشگاه تکنولوژی اُرت لس آنجلس تقدیم می کند

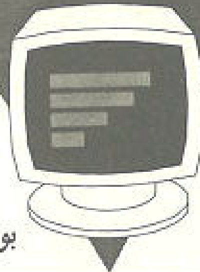
Los Angeles ORT Technical Institute

a non-profit organization

سازمانی غیر انتفاعی

quality training in a short time

آموزش در سطح عالی در مدت کوتاه



- **Scholarships Available for Those Who Qualify**
- بورس تحصیلی برای اشخاص واجد شرایط
- **Financial Aid for Qualified Applicants**
- کمک هزینه تحصیلی برای اشخاص واجد شرایط
- **Day & Evening Classes**
- کلاسهای روزانه و شبانه
- **Job Placement Assistance**
- کمک برای کاریابی
- **Hands on Training**
- آموزش از طریق عملی
- **One Computer Per Student**
- یک کامپیوتر برای هر دانشجو

- *Computer Graphics / Desktop Publishing*
- طراحی باکامپیوتر - امور انتشارات باکامپیوتر
- *Medical Secretary*
- منشیگری پزشکی
- *Electronics Technician (Computer repair)*
- تکنیسین الکترونیک (تعمیرکامپیوتر)
- *Computerized Accounting*
- حسابداری باکامپیوتر
- *Computer- Aided Design & Drafting*
- طراحی و نقشه کشی باکامپیوتر
- *English as a 2nd Language (ESL)*
- زبان انگلیسی برای افراد غیر آمریکائی





Accredited by ACCSCT & ACCET



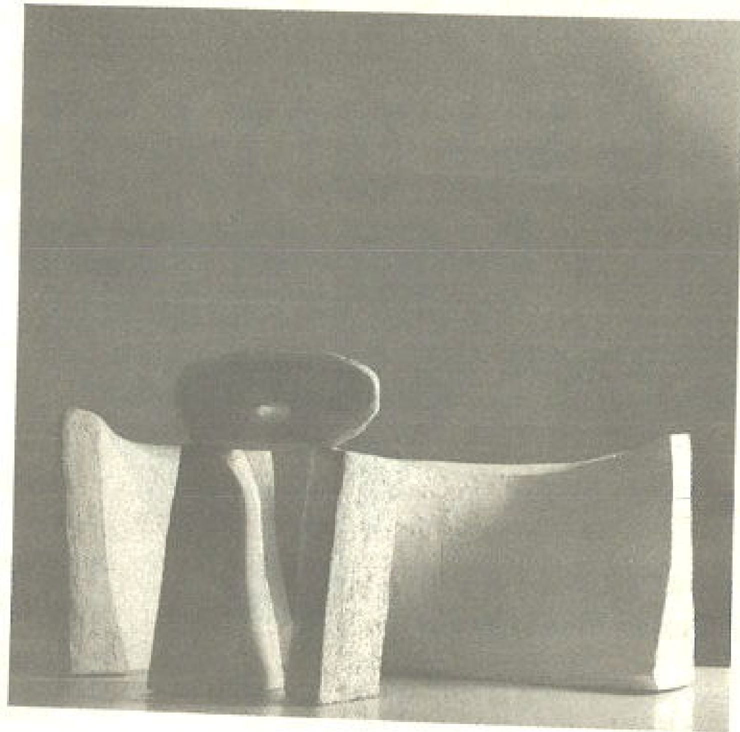
Branch Campus

6435 Wilshire Blvd.
Los Angeles, CA 90048
(213) 966-5444

15130 Ventura Blvd.
Sherman Oaks, CA 91403
(818) 788-7222

نینا استوار معرفی می‌کند

مُثیرا یدید صیون


مجید آسمان ۱۹۹۱

سرزمین بشکل «چکمه» سالها زیر فشار سهمگین «چکمه» موسولینی و سربازان فاشیست و نازیست دوام آورده و از پای نمی‌افتد تا زیباترین «چکمه»های چرمی را به دنیا عرضه کرده آوازهٔ مد و هنر تواماً شود!

وسعت آن تقریباً یک پنجم ایران و یا فرانسه است، امّا با همهٔ کوچکی چهل در صد - یعنی تقریباً نیمی - از گنجینه‌های هنری دنیا را در خود نگهمیدارد! در ایتالیای پر از هنرمند یک دختر یهودی ایرانی چهرهٔ شناخته شده دنیای هنر است. و ما اینجا مقدمش را گرامی می‌داریم.

برگردان نامش از عبری به فارسی «تابنده» را می‌رساند. و مثیرا به راستی با تمام وجود می‌درخشد. با زیبائی خاصّ شرقی و با هنری پا گرفته در شرق و پر و بال گرفته در غرب. برناردشاو عقیده داشت که دخترها دو جورند. گروه اول خوشگل‌ها که بخانهٔ بخت می‌روند و دستهٔ دوم آنهائی که به دانشگاه راه پیدا می‌کنند.

و مثیرا نشان می‌دهد که این فرضیه تا چه اندازه بی اساس است. بیشتر کارهای او، چه تابلوی نقاشی و چه مجسمه که از مذهب و نوشته‌های مذهبی الهام گرفته پوزخندی است به آن گروه از مردم جامعهٔ ماکه هنوز فکر می‌کنند اگر زن از پس پرده بیرون آمد و خود را به «نحوی» نشان داد. اگر زن قلم و یا قلم مو در دست گرفت گمراه است و دین و ایمان نمی‌شناسد و برای جامعه سرمشق سالمی نیست.

و بالاخره شهرت اروپائی و بین‌المللی او دهن کجی به آن عده از خانواده‌هاست که با خوش خیالی، دل باین امید واهی بسته‌اند، که فقط فرزند ذکور آنها نام پدر را سازگار و بلند آوازه سازد. این دختر هنرمند نام روبافول پدر راجانی دوباره داد و مانع از این شد که مردم ناسپاس اسم **یدید صیون** را چون خدماتش فراموش کنند. مثیرا از یازده سالگی در تهران نقاشی می‌کرد و بعد از دیپلم دبیرستان، برای ادامهٔ این کار پایتخت هنر دنیا یعنی ایتالیا را انتخاب کرد و حالا برای گالری‌های مشهور آنجا، برای موزه‌های بی‌شمار و صاحب نام این کشور، برای منتقدین سرشناس آثار هنری و رسانه‌های گروهی و مطبوعات ایتالیا نامی است آشنا و در خور احترام. امّا، برای ما یهودیان ایرانی، برای مردمی که مثیرا از میان آنها برخاسته چهره‌ای تقریباً ناشناخته است.

اگر تعریف و تشریح هنر او، کاری است در حد منتقدین هنری، امّا در عوض درک آن چندان مشکل نیست. به کارش نگاه کرده و نقطهٔ اتکایی را انتخاب می‌کنی و بعد خیلی زود قبل از اینکه بخود بیآئی درگیر زیبائی رنگها شده و بر بالای نت‌هائی ساکت و خموش امّا در

عین حال گویا به دنیای افکارش سفر می‌کنی. نقطهٔ عطف سبک کارش، پیکاسو - Pecasoo و Pollock و Kandinoki است. یکی از کارهای زیبای نقاشی او بنام «بازگشت» از طرف دولت ایتالیا به یک موزهٔ معروف اسپانیا هدیه شده و کار دیگری بنام «قبیلهٔ من» در موزهٔ Skirloall لوس آنجلس به نمایش دائمی گذاشته شده است. بدنبال گالری‌ها، و نمایشگاههای بی‌شمار، ماه اکتبر یک موزهٔ معروف در Mantova (Italy) که تنها آثار قدیمی را در خود حفظ می‌کند بعد از شش قرن درهایش را بروی هنرهای مدرن باز کرده و گشایش آن با نمایش کارهای هنری این دختر یهودی ایرانی است.

در همین ماه در موزهٔ دیگری در Veniz (ایتالیا) جایی که محل دیدار هیتلر و موسولینی است و به همین دلیل شهرت خاصی دارد، کارهای هنری او به نمایش گذاشته می‌شود.

و این دختر دارد اوج می‌گیرد. نیویورک، لوس آنجلس، ایتالیا و بقیهٔ کشورهای اروپائی و چشم‌ها را بدنبال خود می‌کشاند. امّا وقتی که اینجاست، کسی او را نمی‌بیند یعنی ما مردم چشم بصیرت نداریم؟ یا هنوز وقت آن نرسیده که هنر را ارج گذاشته و برای هنرمند ارزش قایل شویم. آنهم برای یک دختر از جامعهٔ یهودی ایرانی که آکادمی هنرهای زیبای رم چند سالی است یک کرسی تدریس نقاشی و یا مجسمه سازی به او پیشنهاد کرده است.

میدانم که مثیرا تا مغز استخوان یهودی است و با این پرسش غافلگیرش می‌کنم:

- در مذهب یهود تصویرسازی و مجسمه سازی تقریباً ممنوع است. یعنی خدای یهودی او را از تصویر کشیدن و شکل دادن و فرم دادن برحذر داشته است...

خندهٔ شیرینی می‌کند و نگاهش را از من می‌دزدد. چند لحظه به همین حال می‌ماند و وقتی که سکوت در انتظار جواب مرا می‌بیند خود را بدست قهقهه‌ای طولانی می‌سپرد و عاقبت برای اینکه حرفی زده باشد می‌گوید سوآل جالبی است و باز به من چشم می‌دوزد.

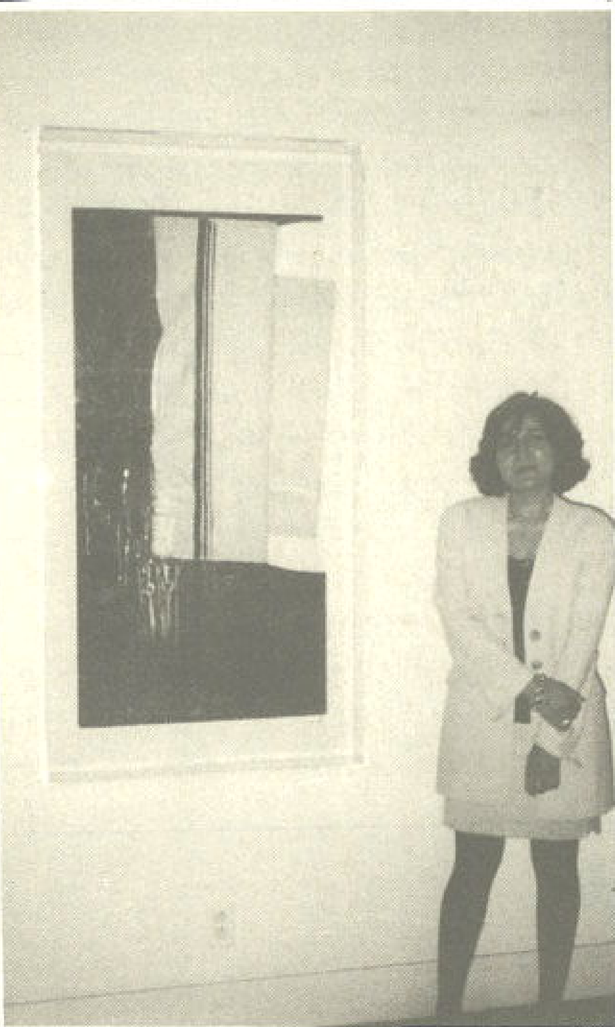
او مثل هر هنرمندی با هنرش خود را توجیه می‌کند و من با شیطنت و زیرکی می‌گویم:

- در خلوت خود، با خداوند در این مورد کنار آمده‌ای؟

چشمهایش برق می‌زند و انگار باری از دوشش برداشته شده نفسی می‌کشد اما هنوز سبکبار نیست. هر چه باشد مجسمه‌ساز است و دوست دارد هر چیزی را خوب «تراش» داده و کمال را برساند. می‌گوید:

-اضافه کن که با آرامش در من کنار آمده‌ام. نکته‌ای را ندیده نگذاشته و چیزی را با خشونت و جسارت بدست نیاورده‌ام. من هم مثل هر هنرمندی هنر را وسیلهٔ نزدیک‌تر شدن به خدا میدانم.

ناخودآگاه و - چراکه نه - با تعجب می‌گویم: دعا هم میخوانی؟



مثیرا در کنار «قبیلهٔ من» این تابلو به افتخار نام پدرش مشه (موسی) پدید صیون در نمایشگاهی دائمی در موزه اسکربال لس آنجلس به نمایش گذارده شده است.

زیر لب جواب مثبت می‌دهد و پاسخش نوعی دعا خواندن است. در کمال آرامش و بی ریائی و در اوج انکار وجود همه چیز و همه کس از جمله خود من.

من و او هر دو از یک قبیله‌ایم. قبلهٔ ما یکی است. هر دو غریبانه میهمان یک کشور زیبا و مردمی خونگرم هستیم و در این غربتِ پُر بار هر یک به تنهائی و هر کدام به نحوی از غنائم بی‌شمار آنجا تجربه اندوخته و کوله باری به غنیمت گرفته‌ایم. امّا هیچیک از ما ریشه را از یاد نبرده‌ایم.

من و او دنیای مشترکی هم داریم. دنیای پُر تب و تاب و پر التهاب زنانه. با زیر و بم‌هایش، با خواب‌ها و رویاها و کابوسهایش با بندهائی که به پایمان بسته و از دویدن بیش از حد با زمان داشته و با بالهایی ناتوان که پرواز با بقیه را اگر نه غیر ممکن امّا دشوار می‌سازد. می‌گویم:

زن بودن یکی از تارهای اساسی احساسات هنری و در نتیجه خلاقیّت کار تو است و این تار خواه و ناخواه آماج وزش نسیمی بنام «عشق» و یا برخوردی دلپذیر - هر چه دوست داری نامش را بگذار - قرار می‌گیرد با این جلوه‌های زندگی هنری چگونه کنار می‌آیی

این دومین دیدار ما است و به نظر می‌آید که انتظار شنیدن این پرسش کاملاً شخصی را ندارد. بر آرامش خود غلبه می‌کند و می‌گوید: یکی دو بار در ایتالیا همین سوآل را از من کردند و جواب شنیدند که این زندگی خصوصی من است. مجاب نمی‌شوم و می‌گویم: من اعتقاد راسخ دارم که زندگی خصوصی هر یک از ما انسانها تا وقتی که تنها زندگی می‌کنیم بخود ما مربوط است. هر قدمی که برمی‌داریم، قاعدتاً باید فقط خود ما جوابگوی اعمال خود باشیم. رابطه‌ها و بدنبال آن مسئولیت‌ها و درگیری‌ها وقتی بوجود می‌آید که شخص دیگری بنام همسر شریک زندگی ما می‌شود. اینجا دیگر مسئلهٔ شناخت حد و مرز آزادی فردی و رعایت حریم و احساسات و عقاید دیگری پیش می‌آید که در نتیجه محدودیت را اجتناب ناپذیر کرده و «من» را بقول قدیمی‌ها «نیم من» می‌کند. و مسئله وقتی جدی‌تر می‌شود که پای فرزند به میان می‌آید.

فرزند نیمی از وجود انسان و بخصوص مادر است و بهمان نسبت منافع شخصی زن را نصف کرده و وقت زیادی را بخود اختصاص می‌دهد. فرزند احتیاج به تعلیم و تربیت و شکل و فرم دادن داشته و تا انسان فرد آگاه و مسئولی نباشد نباید و نمی‌تواند چنین وظیفهٔ سنگینی را به عهده گیرد و...

حرفم را قطع می‌کند. منظورم را به خوبی درک کرده، شمرده و قاطع می‌گوید: ازدواج یک مسئلهٔ جدّی است و از آنجا که به یهودی بودن خود پایبند است هر کسی را برای زندگی مشترک قبول نمی‌کند چرا که تصمیم دارد در آینده فرزندانش را با همان اصولی تربیت کند که او را تربیت کرده‌اند.

خانم یدید صیون برای ما چای می‌آورد، می‌خواهم به او بگویم باید به داشتن چنین دختری افتخار کند امّا در وجودش نکته‌ای است که مرا از گفتن این جمله باز می‌دارد، و بجای آن از مئیرا می‌پرسم:

پدر و مادر چه نقشی در پرورش احساسات تو داشتند؟

- پدرم شعر می‌گفت و مادرم از سنگ‌ها با من سخن گفت. ابرها را نشانم میداد...رنگ آسمان را...

مجدداً به مادرش نگاه می‌کنم که اگر این زن یهودی، آن زمانها پر و بال داشت به کجاها پرواز می‌کرد...

برای او همین بس که دختری چون مئیرا دارد. نگاه‌های تحسین آمیز در حقیقت بطرف اوست.

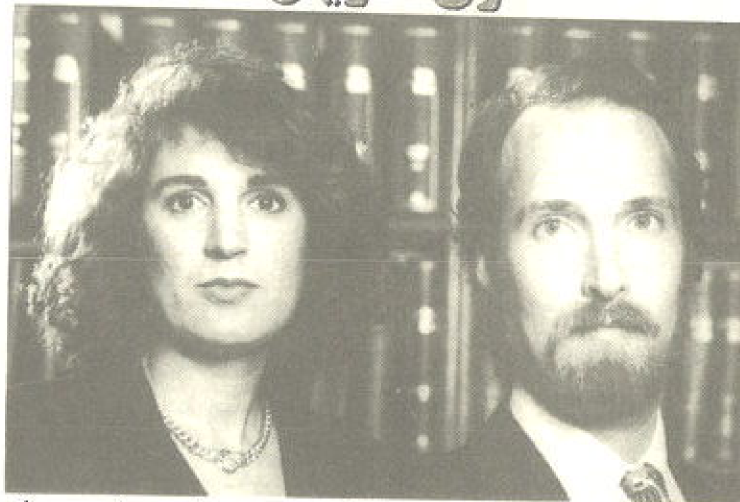
دفتر حقوقی

مارتین ولف

وکیل رسمی دادگاه های سراسر آمریکا وکالیفرنیاودادگاه های فدرال

باهمکاری « مشاور فارسی زبان »

نازی نظریان



تخصص در کلیه دعاوی حقوقی، بازرگانی، مالی، ملکی و تأسیس شرکتها

433 N. CAMDEN, 12th FLOOR BEVERLY HILLS CA 90210

TEL : (310) 205 - 2033 FAX : (310) 205 - 2074

SAEID KOHANDARVISH, M.D.

Specialist in internal medicine

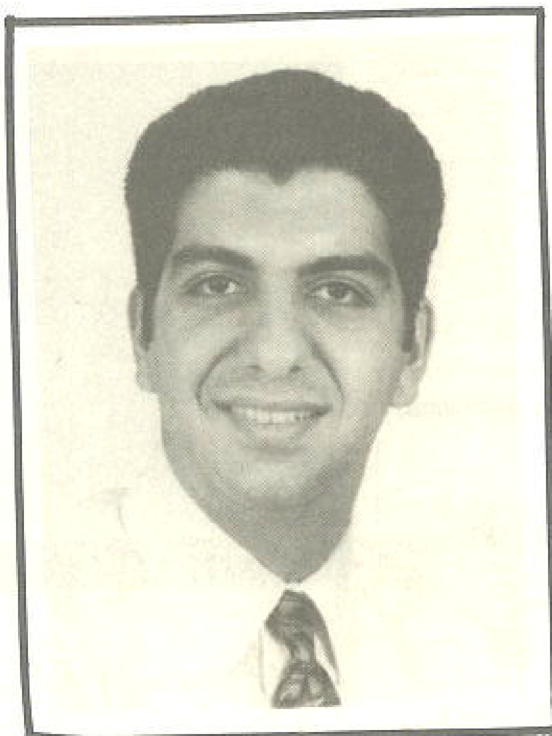
دکتر سعید کهن درویش

متخصص امراض داخلی

(از دانشگاه U.C.L.A)

تشخیص، درمان و پیشگیری

فشارخون
دیابت
چربی خون و چاقی
بیماری‌های جهاز هاضمه
نارسائی‌های قلب ، ریه و کلیه
بیماری‌های عفونتی



مطب مجهز به:

الکتروکاردیوگرام
تردمیل
دستگاه آزمایش تنفسی
لابراتواری
رادیولوژی

ضمن تبریک سال نوعبری ۵۷۵۷
افتتاح مطب جدید خود در ادرانسینو به اطلاع همکیشان عزیز می رساند

16311 Ventura Blvd.
Suite # 1080
Encino, CA 91436

پذیرایی با تعیین وقت قبلی

(818) 906-8400

نقاشی روی جلد این شماره چشم‌انداز

ملاقاتی با

مئیرا یدید صیون

بلندآوازه ترین نقاش و مجسمه‌ساز ایرانی دنیا

عرفان ایرانی «هفت شهر عشق» می‌خواند و نهایت آن را «عطار» در «منطق الطیر» به زبانی توصیفی و استعاری، دیدار مرغان باقیمانده از سفر عشق، با سیمرغ کوه قاف، یعنی «خود خدابینی انسان» می‌داند. دیدار «شمس» و «مولوی» از این دست است.

در خانه مادر مئیرا همنشین این هنرمند بلند آوازه که از هنرمندان طراز اول نقاشی و مجسمه سازی اروپا و دنیاست می‌شویم. صورت و نجابتی شرقی و تواضعی که تکیه بر اصالتی خانوادگی دارد. آثارش را نشانم می‌دهد و بدین گونه او را بیشتر می‌شناسم. عاشق پدرش است. پدری که سالها پا بپای مردم و برای جامعه‌اش عمر گذرانده را بسیار ارج می‌نهد.

(یکی از معروفترین مجسمه‌هایش را بنام و به بزرگداشت نام او به موزه «اسکربال» لس‌آنجلس هدیه داده که در یک نمایشگاه دائمی



مارتین بوبر فیلسوف شهیر یهودی می‌گفت: «زندگی یعنی ملاقات». وقتی فرصت دیدار مئیرا در پی تلفن او به سازمان سیامک به من دست داد، بیاد این جمله افتادم و اثری که این ملاقات برای من داشته و خواهد داشت. به فرصتهایی که در طول عمرمان از دست می‌دهیم فکر می‌کنم و کسانی که هرگز ملاقاتشان نمی‌کنیم. مثلاً انسان بزرگی که در چین زندگی می‌کند و یا در دهکده دورافتاده‌ای در جنگلهای آمازون و یا دیگران دیگر. احساس می‌کنم انگار ما انسانها در مدارهایی - در کنار هم - گاه دور و گاه نزدیک و گاهی با هم در مسیری از آن خود و در ترتیبی قانونمند و فیزیکی می‌چرخیم. گاه از کنار دیگر انسانها که در مدار بغلی می‌چرخند بی‌اعتنا رد می‌شویم. گاه با فردی از مدار بغلی ملاقات می‌کنیم - گاه ممکن است تماس مؤثری را باعث شویم و این تماس ما را به مدار مشترک و دیگری برساند و در راه ملاقات نهایی با نهایتی بزرگتر از «من» و «تو» و «ما» یعنی خود «خدا»، بر یکدیگر اثر بگذاریم و با یکدیگر تلاش کنیم.

شاید به گونه‌ای مدارها همان کاری را می‌کنند که توصیفش را

یوسف ظهیری C.P.A.

حسابرسی ارشد مالیاتی سابق

State Board of Equalization

آماده کمک در مشاوره مالیاتی

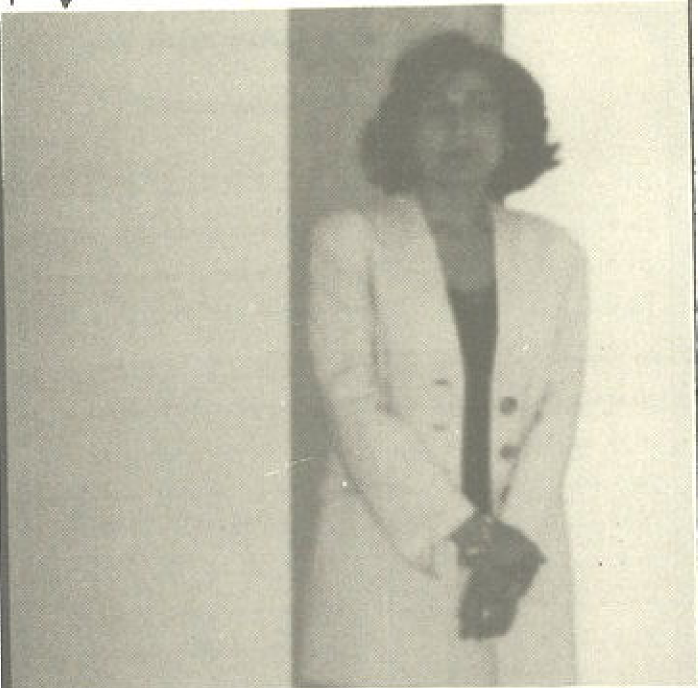
شرکتهایی که برای

Sales Tax Audit

انتخاب شده‌اند.

San Jose (404) 292-3800

از لس آنجلس *Call Collect*



نگاهداری خواهد شد. و مجسمه دیگری را به همین منظور در نمایشگاهی دائمی در اسرائیل نگاهداری می‌کنند).

پدر مثیرا شعر هم می‌گفت شاید بی‌مناسبت نیست که منتقد هنری Santa Fizzaroti کارهای هنری او را یک «معماری شاعرانه» توصیف کرده است و می‌نویسد: «در کارهای او شکل آدمی ناپدید می‌شود و به شکل معمارگونه‌ای پدیدار می‌گردد و در یک شرایط متافیزیکی ناواقعی، ساکت، که هیچ عملی را نمی‌توان انتظار داشت».

کارهای زیبا و موفق «مثیرا» در اروپا راکاری آوانگارد (پیشرو) می‌دانند. ایده‌هایی که او از فضا در کارهای خود ارائه می‌دهد، نو و مدرن است. راه بیان اندیشه «مثیرا» راه استفاده از استعاره است. کارهای هنری او مستقیماً خبر نمی‌دهد. مؤثر، نافذ و پیچیده و انعکاسی است از حالات روحی او که ثمره برخورد او با جهان پیرامونش می‌باشد. ابهام در صحنه‌پردازی‌های کارهایش به زیبائی آن روح می‌بخشد ولی آن را معما نمی‌کند. شخصیت شرقی هنر او ریشه در هنر اسلامی دارد و سبک «فیگوراتیو» هنر چینی که ثمره ورود مغولها به ایران بوده ولی در عین حال با قدرت بی‌نظیری خود را درگیر لب یار و گیسو و کمر و شراب و کنار جو نمی‌نماید. کارهای او به معنویات بیشتر نظر دارد و از ریشه شرقی خود برای تزئین و جلوه کارهایش استفاده می‌کند. اثر پیشروان و هنر غرب در کارهای مثیرا بسیار مشهود است، معانی سمبولیکی که ارائه می‌دهد و دید اکپرسیونیستی‌ای که واقعیت را در خود به نمایش می‌گذارد و ارائه جدیدی از فضا گواهی بر این گفته‌اند. ویژگی کارهایش که وی را نقاش و مجسمه سازی مشهور و با اهمیت نموده و جلوگیری از بوجود آمدن تضادی بین دو فرهنگ غرب و شرق دستمایه کارهای هنریش می‌باشند. و شاید منتقد اروپایی دیگر بنام "Enzo Battara" چه زیبا در مورد کارهای او نوشته است که: «ترانه‌ای است که به آهستگی بر روی صفحه به تصویر کشیده شده است».

وکیل رسمی دادگاههای کالیفرنیا

فریبا سلیمانی

طلاق • تصادفات • امور تجارتی

Law Offices Of *Fariba Soleimani*
10850 Wilshire Blvd., suite 400
Los Angeles, Ca 90024
(310) 441-8301

مشاوره اولیه رایگان

دکتر عزیزالله نورمند

استاد دانشگاه

متخصص بیماریهای کودکان

از امریکا

دارای برد تخصصی کودکان

عضو کادر پزشکی بیمارستانهای سیدرسایناي، سنت جونز، سانتامونیکا و تارزانا



مرکز خدمات بهداشتی و درمانی
نوزادان، کودکان و نوجوانان

در منطقه سانتامونیکا (310) 829-3311

در منطقه انسینو (818) 905-5552

اصولاً تضاد زمینه بسیاری از کارهای «مثیرا» را به خود اختصاص داده است. بطور مثال وقتی که در یک تصویر تاریک به ناگهان نوری با قاطعیت ظاهر می‌شود و تاریکی را می‌درانَد و در عین حال آهنگ دلپذیری به رنگها می‌دهد و رنگ و معنی را موزون می‌کند. مثیرا در مورد کارهایش می‌نویسد: **ما این شبهه را دوست داریم قبول کنیم که زمان چیزی واقعی می‌باشد. اگر زمان واقعی نبود، پس عدم تداوم هم که بنظر می‌رسد بین جهان و ابدیت - خوب و بد باشد یک شبهه بیش نیست»** - و Santa Fizzaroti با توجه به این ادراک و مفهوم زمان و فضاکه تداخل سطوح و زمینه‌ها و رنگها را در کارهای مثیرا موجب می‌شود، می‌نویسد: **ساخت لطیف یک متافور ادبی است که احساس عبور سریع تصاویر، گستره‌ای ملکوتی از هنر را تعبیر نموده و از آن راه سازش رضایت بخشی از عمق کلام و زبان را ارائه می‌دهد».**

کارهای «مثیرا» جامعه سنتریک است. نقش یهود و یهودیت - بازگشت به اصل خود - ترک غم‌بار ایران و سنت یهودی که به آن عاشقانه عشق می‌ورزد در کارهایش موج می‌زند و طنین آن به اندازه خود رنگ نقش دارد. «مثیرا» سعی می‌کند به افکار پیچیده و نامفهوم یهودی از طریق نقاشی خود فورم بدهد. فورمی مخصوص خودش. او با بینشی نو و با صمیمیت و اصالت و با استفاده از پارچه و رنگ و سیم فلزی بطور مثال در تابلو «قبیله‌ام»، یهودیت را که تم مایه بسیاری از آثارش هست را در برابر دیدگان ما می‌گذارد. «مثیرا» با کارهای زیبایی چون زوج - بازگشت - خیمه مقدس هارون و... به ما نشان می‌دهد که بیش از یک راه درست برای اندیشیدن، احساس کردن و بیان آن وجود دارد و در این راه با کمک بیننده آثارش، احساس برانگیخته در وجودش را به راحتی انتقال می‌دهد.

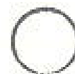
ما و دنیای ما و هرچه در اطراف ما می‌گذرد به صورتی با شکوه و پر ابهت، دگرگون می‌شویم. من کسی نیستم که تا لحظه‌ای پیش بودم. من با ملاقات با شما در همین صفحه «چشم‌انداز» و شما با ملاقات این نوشتارها دگرگون می‌شویم. باید از فرصتها استفاده کرد و برای یکدیگر اتفاق افتاده و با مدارها و انسان‌های دیگر ملاقات کنیم و به آنها بگوییم **«زندگی زیباست» - «با تو بودن خوب است».**

این لحظه‌های با تو بودن - لحظه‌های شور و لحظه‌های ناب با **«کسی بودن»** خوب است. **«اریک فروم»** این روانشناس جهان آوازه یهودی می‌گفت:

«انسان در هر سنی و فرهنگی که باشد با حل یک مسئله و پرسش واحد و شبیه به یکدیگر روبروست. پرسش اینکه چگونه بر جدایی غلبه بکند - چگونه به با هم بودن دست بیابد - چگونه از زندگی فردی بالاتر برود و به وحدت برسد.»

ملاقات با «مثیرا» و شناختن او و دنیایش، بگونه‌ای خاص، از آن فرصتهایی بود که در متن عادت‌های روزانه نفوذ می‌کنند، رخوت را از آن می‌گیرند و باعث یک دگرگونی لذت بخش می‌شوند.

من از ملاقات با «مثیرا» این بانوی با اصالت هم‌قبیله‌ام که با استادی و ظرافت رنگ و شعر و اندیشه و ترانه را جان می‌بخشد خوشوقتم - با امید آنکه شما هم. □



نشر کتاب منتشر کرده است

۱ - فن نگارش یا راهنمای انشا ، دکتر محمد جعفر محجوب .... ۲۵۹ صفحه ۷ دلار

۲ - دکتر موش (مجموعه داستان) ناصر زراعتی .... ۱۸۵ صفحه ۵ دلار

۳ - پروانه ای در مشت (نمایشنامه) ایرج جنتی عطایی .... ۱۱۰ صفحه ۴ دلار

۴ - مصدق و ایران معاصر فضل‌الله روحانی .... ۱۵۰ صفحه ۵ دلار

۵ - یاد یار و دیار (سه دیدار از ایران) مرتضی نگاهی .... ۲۸۸ صفحه ۱۲ دلار

۶ - به گل نشستگان (مجموعه داستان) ناصر شاهین‌پر .... ۲۸۸ صفحه ۱۲ دلار

۷ - از خون دل نوشتم (گزیده ی مقالات) دکتر علیرضا نوری‌زاده .... ۲۸۳ صفحه ۱۵ دلار

۸ - همنوایی شبانه ی ارکستر چوب ها (رمان) رضا قاسمی .... ۲۴۰ صفحه ۹ دلار

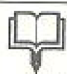
۹ - ماشاالله خان در بارگاه هارون الرشید ایرج پزشکزاد .... ۳۸۰ صفحه ۱۵ دلار

۱۰ - بوبول (مجموعه چند قطعه ی هزلی و انتقادی) ایرج پزشکزاد .... ۱۵۶ صفحه ۷ دلار

۱۱ - انترناسیونال بچه پر روها (مجموعه مقالات طنز سیاسی) ایرج پزشکزاد ۲۰۰ صفحه ۸/۵ دلار

۱۲ - برگ زردی در بهار (شعر و ترانه) مسعود فردمنش .... ۱۶۰ صفحه ۹ دلار

۱۳ - بوی جوی مولیان (یادداشت های سفر تاجیکستان) مسعود سپند، ۲۶۴ صفحه ۱۵ دلار


نشر کتاب

NASHR-E KETAB CORP.
1413 Westwood Blvd.
L.A., CA. 90024 • U.S.A.
TEL(310) 444-7786 • FAX (310) 444-1947

تدریس خصوصی

توسط

دکترای فیزیک

فیزیک - ریاضیات - کامپیوتر

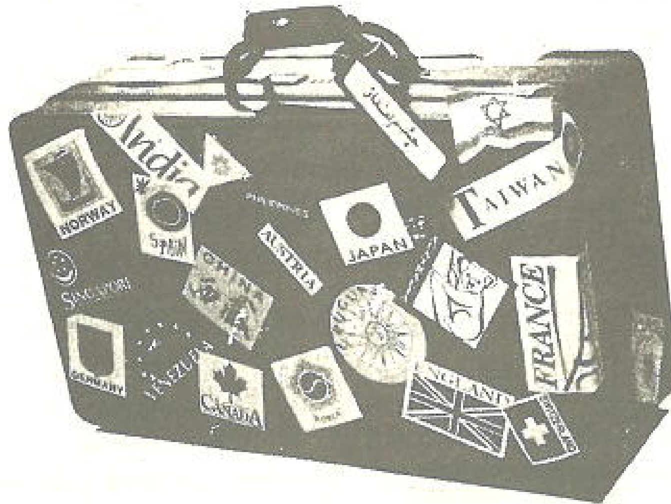
PHYSICS-MATHEMATICS-COMPUTER

SAT

TEL: (818)344-0895
PGR:(818)318-4666

نقش یهودیان در تحولات جهان

منبع :کنگره جهانی یهود



اروپا

● حساب بانکی

بنا بر مدارک افشاء شدهٔ آرشیو ملّی در سوئیس، آدولف هیتلر دارای یک حساب شخصی در یکی از بانک‌های این کشور بوده است. اینطور به نظر می‌رسد که وجوه پنهان شده در این حساب بانکی شامل وجوه دریافتی حق التألیف کتاب هیتلر «نبرد من» نیز بوده است.

● اعتراف

سر تراشیدگان (Skin Head) فرانسوی که معترف به متلاشی کردن اجساد یهودیان و تخریب قبوری در قبرستانی در جنوب فرانسه در آوریل ۱۹۹۰ هستند اظهار داشتند که این عمل را با نقشه قبلی و به خاطر ادای احترام به هیتلر انجام داده‌اند. این عمل ضد یهودی احساسات بسیاری را در فرانسه برانگیخت و قریب صد هزار نفر در مراسم اعلام اعتراض در پاریس شرکت کرده و حزب دست راستی «جبهه ملی» به رهبری ژان ماری لوپن را شماتت نمودند.

● اهانت به کنیسا

علیرغم اعتراض یهودیان وین به خاطر برپائی یادبود هالوکاست به روی خرابه‌های یک کنیسای قدیمی که در سال ۱۴۲۱ منهدم شده است، کارهای ساختمانی این مجموعه آغاز گردید. نگرانی جامعهٔ یهودی وین به این خاطر است که با برپایی این مجموعه آن میراث گرانبها برای همیشه مدفون خواهد شد.

● بازسازی

بیش از ۱۰۰۰ تن از یهودیان سراسر جهان در شهر صوفیه پایتخت بلغارستان گرد هم آمدند تا در مراسم افتتاح مجدد کنیسای باز سازی شده این شهر که یکی از با شکوه‌ترین کنیساهای اروپا می‌باشد شرکت کنند. این کنیسا در سال ۱۹۰۹ افتتاح گردید ولی در بمباران‌های جنگ دوم جهانی منهدم گردید. بازسازی این کنیسا به خاطر مخالفت‌های دولت کمونیست بلغارستان که در سال ۱۹۸۹ از کار برکنار شد تاکنون به تعویق افتاده بود.

● هلند و یهودیان

بر اساس مدارکی که اخیراً در موزهٔ «رزمندگان گتوها» در اسرائیل به معرض نمایش گذارده شد بسیاری از شهروندان و مقامات دولتی هلند مخفی گاه‌های یهودیان فراری را برای مقامات نازی افشاء می‌کرده‌اند. قریب به ۸۰ در صد از یهودیان هلند که بالغ بر ۱۵۰،۰۰۰ تن بوده است روانهٔ اردوگاههای مرگ شده و پس از پایان جنگ فقط ۴ در صد به این کشور باز گشتند.

● کتاب پر فروش

۴۰,۰۰۰ نسخه از ترجمهٔ آلمانی کتاب اخیر پرفسور گلد هاگن استاد دانشگاه هاروارد در ظرف مدت یک ماه به فروش رفت. در این کتاب نویسنده به صورت مدلل ثابت کرده است که کشتار شش میلیون یهودی به توسط آلمانی‌ها نه فقط بالاجبار و به دستور نازی‌ها صورت گرفت بلکه بسیاری از شهروندان آلمانی آگاهانه و به خاطر داشتن تمایلات ضد یهودی دست به این کار زدند.

آمریکا

● صلیب سرخ

کنگره جهانی یهود با دست‌یابی به اسناد منتشره از طرف مقامات امنیتی آمریکا فاش کرد که صلیب سرخ جهانی در زمان جنگ دوم در کنترل مقامات نازی بوده است. بر اساس این اسناد بسیاری از افرادی که در مقامات بالای سازمان صلیب سرخ جهانی خدمت می‌کرده‌اند متهم شده‌اند که یا از مأموران نازی و یا وابسته به آنها بوده‌اند و از طریق صلیب سرخ اطلاعات نظامی را در اختیار نازی‌ها قرار می‌داده‌اند.

● غذاهای کاشر در ارتش

پس از پنج سال مذاکرات مابین مقامات مذهبی ارتش و وزارت دفاع آمریکا تهیهٔ غذاهای آماده کاشر برای ارسال به جبهه‌ها مورد تصویب قرار گرفت و از این پس نظامیان ارتش آمریکا می‌توانند از غذاهای کاشر آماده استفاده نمایند. لازم به یادآوری است که در زمان جنگ خلیج فارس بیش از ۵ هزار یهودی پرسنل ارتش در این جنگ به خدمت فرا خوانده شدند.

● کیپا

یک یهودی ارتدکس که به دستور قاضی دادگاهی در هوستون تگزاس مجبور شده بود در هنگام ادای شهادت کیپای خود را از سر بردارد از قاضی مزبور به دادگاه شکایت کرد. این یهودی اظهار داشت که دلیل برداشتن کیپا به هنگام شهادت به این خاطر بوده است که مخالفت او با قاضی می‌توانست باعث لطمه زدن به شهادت او به نفع شاکی باشد.

اسرائیل

● آمار تحصیلی

در سال تحصیلی ۹۷-۱۹۹۶ تعداد ۱,۷۰۴,۰۰۰ دانش‌آموز در مدارس اسرائیل ثبت نام کرده‌اند. سیستم آموزشی اسرائیل دارای ۲۸۵۰ مدرسه و ۱۰۸,۰۰۰ آموزگار می‌باشد.

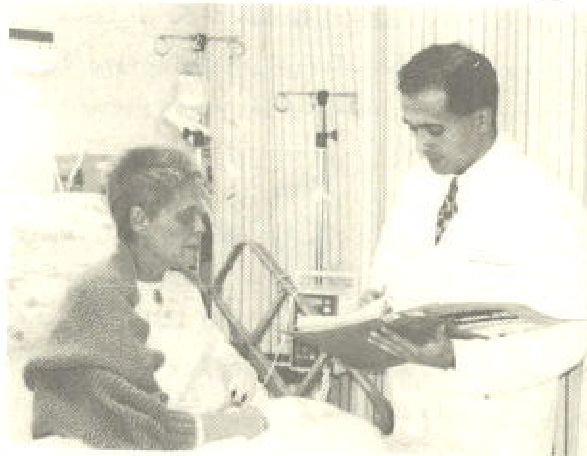
● امید

بر اساس گزارش هفته نامهٔ آلمانی Focus «ران آراد» خلبان اسرائیلی که ده سال پیش پس از سقوط هواپیمایش در لبنان دستگیر گردید هنوز زنده است و به مکان جدیدی منتقل شده است. این هفته نامه اظهار نظر

PAYMAN KHORRAMI, M.D.

Internal Medicine and Gastroenterology

دکتر پیمان خُرّمی



دارای برد تخصصی در امراض داخلی

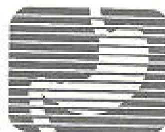
فوق تخصص در بیماریهای گوارشی

* عضو انجمن گوارشی و انجمن اندوسکوپی آمریکا

* تشخیص و درمان بیماریهای معده، روده، کبد، لوزالمعده، و کیسهٔ صفرا

* اندوسکوپی روده و معده

2080 Century Park East
Suite 1804
Los Angeles, CA 90067



(310) 553-5588

کرده است که گروه حزب‌الله آراد را به مدت چند سال در دهکدهٔ بنی سیت نگهداری کرده‌اند ولی در ماه آوریل او را به مکان دیگری منتقل کرده‌اند.

● دستگاه رد یابی

شرکت اسرائیلی تادیران **Tadiran** موفق به ساختن دستگاهی شده است که به کمک آن می‌توان خلبانانی را که هواپیمایشان دچار نقص فنی شده و خود را به وسیلهٔ صندلی مخصوص به خارج پرتاب کرده‌اند را ردیابی کند. این دستگاه هم اکنون در نیروی هوایی ایتالیا و همچنین فرانسه مورد استفاده قرار گرفته است.

● کلاس‌های جدید

اولین دوره کلاس‌های بیوتکنولوژی در کشاورزی در سطح جهانی از طرف دانشکده کشاورزی دانشگاه عبری اورشلیم در رخوت کار خود را آغاز کرد. دانشمندان کشاورزی از کشورهای چین - مصر - هندوستان - رمانی - تایلند - فیلیپین - لهستان - قزاقستان - مکزیک - مراکش و نیجریه در این کلاس ثبت نام کرده‌اند.

گوناگون

● ضبط

نواهای مذهبی یهودیان هندوستان «بنی ایسرائل» در مورد یوم کیپور و سلیخوت که سالها سینه به سینه منتقل میشد اخیراً ضبط و در اختیار عموم قرار گرفت. یهودیان هندوستان ادعا می‌کنند که در زمان آنتیوخوس در سالهای ۱۷۵-۱۶۳ قبل از میلاد از گالیله به هندوستان گریخته‌اند.

● BAGEL در چین

اولین کارخانه تولید **Bagel** در شهر پکن توسط خانم شانن که در نیویورک متولد شده و اکنون ساکن چین می‌باشد افتتاح شد. در کافه کوچک جنب این کارخانه انواع **Bagel** و **Cream Cheese** و ماهی آزاد دودی داده عرضه می‌شوند.

در فقدان

دکتر عطاالله دانشراد یار دیرین جامعه - جوان پرشور نشریه ایسرائل ۵۰ سال پیش، همراه اولیه سازمان سیامک، همپای کانون سالمندان در لس آنجلس عمری را برای مساوات بخشیدن بین پیر و جوان، زن و مرد، دارا و ندار صرف کرد.

یادش گرامی باد و خاطره‌اش عزیز خواهد ماند



دکتر سهیل خدادادی

SOHEIL KHODADADI, D.M.D., D.D.S

پیشرفته‌ترین درمانهای دندانپزشکی برای اطفال و بزرگسالان

● دارای درجه دکترا از U.S.C
● عضو کادر آموزشی و تحقیقاتی دانشگاه کالیفرنیای جنوبی
● عضو انجمن دندانپزشکان آمریکا و کالیفرنیا

تلفن ۲۴ ساعته

(310) 271-3003

250 N. Robertson Blvd., Suite 412
Beverly Hills, CA 90211

امنون نتصر

یادداشت ها

مقاله بیست و نهم

۴۹ ـ مجسمه کوروش

کوروش دوم (کوروش کبیر) حق بزرگی بر گردن ملت یهود دارد. اشعیا ارزش انسانی و بی سابقه این شاه هخامنشی را در نوشتاری مقدس ابدیت بخشیده است (باب چهل پنجم، آیه یکم). عزرا (همدوره با اردشیر اول) عهدنامه کوروش را در کتاب خود منتشر ساخت. در میشنا و گمارا و نوشتارهای علمای پس از تلمود همه جا نیکی و بزرگواری کوروش در حق ملت یهود بچشم میخورد. داوید بن گوریون، پایه گذار و اعلام کننده استقلال اسرائیل، در مقاله ای جامع کوروش را ناجی ملت یهود میداند (David Ben-Gurion, Cyrus, King of Persia, *Acta Iranica*, Vol. I, Leiden 1974, pp. 127-134). نگارنده در جلد دوم پژوهشنامه نامبرده، در مقاله ای کوروش را از دیدگاه ادبیات فارسیهود Fārsihud مورد بررسی قرار دادم. اکنون وقت آن رسیده است که جامعه یهود ایران، که بیش از دوهزار سال است در سرزمین ایران زندگی میکند و با ایرانیان همزیستی طولانی دارد، دین خود را، تا اندازه ای، نسبت به این بزرگمرد تاریخ اداء کند.

چه نیکوست سران جامعه یهود ایران کاری انجام دهند که دویست و ده سال پیش ملت فرانسه در حق ملت آمریکا انجام داد. آنها مجسمه عظیمی طراحی کرده آنرا در اکتبر ۱۸۸۶ به عنوان «مجسمه آزادی» به ملت آمریکا اهداء کردند. این تندیس زیبا، با مشعلی در دست، سالهاست در دالان ورودی شهر نیویورک تازه واردان این سرزمین را خوش آمد میگوید. این مجسمه آزادی نه تنها به عنوان سمبل آزادی و هویت شهر نیویورک، بلکه سراسر آمریکا شناخته شده است. مهاجرینی که از قرن گذشته رؤیای رسیدن به کشور آزادیها را در دل داشتند با نزدیک شدن کشتی آنان به مجسمه آزادی رؤیای خود را تحقق یافته میدیدند.

ما یهودیان ایرانی موظفیم چنین ابتکاری را در دست بگیریم و تندیس کوروش کبیر را در دالان ورودی شهر حیفا بر روی سکویی در داخل آبهای مدیترانه نصب کنیم. پیکر عظیم این شاه شاهان، در حالیکه ورود همه انسانها را به سرزمین مقدس تهنیت میگوید، نماد ماندگاری خواهد بود از همبستگی دو ملت باستانی که پیمان دوستی میان آنها با دست کوروش توشیح شده و جاودانی یافته است. یهودیان ایرانی همه امکانات انجام این کار را در دست دارند، و بدون تردید سران کشور اسرائیل این طرح را مورد استقبال قرار خواهند داد. فرآیند این کار عظیم و شایسته برای سرافرازی یهودیان ایرانی، پایداری دوستی میان ایرانیان و یهودیان و اعتلای نام ایران در سطح جهانی آنچنان بدیهی است که نیازی به توجیه ندارد.

برای آنانیکه با عدد سر وکار دارند در اینجا یادآور میشویم که مجسمه آزادی ۱۵۱ پا (۴۶ متر) ارتفاع دارد.

۵۰ ـ اشعیای نبی

یکی از انبیای پر توان که نوشتارش مورد توجه ادیان یکتا پرست است اشعیا است. مقصود ما تجزیه و تحلیل شخصیت و ایده های وی نیست؛ چون نامی در بالا از اشعیا آوردیم، بسنده دیدیم اشاره ای به چند نکته بکنیم. محتویات کتاب اشعیا از دیر زمان افکار مفسرین کتاب مقدس را بخود مشغول داشته بود. چنین مینمود که فصل هایی از این کتاب با بقیه مندرجات آن همخوانی ندارد ــ خصوصاً آنچه ما در بالا در ارتباط با کوروش آوردیم. فقط برای مثال، مانند اینست که کسی مطالبی را بصورت رپرتاژ از دوره نادر شاه متذکر شود، سپس همان شخص مشاهدات خود را در مورد کودتای رضا شاه به اطلاع خوانندگان برساند.

محتویات فصل اول تا پایان فصل ۳۹ نشان میدهد که شخصی بنام اشعیا بن آموص در دوره پادشاهی عوزیا (شاه یهودا در سالهای ۷۸۵ ـ ۷۳۴ قبل از میلاد) میزیسته و این دوران پر هیجان را، هم به عنوان یک گزارشگر حرفه ای و مفسر سیاسی تیزبین، و هم به عنوان یک معلم اخلاق، با زبانی غنی، شیوا و فصیح مورد بررسی قرار میدهد. از درونمایه کتاب بر میآید که اشعیا زنی با سواد داشته که او را נביאה پیامبر میخواند. این دو لااقل صاحب دو پسر میشوند، که گویا پسر بزرگتر اغلب اوقات پدر را در سفر و حضر همراهی میکند.

واما باید بپرسیم شخصی که فصلهای چهلم به بعد را نوشته چه نسبتی با اشعیا بخش نخستین کتاب دارد. در بخش دوم، مطالب بر محور رویداد هایی دور میزند که متعلق به سال فتح بابل توسط کوروش است، یعنی سال ۵۳۸/۹ قبل از میلاد. خوب توجه کنید، تفاوت بیش از صد و پنجاه سال است. کسی که بیش از همه مفسرین متوجه این نکته شد، و اغلب مفسرین بعدی نظر او را قبول کردند، ربی اوراهام ابن عزرا (اسپانیا ۱۰۸۹ ـ ۱۱۶۴) بود. چون نام نویسنده بخش دوم تاکنون کشف نشده، و

چه خوب است رهبران روحانی جامعه ما این موضوع را مورد توجه قرار بدهند و مردم را از نزدیک شدن به اینگونه سوداگران قبالاچی برحذر بدارند.

۵۲ . ریاست

خوشبختانه، بالاخره، موفق شدیم لباس ریاست بخش ایرانشناسی را در دانشگاه عبری اورشلیم از تن برکنیم و آنرا به قامت یکی از برازنده ترین استادان این بخش، پرفسور مایکل استون، بپوشانیم. نامبرده (متولد ۱۹۳۸ انگلستان) استاد زبان و ادبیات ارمنی است.

بد نیست گفته شود که گاهی جامعه لقب پرست ما، بدون مشورت با بنده، القابی، البته از روی لطف و مرحمت، به بنده اعطا میکند که اساس درستی ندارند. مثلاً چند سال پیش، تلویزیون جام جم ناگهان مرا «رئیس دانشگاه عبری» خواند. در یکی از دعوتنامه ها دیدم که مرا «رئیس مؤسسه مطالعات آسیا و آفریقا» کردند. بنده هیچگاه این دو لقب را نداشته ام.

یادم آمد که در حدود چهل سال پیش (سال ۱۹۵۷) مقاله ای در مورد «ریاست» نوشتم و خواستم آنرا در یکی از جرائد فارسی زبان تل آویو چاپ کنم. مقاله جالبی بود و تلویحاً از کسی، که در آنموقع در اسرائیل زندگی میکرد و از لقب «رئیس» قند توی دلش آب میشد، انتقاد میکرد. این مقاله به عللی، که با همان «آقای رئیس» ارتباط داشت، چاپ نشد. من فعلاً کاری به نیویورک و لس آنجلس ندارم، در همین اسرائیل خودمان «ریاست» دارد یواش یواش نه تنها همه دنیا بلکه همه کهکشانها را در بر میگیرد.

مقاله مذکور هنوز در قید حیات است، منتهی رنگ کاغذ آن پریده است. این مقاله در فرصتی مناسب چاپ خواهد شد.

کلاسهای تقویتی برای دانش آموزان

مرکز تارزانای سازمان سیامک در صدد است که در صورت ثبت نام افراد علاقمند، کلاسهای تقویتی در رشته های کامپیوتر - ریاضیات - انگلیسی و غیره...را تشکیل بدهد. در صورت تمایل با تلفن **۴۷۹۸ - ۴۷۹ (۳۱۰)** یا **۸۳۳۲-۷۰۵ (۸۱۸)** تماس حاصل نمائید.

افشین کاشانی C.P.A.

* برنامه ریزی و انجام کلیه امور مالیاتی و حسابداری برای اشخاص، شرکتها و مؤسسات پزشکی

* سرویس مخصوص حسابداری کسب های کوچک با قیمت ویژه
مشاورهٔ اولیه رایگان

(310) 202 - 1010

AFSHIN KASHANI C.P.A

* YEAR ROUND TAXATION PLANNING
* MANAGEMENT AND COMPUTER ACCOUNTING
* BUSINESS MANAGEMENT
* BUSINESS DEVELOPMENT
* MEDICAL AND PROFESSIONAL SERVICE CORPORATIONS

1999 AVENUE OF THE STARS, SUITE 2800
Century City, CA 90067

دکتر جلال دوستان

متخصص بیماری های داخلی و فوق تخصص در بیماری های کلیه و فشار خون

دارای M . P . H. دانشگاه جانز هاپ کینز
عضو کادر پزشکی مرکز طبی سیدر سینای
مجهز به
رادیولوژی و آزمایشگاه

(310) 859-0415
ROX SAN MEDICAL BUILDING
465 N. Roxbury Dr., Suite 1008 • Beverly Hills, CA 90210

از قرار معلوم پیامبری بوده که در بابل میزیسته است، لذا نام «اشعیای دوم» به او داده اند.

این نیز باید گفته شود، تعدادی از مؤمنون متدین نظریه یاد شده در بالا را قبول ندارند. به عقیده آنان آنچه در فصلهای چهلم به بعد آمده متعلق به پیشگویی های اشعیا بن آموص است که عیناً تحقق یافته اند. آن عده از مؤمنون مذهبی که تفکر پژوهشی دارند (مانند ربی اوراهام ابن عزرا) تأکید میکنند که غیر از پنج اسفار تورات، بقیه کتب عهد عتیق الزاماً در چارچوب «ایمانی» قرار نگرفته اند و قبول نکته بالا ایمان کسی را سست نمیکند. باید افزود، که رامبام ارکان سیزده گانه این ایمان را مشروحاً بیان داشته (نک به تفسیر وی از بخش سنهدرین در میشنا)، و عمرانی شاعر بزرگ ما آن را در سال ۱۵۰۸ به نظم کشیده است.

۵۱ ـ تورات و کامپیوتر

در سالهای اخیر کامپیوتر انقلاب بزرگی در جهان دانش ایجاد کرده است. بسیاری از کتب ارجاعی، از جمله کتاب مقدس (عهد عتیق) و تلمود را کامپیوتریزه کرده و کار محققین را آسان کرده اند. ولی به موازات، تعدای از افراد با تورات مانند اسباب بازی های کامپیوتری بچه ها رفتار میکنند. اینهایی که چند صباحی به قول خودشان قبالا خوانده اند، زحمت فکر کردن را از سر خود رفع کرده اند و گمان میبرند که همه رویدادهای دنیا از صبح ازل تا شام ابد با رمز در تورات نوشته شده و اسرار این رمز را مهندسان و برنامه ریزان کامپیوتر شکافته اند. به عبارت دیگر اینها معتقدند که کامپیوتر دارد تدریجاً جای پیغمبران را میگیرد. اینها ادعا میکنند که شرح حال ادولف هیتلر و انور سادات و الیزابت تایلور را از طریق کامپیوتر در تورات پیدا کرده اند!

در چند فرصت، تعدادی از این آقایان با من به گفتگو نشستند و با هزار ایما و اشاره کوشیدند به بنده حالی کنند که روز و ساعت قتل انور سادات در تورات نوشته شده ـــ الحق و الانصاف کلمات و آیات را یکایک بمن نشان دادند و قضیه جور در آمد. چندی پیش، در منزل یکی از دوستان، فردی در حدود ۶۵ ساله خواست همین موضوع را در مورد پیش بینی قتل اسحاق رابین در میان انبوه حروف و کلمات تورات بمن بقبولاند. او تورات را باز کرد و در یکی دو آیه بمن سه کلمه عبری را نشان داد: רע... בין... הרג = ر ع... بین... ه ر گ (به معنای: بد... بین (میان)... کشتن). وی همانجا این سرهم کردن حروف و کلمات را چنین تفسیر کرد که در تورات نوشته شده چون (اسحاق) رابین انسان بدی است باید کشته بشود. وقتی از عکس العمل من مأیوس شد، رو به دوست بغل دستی کرده گفت: «این آقا عجب آدم سخت باور کله شقی است!»

به نظر من، آن عده از معلمان و راب هایی که چنین نادرستی ها را در میان مردم شایع میکنند به تقدس تورات اسائه ادب کرده لطمه سختی به ایمان مردم و به یهودیت وارد میسازند. رنج غربت و صدمات ناشی از مهاجرت اجباری از ایران به آمریکا زمینه روانی مستعدی برای سوء استفاده مشتی شعبده بازفراهم آورده است. میگویند فردی که خود را متخصص در قبالا معرفی کرده و کتابهایش به فارسی ترجمه شده، سالهاست از مردم سرگردان و خوش باور ما زندگی مرفهی برای خودش و هفت پشتش تهیه دیده است.

یکی از پدیده های زیبا و هوشمندانه تورات ما اینست که چنین پیش گویی ها را منع کرده است (لاویان، باب ۱۹، آیه ۲۶). اساساً تفاوتی میان فال قهوه و این نوع کامپیوتر بازی های مفتضحانه وجود ندارد. قبالا هدفهایی دگر دارد که یکی از آنها ساختن انسان از ما آدم های دو پا است. رشته قبالا آنقدر مهم است که نباید بدست شعبده بازان عصر کامپیوتر بیافتد.

دکتر فرشاد یادگار
روانشناس

- روان درمانی شخصی، زناشوئی و خانوادگی
- تستهای روانی و سنجش هوش برای کودکان و بزرگسالان
- روانکاوی کودکان و نوجوانان
- درمان مشکلات عاطفی، جنسی، افسردگی و اضطراب

FARSHAD DAVID YADEGAR PSY.D.
2566 S. Overland Ave. # 500
213 - 882 - 8383
818 - 734 - 0938

مطب‌ها در ولی و لوس آنجلس
کلیه بیمه‌ها، مدیکل و مدیکر پذیرفته میشود.

دفتر حقوقی

دکتر امین یونسی

تصادفات و صدمات بدنی

امور جنائی

دعاوی مشاغل

دفتر در سنچری سیتی ۱۰۰۵-۲۰۱ (۳۱۰)

دفتر در انسینو ۸۰۹۹-۹۹۹ (۸۱۸)

تمدنهای فضائی و مهمانان فضانورد

عهد عتیق در نوشتجات یهودی

ترجمه و تنظیم از: ناتان (ناصر یوم طوبیان)
خولون - ایسرائل

مأخذ: کتاب مقدّس یهودی (تَنَخ)
و تمدنهای فضائی اثر
دکتر ایزک اسیموف - و منابع دیگر

معتبرترین و قدیمی‌ترین مرجعی که دربارهٔ فضانوردان کرات دیگر که به کره زمین آمده‌اند اطلاعات دقیقی به ما می‌دهد کتب و نوشتجات مقدّس یهود می‌باشد.

حال برای اخذ اطلاعاتی به توراه مقدّس رجوع می‌کنیم:

سِفِر پیدایش باب ششم:

«پسران خدا دختریان آدمیان را دیدند که نیکو منظرند و از هر کدام که خواستند زنان برای خویشتن می‌گرفتند و بعد از هنگامیکه پسران خدا به دختران آدمیان درآمدند آنان برای ایشان اولاد زائیدند - ایشان جبارانی بودند که در زمان سلف مردان نامور شدند».

کتاب دوم پادشاهان - باب دوم - آیهٔ یازدهم:

«و چون ایشان میرفتند و گفتگو می‌کردند، اینک ارابه آتشین و اسبان آتشین ایشان را از یکدیگر جدا کرد و «ایلیا» در گردباد، آسمان صعود کرد».

کتاب یشعیای نبی - باب ۱۳ و غیره:

«۱ - یهووه صباوت لشگر را برای جنگ سان می‌بیند. ایشان از زمین بعید و از کرانه‌های آسمان می‌آیند.

۲ - مثل مرغان که در طیران باشند هم چنان یهووه صباوت اورشلیم را حمایت خواهد کرد و حمایت نموده آن را رستگار خواهد ساخت و از آن درگذشته و خلاصی خواهد داد.

۳ - اینان کیستند که مانند ابر پرواز می‌کنند؟»

کتاب حزقیال نبی (یَحزقل) - باب اول - از کتاب مقدس فارسی عیناً کپی شده است:

«پس نگریستم و اینک باد شدیدی از طرف شمال بر می‌آید و ابر عظیمی و آتش جهنده و درخشندگی گرداگردش و نمایش ایشان این بود که شبیه انسان بودند و هر یک از آنان چهار رو داشت و هر یک از آن‌ها چهار بال داشت. پایهای آن‌ها پای‌های مستقیم و کف‌های آن‌ها مانند کف پای گوساله بود و مثل منظر برنج صیقلی و درخشان بود. و زیر بالهای آن‌ها از چهار طرف آن‌ها دستهای انسان بود و آن چهار روی‌ها و بالهای خود را چنین داشتند و بال آن‌ها به یکدیگر پیوسته بود و چون می‌رفتند رو نمی‌یافتند بلکه هر یک به راه مستقیم می‌رفتند. و امّا شباهت روی آن‌ها این بود که آنان روی انسان داشتند و آن چهار روی شیر به طرف راست داشتند و آن چهار روی گاو به طرف چپ داشتند و آن چهار روی عقاب داشتند و روی‌ها و بال‌های آن‌ها از طرف بالا از یکدیگر جدا بود و دو بال هر یک به همدیگر پیوسته و دو بال دیگر بدن آن‌ها را می‌پوشانید و هر یک از آن‌ها به راه مستقیم می‌رفتند و به هر جایی که روح می‌رفت آن‌ها می‌رفتند و در حین رفتن رو نمی‌یافتند. و امّا شباهت این حیوانات این بود که صورت آن‌ها مانند شعله‌های اخگرهای آتش افروخته شده مثل صورت مشعل‌ها بود و آن آتش در میان آن حیوانات گردش میکرد و درخشان می‌بود و از میان آتش برق می‌جهید - و آن حیوانات مثل صورت برق می‌دویدند و بر می‌گشتند، و چون آن حیوانات را ملاحظه می‌کردم اینک یک چرخ به پهلوی آن حیوان‌ها برای هر روی هر کدام از آن چهار بر زمین بود، و صورت چرخها و صنعت آن‌ها مثل زبرجد بود و آن چهار یک شباهت داشتند و صوت و صنعت آن‌ها مثل چرخ در میان چرخ بود، و چون آن‌ها میرفتند بر چهار جانب خود میرفتند و در حین رفتن به هیچ طرف میل نمی‌کردند، و فلکه آن‌ها بلند و مهیب بود و فلکه‌های آن چهار از هر طرف از چشمها پر بود، و

چون آن حیوانات میرفتند چرخها در پهلوی آن‌ها میرفت و چون آن حیوانات از زمین بلند میشدند چرخها بلند میشد - و هر جایی که روح میرفت آنها میرفتند و به هر جا که روح سیر میکرد و چرخهایش پیش روی آنها بلند میشد زیرا که روح حیوانات در چرخها بود - و چون آن‌ها میرفتند اینها میرفت و چون آنها میایستادند اینها میایستادند و چون آنها از زمین بلند می‌شدند چرخها پیش روی آنها از زمین بلند میشد زیرا روح حیوانات در چرخها بود...

این شرح در کتاب حزقیال نبی (و در Bible بنام Ezekiel بصورت مفصل ادامه دارد و علاقمندان می‌توانند به آن رجوع کنند.

حال قبل از آن که سایر کتب و نوشتجات مقدّس یهودی را ورق بزنیم نگاهی به کتاب دکتر **«ایزک اسیموف»** می‌افکنیم. وی در کتاب خود به نام **«تمدنهای ماوراء کره زمین»** این سئوال را مطرح نموده است که آیا ما در جهان تنها هستیم؟ و آیا تا به حال فضانوردان دنیاهای دیگر به دیدن کره زمین آمده‌اند؟ او می‌نویسد که کهکشانی که ما در آن واقع شده‌ایم کهکشان راه شیری (The Milky Way) نام دارد که به شکل یک عدسی ذره‌بین می‌باشد که طول آن ۱۰۰،۰۰۰ (یکصد هزار) سال نوری و کلفتی آن در وسط ۱۶،۰۰۰ (شانزده هزار) سال نوریست.

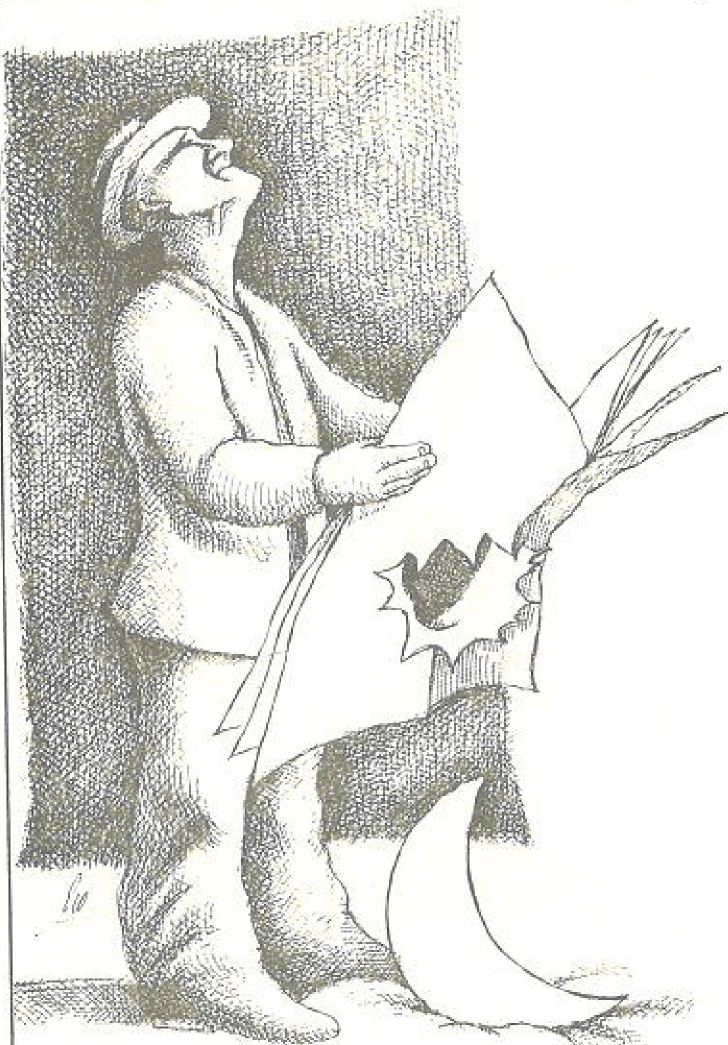
(نور در هر ثانیه سیصد هزار کیلومتر فاصله را طی میکند). کره خورشید نسبت به کره زمین بسیار عظیم و دارای جرمی معادل ۳۲۴،۰۰۰ برابر کره زمین میباشد.

در علم ستاره شناسی، کره خورشید یک ستاره متوسط به حساب می‌آید.

دانشمندان تخمین زده‌اند که در عالم هستی ۱۰۰ بیلیون کهکشان وجود دارد که نزدیکترین آن‌ها به ما کهکشان «اندرومدا» است که در فاصله ۲،۲۰۰،۰۰۰ سال نوری از ما قرار گرفته است و از لحاظ اندازه و تعداد ستاره‌هایش دو برابر کهکشان ما می‌باشد.

دانشمندان بر این عقیده‌اند که در کهکشان ما (کهکشان راه شیری) ۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (سیصد بیلیون) ستاره وجود دارد و کهکشان ما یک کهکشان متوسط و خورشید ما یک ستاره متوسط است. بر طبق محاسبه دانشمندان در **جهان قابل رُؤیت** یک بیلیون تریلیون ستاره وجود دارد. حال این سئوال مورد توجه است که آیا ما در جهان هستی تنها هستیم؟

نزدیکترین ستاره به ما (غیر از کره خورشید)، آلفا سنتاری (Alpha Centauri) نام دارد که در فاصله ۴.۳ سال نوری از ما قرار دارد. محقّقین به این نتیجه رسیده‌اند که ۹۳٪ تا ۱۰۰٪ از ستارگان سیاراتی می‌باشند و بر اساس محاسبات آنها تنها در کهکشان ما ۲۸۰



بیلیون ستاره وجود دارد که دارای سیاراتی هستند و از این تعداد ۷۵ بیلیون ستاره شبیه به خورشید است. و این ستارگان (خورشیدها) دارای ۶۵۰ میلیون سیاره میباشد که قابل نوعی زندگی‌اند. از این تعداد ستاره در کهکشان ما ۵۳۰،۰۰۰ سیاره وجود دارد که دارای تمدن همراه با تکنولوژی می‌باشند.

همان طوری که آگاهی دارید **«قبالا»** (کبالا) بزرگتری منبع اسرار جهانست. و قبالیست‌ها بر این باورند که این نوشته‌ها به دستور خدا نوشته شده است.

در قبالا علائم و اَشکال سرّی و فرمولهای ریاضی وجود دارد. در قبالا هفت دنیا با ساکنانش کاملاً شرح داده شده است که به طور خلاصه از این قرار است:

۱ - دنیای Geh، ساکنانش شخم میزنند و درختکاری میکنند، هر چیز درختی را می‌خورند با گندم و حبوبات آشنائی ندارند. در دنیای آنها حیوانات بزرگ وجود دارد.

۲ - دنیای Nesziah، ساکنانش بُته و سایر گیاهان را می‌خورند

کتاب حضرت **مُشه بن عمرام** می‌باشد. این کتاب که **«زوهر»** نام دارد توسط **ربی شیعون بر یوحای** نوشته شده است، در این کتاب مکالمه بین یک نفر از ساکنین زمین و موجودی از دنیای **«آرکا»** به ثبت رسیده است. در آن زمان که زمین در اثر آتش از بین رفته بود، تعدادی از آوارگان نجات یافته تحت نظر **«ربای یوسی»** رهبری میشدند که ناگهان با موجود عجیب غریبی که دفعتاً از داخل شکاف سنگی بیرون می‌جهد روبرو می‌شوند که صورتی کاملاً عجیب داشت.

در این لحظه «ربای یوسی» به طرف آن موجود عجیب میرود تا بپرسد از کجا آمده است. او میگوید «من از ساکنین دنیای «آرکا» هستم». ربای یوسی با حیرت می‌پرسد منظورت آن است که در دنیای Arka موجودات زنده وجود دارد! وی پاسخ می‌گوید بله و در لحظه‌ای که من دیدم شماها می‌آیید از مخفیگاه خود خارج شدم تا بدانم نام این دنیا که من در آن وارد شده‌ام چیست. وی اضافه میکند که در دنیای او فصول مانند اینجا نیست. شخم زدن و برداشت محصول هر چند سال یکبار صورت میگیرد و نظم و ترتیب ستارگان آنطوریکه در Arko دیده میشود با این جا فرق دارد. (پس معلوم میشود که آن فضانوردان عهد عتیق زبان عبری یا زبانی را که ربای یوسی به آن صحبت میکرده را میدانسته‌اند. - یوم طوبیان).

کتاب دیگری که در این باره منبع اطلاعات می‌باشد کتاب **Enock** است که سالهای طولانی در دسترس همگان نبود. در تورا آمده است که Enoch پسر «یارد» رییس یکی از خاندان قبل از طوفان **نوح** بوده است، پسرش **«متوسالم»** ۹۶۹ سال زندگی کرد و Enock بعد از خدماتش با یک **عرابه آتشین** به آسمان صعود نمود. وی اثراتی از خود به جای گذاشته که ما را از رموز ستاره شناسی آگاه میکند. نسخه اصلی این کتاب می‌بایست به زبان عبری و یا آرامی باشد. این کتاب برای اولین بار در سال ۱۸۸۵ در فرانکفورت آلمان به زبان آلمانی ترجمه شد. در طول این مدّت قسمت‌هایی از آن که در زمانهای قدیم به زبان یونانی نوشته شده بود کشف و با مقایسه آن با ترجمه‌هایی از این کتاب به زبانهای اتیوپی و غیره ثابت گردید که کتابی که در دسترس می‌باشد حقیقی و مربوط به Enock است.

در این کتاب به طور تحیر آمیزی جزییات سفر او به آسمانها و جزییات دقیق از خط سیر خورشید و ماه و اطلاعاتی در مورد ستارگان

ما برای نگاهداری سنت‌ها، میراثها و غرور یهودی می‌کوشیم. شما چطور؟

(۳۱۰) ۴۷۹-۴۷۹۸



ولی اجباری به شخم زدن ندارند. جثهٔ آنها کوچک و در سر بجای بینی دو سوراخ دارند که از طریق آنها تنفس میکنند. بسیار فراموشکارند. وقتی کاری را انجام میدهند نمی‌دانند چرا آن را شروع کرده‌اند. در دنیای آنها یک خورشید سرخ دیده میشود.

۳ - دنیای Tziah، اعتقاد آنها نسبت به سایر موجودات بیشتر است. در دنیای آنها ثروت زیاد و ساختمانهای زیبا وجود دارد. زمین آنها خشک است و دو خورشید در دنیای آنها دیده میشود.

۴ - دنیای Thebel، ساکنانش همه چیز در آب را می‌خورند و از سایر موجودات برترند. دنیای آنان از خورشید دور است.

۵ - دنیای Erez، ساکنانش از نسل آدم می‌باشند.

۶ - دنیای Adamah، آنها نیز از نسل آدم می‌باشند، کشاورزی دارند، گیاهان، حیوانات و نان می‌خورند. اغلب غمگین بوده و با هم میجنگند و در گذشته توسط ساکنین دنیای Thebel مورد بازدید قرار گرفته‌اند.

۷ - دنیای Arka، ساکنین آنجا شخم میزنند و محصول برداشت میکنند. صورت آنها با صورت ما فرق دارد. آنها از تمام دنیاها بازدید می‌کنند و قادرند به هر زبانی صحبت کنند.

قسمت اصلی قبالا (کبالا) که به زبان «آرامی» نوشته شده، تعبیر ۵



1922 - 1995

YITZHAK RABIN ז״ל

سالی گذشت - سردار بلند مرتبه اسرائیل، جنگنده‌ای که در راه صلح جان باخت را سالی است که نداریم.
راه صلح - آروزی صلح، کوشش برای ایجاد صلح در متن دعا و روح هر یهودی بوده و خواهد ماند.
فرزند خلف ایسرائل،
نام با شکوهت جاودانه باد

و اعمال آسمانها ذکر شده است. او پسر خود «متوسالم» را از طوفان نوح با خبر ساخته و در فصل ۱۴ آمده است که:

«مرا به بالا و به آسمانها بردند، داخل شدم، قدم زدم تا این که به دیواری رسیدم که از سنگهای کریستال ساخته شده بود و آتش دورش را احاطه کرده بود. این در من وحشتی به وجود آورد من بداخل زبانه‌های آتش رفتم و به داخل خانهٔ بزرگی رسیدم که از سنگهای کریستال ساخته شده بود. تفسیر علمی و مدرن شرح فوق این است که یک سفینه فضاپیما او را به آسمان برد و او را به قسمت سفینه فرماندهی (سفینه مادر) وارد کرد. قسمتهای براق و فلزی سفینه فضائی برای او مانند سنگهای کریستال جلوه کرده است. از سقف سفیه فضا پیما که از شیشه مخصوصی ساخته شده بود وی می‌توانست ستارگان و سنگهای فضائی و آتش‌های سفینه‌های کوچک را ببیند. وی به دستور سفینه فضاپیما اطلاعاتی راکه به او داده بودند به ثبت رسانید، تا در دوره‌های بعد، نسل‌های آینده آن را درک کنند. او قبل از ناپدید شدنش در فضا، به پسر خود «متوسالم» گفت «همه چیز را برایت آشکار کرده‌ام و آن کتابها را بدست تو داده‌ام. این کتب را نگهداری کن و به نسلهای بعدی بسپار». □



ماجرای جنجالی ترور هیتلر توسط گانگسترهای یهودی

برگردان: مهرداد دلرحیم

این مقاله نوشته Robert Rockaway استاد دانشگاه تل آویو و نویسنده کتاب «اما او با مادرش خوب بود: زندگی و جنایات گانگسترهای یهودی» می‌باشد. ناشر (Gefen Books).

در اوایل ماه آوریل ۱۹۳۳ میلادی هومر کامینگز Homer Cummings، دادستان کل ایالات متحدهٔ آمریکا اطلاعیه‌ای از کوردل هال Cordel Hull، وزیر امور خارجه دریافت نمود. او که همواره شخصی متین و خوددار بود از خواندن آن اطلاعیه بسیار منقلب شد. بنا بر نامه مزبور وزارت کشور مطلع گشته بود که یهودیان آمریکا نقشهٔ ترور آدلف هیتلر را کشیده‌اند. به موجب این توطئه عده‌ای از ربانیم نیویورک و گروهی از گانگسترهای یهودی مأموریت اجرای این طرح را به عهده داشتند. وزیر امور خارجه از دادستان کل کشور درخواست پژوهش در این مورد را می‌نماید. بی درنگ هومر کامینگز هم با جی - ادگار هوور J. Edgar Hoover رییس اف بی ای تماس می‌گیرد. به مدت پنجاه سال این ماجرای تکان دهنده در پروندهٔ شمارهٔ ۶۵-۵۳۶۱۵ مخفی مانده این پرونده هم اکنون به موجب قانون آزادی اطلاعات از آرشیو واشنگتن دی سی اف بی آی آزاد و افشا گردیده است.

ماه آوریل در واشنگتن دی سی ماهی پر طراوت و دل نشین است. اما آوریل ۱۹۳۳ بطور غیر مترقبه‌ای برای وزارت کشور و دادگستری جنجالی و داغ جلوه شده بود. هیتلر در ژانویه ۱۹۳۳ به قدرت رسیده رییس جمهور آلمان، فرماندهٔ ستاد ارتش، پال وان هیندربرگ Paul Von Hinderberg، سمت صدراعظم را به او داد.

مصائب از یورش خیابانی نازی‌ها به محلات یهودی نشین شروع شد. چندی نگذشت که موضع هیتلر نسبت به یهودیان روشن گشت. در ماه مارس سپاهیان اس اس انبارهای متعلق به بازرگانان یهودی را در سراسر آلمان منهدم ساختند. در اول آوریل همان سال هیتلر یک تحریم همگانی علیه کلیه تجار و صاحبان مغازه‌های یهودی اعلام نمود و چنین فرمان داد: «هیچ آلمانی از این پس نمی‌تواند از یهودیان جنس بخرد یا با آنها معامله نماید». همان روز تمام پیروانش با یک سلسله تظاهرات برای اعلام همبستگی و حمایت از او بعمل آوردند. به این ترتیب کلیه مشاغل دولتی و حقوقی و دانشگاهی و روزنامه‌نگاری از یهودیان غصب گردید. در یازدهم آوریل لایحه بعدی دولت نازی بتصویب رسید بدین معنی که: شخصی غیر آریایی شخصی است که

نیاکانش غیر آریایی بوده باشند علی‌الخصوص پدر بزرگان و مادر بزرگان یهودی الاصل ولو آنکه حتی ۵ نسل پیش از او یهودی، بوده باشد. این موضوع طبعاً خشم یهودیان آمریکایی را برانگیخت. صدها تن از کارمندان یهودی در مقابل کنسولگری های آلمان و فروشگاه‌های اجناس آلمانی دست به تظاهرات زدند. هزاران نفر در شهرهای مختلف آمریکا از جا برخاستند و برخی از سازمانهای یهودی اجناس آلمانی را متقابلاً تحریم نمودند. به این ترتیب نگرانی نسبت به ترور علیه نازی‌ها بوجود آمد. در سال ۱۸۹۵ که ضد یهودی آلمانی، هرمَن آلوارت Herman Ahlwardt، برای تبلیغ علیه یهودیان به نیویورک آمده بود، در شهر مانهاتان جرقه شورش را روشن نمود. او رسماً تقاضای حفاظت از سوی پلیس کرده بود. **تئودور روزولت** که بعدها رییس جمهور شد، در آن زمان سمت ریاست اداره پلیس را دارا بود و این تقاضای **آلوارت** را قبول کرد اما افسران پلیس یهودی را به محافظت وی گمارد. به این ترتیب عده‌ای گانگستر در آن جریانات آلوارت و همراه وی را بطور خونینی مجروح ساخته و باعث خروج وی از آمریکا شدند.

هوور، رییس اف بی آی موظف بود که از دیپلمات‌های خارجی محافظت نماید ولو آنکه ضد بشر باشند. از این رو موضوع را تحت بررسی قانونی قرار داد. او از گانگسترهای یهودی نیویورک مطلع بود و می‌دانست که اشخاصی چون مایر لانسکی Meyer Lansky، باگزی سیگل Bugsy Siegel و یا لپکی بوچالتر Lepke Buchalter بسیار زرنگ و خطرناکند و اگر بخواهند هیتلر را به قتل برسانند اف بی آی بسختی حریف آنها خواهد شد. وی همچنان مورد سرزنش بود که چرا نمی‌تواند این اشخاص را به زندان بیفکند.

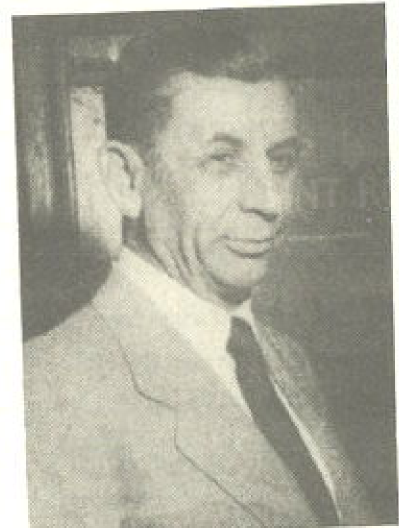
جی - ادگار - هوور علاقه چندانی نسبت به قوم یهود نداشت.



جی - ادگار - هوور: رییس اف بی آی

شواهد بسیاری در طول پنجاه سال زمامداری او در پست ریاست اف بی آی این موضوع را نشان می‌دهد. به عنوان مثال در زمان اقتدار هیتلر، شعبه اروپایی اینترپل (پلیس بین‌المللی) که سازمان پلیس جنایی اروپا بود تحت کنترل نازی‌ها در آمد. اندکی پس از آن **اف بی آی** شروع کرد به برچسب زدن کلمه یهودی به جنایتکارانی که از آمریکا گریخته بودند. تا آن زمان هیچگونه طبقه بندی مذهبی نسبت جنایتکاران فراری در نظر گرفته نشده بود.

توصیف اف بی آی از **مُو سدوای** Moe Sedway، دستیار باگزی سیگل، نمایانگر گرایش مغرضانه این اداره است. در یکی از یادداشت‌های اف بی آی چنین آمده است: آقای سدوای یک بچه جهود کوتوله با بدترین خصلت از یک قوم است - متمایل به خوش



مایر لانسکی - جنایتکار حرفه‌ای



ماکس هاف ملقب به «بوبو»



بنجامین «باگزی» سیگل: تبهکار قهار که خیال داشت ژوزف گوبلز و هرمن گورنیگ را در شهر رم به قتل برساند.

لباسی اما تو خالی تا حدی که بطور پوچی تصور می‌کرد قیافه‌اش دختر کش است. او تحت فشار پنجه‌هایش را مانند چنگال حیوان می‌فشارد - دیدگاهش وحشی و نمایشگر سگ کوچکی است که تحت عمل استحمام قرار گرفته و این کار اصلاً دوست ندارد.

آقای **هوور** یکی از بهترین افراد خود را برای بررسی این مسئله منصوب نمود. او آقای دووایت برانت‌لی Dwight Brantley بود. وی تمام دفاتر اف بی آی آن در سراسر آمریکا را آگاه و آماده نمود. اولین سر نخ از سفیر آلمان در ایالات متحده شروع شد و مأمورین اف بی آی آن را متوجه شهر شیکاگو نمود. سفیر آلمان **اف دابلیو وان پریت‌ویرتز** F.W.Von Prittwirtz مطلع شده بود که یک شبکه زیرزمینی بنام مستعار **دانیال استرن** Daniel Stern قصد قتل هیتلر را دارد. او این خبر را به سرهنگ **هال** داد و هوور فوراً مأمورین خود را در شیکاگو به پی‌گیری و شناسایی دانیال استرن گماشت و پس از تحقیقات طاقت فرسایی مأمورین گزارش دادند که استرن به شهر فیلادلفیا عزیمت کرده تا در آنجا با شبکه زیرزمینی یهودیان تماس بگیرد. در آن زمان سلسلهٔ جنایت کاران فیلادلفیا به سرکردگی شخصی بنام **ماکس هاف** Max Hoff ملقب به «بوبو» بود که اف بی آی او را سلطان قاچاق و بازار سیاه می‌شناخت. وی قسمت بزرگی از باج‌های غیر قانونی مربوط به مشروبات الکلی و قمار و سایر عملیات زیرزمینی را تحت کنترل داشت. او یکی از بزرگترین خریداران اسلحه و جلیقه‌های



هیتلر با دو تن از کودکان نازی دیده می‌شود

ضد گلوله بود و در عین حال روابط خود را با تبهکاران یهودی نیویورک ادامه می‌داد. او با **آل کاپون** نیز رابطه احسنه داشت. حتی تنی چند از افراد عالیرتبهٔ ادارهٔ پلیس نیز از وی حقوق دریافت می‌داشتند. آقای هاف در مصاحبه با اف بی آی نسبت به دانیال استرن اظهار بی اطلاعی نمود ولیکن برخی از اطرافیانش موضوع دانیال استرن را ایدهٔ خوبی تلقی کردند. مأمورین تلاش بی‌کران خود را همچنان ادامه دادند و این تلاش بالاخره مثمر ثمر واقع شد. روشن شد که شخصی بنام استرن در یک آپارتمان در شهر مستأجر است. مأمورین وارد ساختمان شدند. اما دیر شده بود. استرن قبل از آنان با خبر شده و دیگر آنجا نبود. دربان ساختمان استرن را شخصی خوش برخورد توصیف می‌نمود ولی از جای جدید او اطلاعی نداشت. در این میان خبر محرمانه‌ای در ۲۱ آوریل به **هوور** رسید که در یک هتل در فینکس واقع در ایالت آریزونا، اشخاص میانسالی با یک ربای که به زبان ییدیش راجع به قتل هیتلر صحبت می‌کرده‌اند دیده شده‌اند. بنا بر گزارش، آن‌ها راجع به وضع یهودیان در آلمان صحبت می‌کردند و در انتها گفته‌اند که یک جوان یهودی آمریکایی نیز برای ترور هیتلر در نظر گرفته شده که بزودی توسط عده‌ای از یهودیان نیویورک عازم آلمان خواهد شد. ترور قرار است بین ماه‌های مه تا سپتامبر انجام شود. هیتلر یا توسط مسمومیت بوسیلهٔ زهر و یا بر ضرب گلوله از پای در



تظاهرات ضد نازیسم - نیویورک

خواهد آمد.

هوور از آنجاکه واقعیت این موضوع تا چه حد مهم خواهد بود، فوراً مراتب را به وزارت دادگستری اطلاع داد و از دفتر اف بی آی در لوس‌آنجلس خواست که با سرعت هر چه تمام‌تر و حداکثر نیروی ممکنه موضوع را مورد پژوهش قرار دهند. مأمورین فوراً به شهر فی نیکس پرواز کرده و از فرودگاه مستقیماً به هتل مذکور رفتند و از مدیر تا مستخدم‌ها را مورد بازپرسی قرار داده‌اند امّا هیچکس چیزی بخاطر نمی‌آورد. آنها دفترهای هتل را یکی یکی ورق زدند و تمام نام‌هایی که شباهت به نامهای یهودی داشت را یادداشت نمودند. در ۲۱ آوریل دو مرتبه هوور یک تلگرام دیگر دریافت کرد که یک جوان یهودی آمریکایی دست اندر کار پیاده نمودن نقشه قتل هیتلر است. مأموری که این اطلاعات را جمع آوری می‌کرد هنوز نامش در متون این پرونده محرمانه و مستور است. مأمورین از هرگونه وسیله‌ای دریغ نداشتند. تمام دفاتر تلفن شهر را زیرورو کردند - مدارک اداره پست مورد پژوهش قرار گرفت. جاسوسی و استراق سمع هم بی نتیجه ماند و همه چیز به بن بست برمی‌خورد. اف بی آی تصمیم گرفت بر مایر لانسکی تمرکز کند. او با وجود قد ۵ فوت و ۳ اینچ خود شخصی بود قدرتمند که تبهکاری را از سنین نوجوانی شروع نموده بود و از هیچ چیز واهمه‌ای نداشت. کاملاً بی باک و قسی القلب بود. اف بی آی به او عنوان شاه میخ جنایات از پیش پرداخته می‌نگریست. وی تنفر خود را نسبت به نازیها مخفی نگه نمی‌داشت و می‌گفت من یهودی هستم و احساس برادران یهودیم در اروپا درک می‌کنم. هوور بطرز عاجزانه‌ای از تمامی منابع مورد دسترس خود برای دستگیری مایر لانسکی استفاده کرد - همه چیز - قانونی و غیر قانونی - منجمله استراق سمع در سیستم مخابرات ۲۴ ساعته. اما آقای لانسکی دم به تله نمی‌داد. هیچ مدرکی دال بر وابستگی او به ترور مورد بحث موجود نبود. هوور مدت ۴۰ سال به تلاش خود در اتهام و دستگیری دانسکی ادامه داد اما هرگز موفق نشد. این تلاش تا سال ۱۹۷۶ ادامه یافت و آن زمانی بود که هوور درگذشت و لانسکی نیز در سال ۱۹۸۳ وفات نمود.

باگزی سیگل، گانگستر مشکوک دیگر، یک قاتل قهار بود. وی در فیلم‌ها به یک شخص خوش‌تیپ، خوش لباس، کله داغ، جاه طلب، بی وجدان تکامل یافته است. کلمه باگزی که در اصطلاح آمریکایی به معنی دیوانه‌گری استعمال می‌شود نیز به همین مناسبت به وی لقب داده شده چون به هنگام عصبانیت این خصلت او بسیار بارز بود. اما خودش از این نام منزجر بود و هیچکس جرأت استفاده از این نام را در حضور او نداشت. او هم مانند لانسکی از ضد یهودیان نفرت داشت و میل شدیدی به از بین بردن آنان را داشت. در سال ۱۹۳۸ در شهر رُم بسیار



Fariborz "Michael" Zarrabian
Attorney at Law
Licensed by U.S. Patent & Trademark Office

PATENTS, TRADEMARKS & COPYRIGHTS

Unfair Competition
Customs
(818) 356-1254

International Trade
Corporations
e-mail: MichaelZ@usip.com

فریبرز «مایکل» ضرابیان
وکیل رسمی دادگستری

- ثبت و حق استفاده از اسامی و علامتهای تجارتی
- محفوظ کردن حق چاپ و تقلید
- جلوگیری از رقابت غیر منصفانه
- امور گمرکی و تجارتی بین المللی
- ثبت و حق استفاده از اختراعات

(۲۱۳)۶۸۱-۹۰۰۰
(۸۱۸)۳۵۶-۱۲۵۴



هیتلر در اوج قدرت، زمانی که نازیها به او ادای احترام می‌کنند

نزدیک بود هرمن گورینگ، وزیر تبلیغات، و فرمانده نیروی نیروی هوایی هیتلر را بقتل برساند. عدم موفقیت وی بخاطر خشم فوق‌العاده وی نسبت به نازی‌ها بود. او کنترل خود را از دست داده موضوع را با **کُنتس دورتی دی‌فراسو** Countess Dorothy Di Frasso در میان گذاشت. خانم **دی فراسو**، معشوقهٔ **باگزی**، ویلایی در رم داشت که دو هدف **باگزی** در آن سکونت داشتند.

دی فراسو با مشقت فراوان باگزی را از قتل منصرف ساخت. او بعدها از نکشتن دو نازی همواره خود را ندامت میکرد. پژوهش اف بی آی در مورد باگزی نیز بی فایده ماند.

در ۱۹ آگست سال ۱۹۳۳ آقای جی‌ام‌کیت، مأمور اف بی آی، گزارش رسمی خود را به دفتر وزارت دادگستری در فیلادلفیا و نیویورک و لوس‌آنجلس تسلیم نمود و اظهار داشت که در پی‌گیری موضوع نقشهٔ قتل صدراعظم هیتلر هیچ نتیجه‌ای گرفته نشده - دانیال استرن همچنان متواری است و در آینده توجه لازم نسبت به این پرونده مبذول خواهد گردید. اما هیچ کار دیگری انجام نگرفت و بالاخره در دوم سپتامبر ۱۹۳۳ **دو وایت برانتلی** در اختتام گزارش اف بی آی به وزارت دادگستری ایالات متحده اظهار داشت که هیچگونه آگاهی قطعی نسبت به خطر تهدید و قتل هیتلر بدست نیامده و به این جهت پرونده مسدود و بایگانی می‌گردد.

آیا تمام شایعه بود؟ آیا دانیال استرن وجود خارجی داشت؟ آیا واقعاً توطئه‌ای در کار بود؟ چرا اطلاعات رسیده از فی نیکس و نیویورک تا این حد مُشابه بود؟ از آنجایی که هیچکس اعترافی ننموده موضوع همچنان اسرار آمیز باقی خواهد ماند. علی‌الخصوص که برخی از یادداشت‌های اف بی آی نیز مفقودالاثر می‌باشد. اما یک پس نگار در این ماجرا وجود دارد. در سال ۱۹۸۸ Dutch **داچ** یکی از تبهکاران وابسته به دسته **باگزی و لانسکی** در مصاحبه‌ای اشاره‌ی در مورد قرار و مذاکرات از میان برداشتن هیتلر می‌گوید: باعث تأسف است که بعلت ولگردی مأمورین فدرال و خطرناک شدن موضوع، این نقشه هرگز پی‌گیری نشد.□

تسلیت

سرکار خانم ادنا فاخری و سرکار خانم اعظم جهانفرد (اسرائیل)

خبر درگذشت پدر بزرگوارتان ما را بی‌نهایت متأثر نمود. در این غم بزرگ با شما شریکیم.

نیویورک

مشه کوشانفر - پیک میصوا

خانواده محترم نعمان

درگذشت پدر عزیزتان، اسحق نعمان را که با بجای گذاردن نام نیکی برای خود و خانواده‌اش از جهان رخت بربست، تسلیت می‌گوییم.

سازمان سیامک

خانواده محترم نعمان و یسمه

درگذشت آقای نوران نعمان را تسلیت می‌گوییم، جای خالی او و حضور صمیمانه‌اش خالی است.

سازمان سیامک

ربای روبن ملکان

انجام هرگونه مراسم مذهبی

عقد و ازدواج ؛ سخنرانی ؛ برمیتصوا و بت‌میتصوا ؛
راهنمایی و مشاوره قبل از ازدواج ؛ جلوگیری از طلاق
و حل اختلافات زناشوئی

Tel: (310) 275-8852

کیترینگ گلت کاشر **جک بروخیم**

رویال کیترینگ

Royal Catering (Glatt Kosher)
By Jack Brookhim

زیر نظر مستقیم آر. سی. سی. (R.C.C.)



برگزار کننده جشنهای شما
در هتلهای لوس آنجلس و مکان‌های مورد نظر شما
با مجلل ترین و بالاترین کیفیت و سرویس.
برای پیداکردن سالن به شما یاری می‌دهیم.

(۳۱۰)۴۵۸-۹۹۹۳

(310) 458 - 9993

کیترینگ انحصاری مجتمع فرهنگی ارتص (ولی)

خلاصه و برگردان: روبرت صالح ربیع

«متن زیر اقتباسی از کتاب خاطرات الی ویزل، نویسندهٔ شهیر یهودی است به نام «همهٔ رودخانه‌ها به دریا ختم می‌شوند.»


Professor Elie Wiesel

تصمیم

الی ویزل نویسندهٔ بیش از سی کتاب بوده و در سال ۱۹۸۶ برندهٔ جایزهٔ نوبل شده است. او جوایز و هدایای افتخار متعددی منجمله مدال آزادی از سوی ریاست جمهوری و مدال طلای کنگرهٔ آمریکا را دریافت کرده است. او در شهر کوچکی که گاه جزو خاک رومانی و گاه جزو خاک مجارستان بوده، به نام سی گت به دنیا آمد و در ۱۵ سالگی در دوران جنگ جهانی دوم به همراه خانواده‌اش به اردوگاه‌های مرگ نازیها فرستاده شد.

اول پدر، مادر و خواهر کوچکترش را در آنجا از دست و داد و خود و دو خواهر دیگرش نجات یافتند.

او در حال حاضر تابعیت ایالات متحده را دارد و استاد علوم انسانی دانشگاه بوستون می‌باشد.

متن زیر یادآور لحظه‌ای اسفناک از زندگی خانوادهٔ او در روبرو شدن با تصمیمی مهّم و بر سر دوراهی قرار گرفتن آن‌ها در آن موقعیت است.

***

مردم از من می‌پرسند که چه عجله‌ای در نوشتن خاطراتم دارم. چرا کمی صبر نمی‌کنم تا سنم بالاتر برود؟

امّا من رابطه‌ای بین سن خودم و خاطراتم نمی‌بینم. من فردی هستم ٦٦ ساله که متعلق به نسلی هستم که عطش فراوان به انتقال و نگهداری همه گونه اطلاعات دارد. برای من یکی از فرامین خداوند به نام زاخور (به معنی = به یاد داشته باش) معنای بسیار خاصی دارد و به همین دلیل می‌خواهم خاطراتم را همه به یاد داشته باشند.

در سال ۱۹۳۸ ده ساله بودم که اولین دسته‌های فراری‌ها از کشور چکسلواکی وارد شهر کوچک‌مان شدند. فاجعه کم‌کم جلوه گر می‌شد ولی زندگی روال عادی خود را ادامه می‌داد.

من توجه چندانی به محیط خارج نداشتم. در حال رشد بودم و یاد گرفتن و آموختن. عربده‌های هیتلر نفوذی به وجود من نداشت. امّا آرزو می‌کردم که رایش سوم واژگون شود و ابر قدرت‌های اروپا مانع پیشرفت او بشوند. آرزو می‌کردم جنگی در پیش نمی‌بود. اما بود. جنگ یک روز جمعه در ماه عبری الول، در حالی که ما برای موعد آماده می‌شدیم، شروع شد.

در صبحگاهان، نوای شوفار گناهکاران را به طلب مغفرت فرا می‌خواند. در گوشه‌ای از کنیسا، پدرم و دوستانش صیصیت بر دوش و تفیلین بر دست در مورد اخبار جدید صحبت می‌کردند. با هیجانی خاص صدایشان بلند و بلندتر می‌شد و پیران کنیسا صدای «هیس هیس» کردنشان بلند می‌شد تا آن‌ها را ساکت کنند.

تا به امروز صدای «هیس» آنها در گوشم می‌پیچد و چقدر برایم پر معنی است. چرا عده‌ای باید حرف بزنند و پچ‌پچ کنند در حالی که بقیهٔ یهودیان در حال صحبت کردن با پادشاه جهان هستند. چرا ملت‌ها و ارتش‌ها همدیگر را برای قطعه‌ای زمین قتل عام کنند در حالی که خداوند مشغول گوش دادن به مؤمنان است؟

ما در حال جنگ بودیم اما من احساس تهدید نمی‌کردم. تا حدودی از وقایع بیرونمرزی با اطلاع بودیم. روزنامه‌های ایدیش و مجار اخبار مبهمی می‌دادند امّا ما می‌دانستیم که وضع وخیم و بد است. هیتلر از ابراز نظریات جنایتکارانه‌اش نسبت به مردم ما ابا نداشت و ما می‌دانستیم که نفرت با پشتیبانی از قدرت نتیجه‌ای جز فاجعه نخواهد داشت. قدرت زیاد او و نفرت عمیقش هر دو چنان بود که انتظار بدترین وقایع را می‌بایست داشت.

امّا انتظار وحشت از واقعیت را نداشتیم. با آنکه در مورد آلمان هیتلری بسیار می‌دانستیم، به انسانیت و فرهنگ آلمانی اطمینان بی تردیدی داشتیم. به خود می‌نهیبدیم که هر چه باشد، ملّت آلمان متمدن و با فرهنگ هستند و به شایعاتی که در مورد رفتار فجیع ارتش نازی می‌شنیدیم نباید گوش کرد.

آیا چرا شهر زادگاهم هنوز مرا به خود افسون کرده است؟ شاید به خاطر آن باشد که در خاطراتم، آنجا با دوران کودکی‌ام در هم آمیخته. در تمامی نوشته‌هایم، همانند دیدگاه و نقطهٔ عطفی است. در رؤیاهایم، من هنوز خودم را در آنجا می‌بینم.

من اغلب به آنان فکر می‌کنم که زنده نماندند، جوان‌ها، کوچک‌ها. آمدن‌شان به خانه‌مان و رفتن به خانه‌شان را به خاطر دارم. در ایام تعطیلات

می‌تواند کسی را به قتل وادار کند امّا دوستی هرگز.

در تمجید خداوند، ربای پینحاس اهل کورتس می‌گوید: **خداوند نه فقط پدر ملت ما و داور تمامی انسان‌هاست بلکه دوست آنان نیز هست.**

در اردوگاه‌های نازی، من همواره در فکر دوستان کودکی‌ام و دیگر کسانی که نقشی در شکل‌گیری شخصیتم داشتند، بودم. غم‌انگیز بود که ما با هم نماندیم. آنها با اولین قطار منتقل شدند و من هفتهٔ بعد از آنها با آخرین قطار.

در کمپ بازداشتگاه دوستی نبود که مرا یادآور کودکی‌ام باشد. برایم دوران کودکی‌ای باقی نمانده بود. تنها پدرم مانده بود، تنها دوستم، بهترین دوستم.

در هفتمین روز پسح، که سمبل معجزهٔ عبور اجدادمان از دریای سرخ است، چندین فرمان نفرت انگیز و شرارت بار اعلام گردید. جارچی، این فرامین را در شهر جار می‌زد. به دستور ارتش تمامی مغازه‌ها و ادارات متعلق به یهودیان تعطیل گردید. هیچ یهودی حق خروج از خانه را نداشت مگر در ساعات شب و آن هم برای خرید آذوقه.

با صدور این فرمان غوغایی از فروش اجناس آغاز شد. مغازهٔ ما از اجناس خالی می‌شد و پدرم اجناس را با قیمت کم و حتی مجانی به خریداران می‌داد. اعلامیه‌ها ناگهان دیوارهای شهر را پوشاند. اعلامیه توسط فرماندار نظامی امضا شده بود و دستورش بسیار واضح: **هرکس از فرامین اعلام شده تخطی کند اعدام خواهد شد.** اعدام؟ باور کردنی نبود - باورم نمی‌شد. زانوهایم سست شدند.

گروهان ویژهٔ ارتش و ژاندارمری خشن مجارستان حمله به خانهٔ یهودیان را آغاز کردند. تهدیدات و بازجویی‌ها و بازرسی خانه آغاز شد. آنچه ارزش داشت از جواهرات، نقره آلات، اجناس پر قیمت و ارز خارجی می‌بایست تسلیم آنها می‌شد. پدرم سعی می‌کرد موضوع را از جدیت بیاندازد و می‌گفت: «**اینها بجز فقر در اغلب خانه یهودیان چیزی نخواهند یافت. امیدوارم که آن را هم توقیف کنند و با خود ببرند.**»

خانواده‌های فقیر تنها چیز با ارزش خود را که شمعدان و پیاله نقره برای

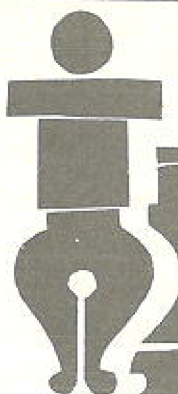


شب شبات بود در انبار و پستوی خانه مخفی می‌کردند.

امّا ژاندارم‌ها به آرزوی خود می‌رسیدند. یهودیان فقیر را فقیرتر می‌کردند. از شقاوت و بیرحمی ژاندارمهای مجار هر چه بگوییم کم است. آنها با چنان دقت و بیشرمی و بیرحمی خاصی دستورات طرح آیشمن را برای نابودی یهودیان اجرا کردند که ننگ آن تا ابد بر دامان ارتش و ملت مجارستان خواهد بود.

اعلام تأسیس یک محله (گتو) مخصوص یهودیان مایهٔ تسلی خاطر بود. لااقل می‌دانستیم که در میان یهودی زندگی خواهیم کرد و به همراه خانواده‌مان.

برخی از یهودیان شهر سی گت *(Sighet)* می‌توانستند از محله فرار کنند. فصل بهاران بود و هوا معتدل. تنها می‌بایست به کوههای اطراف فرار کنند و در آنجا بمانند تا اوضاع بهتر شود. ماریا، کلفت خانه ما، پیرزنی مسیحی بود که از زمان تولدم برای خانوادهٔ ما کار می‌کرد. او به ما التماس کرد که با او به خانه‌اش برویم و پیشنهاد کرد کلبه‌اش را در یک دهکدهٔ متروک در اختیار ما قرار بدهد. در این کلبه شش نفر ما به اضافه مادر بزرگم می‌توانستیم سکنی گزینیم. هفت نفر در یک اطاق؟ بله. به حضرت مسیح سوگند یاد کرد که خودش از ما نگهداری می‌کند و همه چیز را به عهده می‌گیرد.



ما پیشنهادش را قبول نکردیم. مؤدبانه امّا راسخانه چرا که هنوز نمی‌دانستیم اوضاع چگونه تغییر خواهد کرد. آپریل ۱۹۴۴ بود و کمتر از چند هفته قبل از حملات متفقین به نرماندی. امّا هنوز یهودیان سی گت اطلاعی از چند و چون (طرح نهایی) هیتلر برای نابودی یهودیان نداشتند.

دنیای خارج و رهبران یهودیان آزاد در فلسطین و آمریکا از ۱۹۴۲ از این امر با خبر بودند اما ما هیچ نمی‌دانستیم. چرا آنها به ما اخطاری ندادند؟ گر چه این امر به هیچ نحو از گناه شرم‌آور قاتلان نمی‌کاهد، مایهٔ رنجیده خاطری ما از بی تفاوتی برادران و خواهرمان در آمریکا و فلسطین می‌گردد.

چه بسا، بسیاری از ملت ما فرار را بر قرار ترجیح می‌دادند اگر که روزولت، چرچیل، بن گوریون وایزمن و دیگر رهبران جامعهٔ یهود از طریق رادیو به ما اخطار می‌کردند: یهودیان مجار، نگذارید شما را در گتو حبس کنند. سوار اتاق قطارهای مرگ نشوید. فرار کنید به سوی جنگل و در غارها مخفی شوید.

اگر ما می‌دانستیم که مقصد قطارها آشویتس است و آشویتس چه معنی داشت اغلب یهودیان مخفی می‌شدند و بسیاری زنده می‌ماندند.

تحولات سریع و سریعتر پیش می‌آمد و دشمن کنترل زمان وقایع را در دست داشت. به زودی دو افسر ارشد گتو آمدند. بعدها دریافتم که یکی از این دو افسر آدولف آیشمن بود. شورای سالخوردگان به یک ملاقات اضطراری احضار شدند. بیقرار منتظر برگشتن پدرم بودیم تا خبر جدی را به ما بدهد. شایعه در مورد انتقال دسته جمعی بود.

***

اولین دسته صبح فردا منتقل می‌شدند و ما جزو آن نبودیم. تمامی شب را به دوستان و همسایه‌هایی که منتقل می‌شدند کمک کردیم و آماده‌شان نمودیم. می‌دانستیم به زودی نوبت ما خواهد بود و از این که می‌ماندیم ولی آنها می‌رفتند احساس خجالت و شرمندگی می‌کردیم. دسته جمعی در حالی که بی حس بودیم و احساس رنج و اضطراب می‌کردیم به خانه برگشتیم و در آشپزخانه دور هم جمع شدیم. انگار عزادار بودیم.

تمامی آن شب را در حیاط گذراندیم و به صدای توپخانه ارتش شوروی گوش می‌کردیم که بلندیهای کوه اطراف را روشن می‌کردند. فقط ده یا دوازده مایل از ما فاصله داشتند. اگر کمی شانس می‌آوردیم قبل از انتقال ما با قطارها، ارتش سرخ می‌رسید. تنها یک حمله بس بود. بیشتر شبیه یک معجزه به نظر می‌آمد، معجزه‌ای زیبا. امّا موقع، موقع معجزه نبود. خداوند مدتی بود که معجزه نمی‌فرستاد. آن را برای چه کسی نگهداشته بود و چه زمانی اما با این حال از انسان‌ها معجزه می‌رسید. آن شنبه شب کسی آمد و بر پنجره ما که مشرف به بیرون گتو بود کوبید. پنجره بسته بود و با چوب میخ شده بود. آیا چه کسی می‌توانست باشد؟ آیا پلیس بود که می‌خواست ما نور چراغ اتاق را کم کنیم؟ آیا دوستی بود که می‌خواست ما را از یک فاجعه قریب‌الوقوع با اطلاع کند؟ وقتی پنجره را باز کردیم، آن ناشناس رفته بود.

آن ناشناس قطعاً ماریا بود. همان کلفت با وفا، با شهامت و شجاع. فردی که ایمان و تقوای خلل ناپذیرش او را از هر گونه خرده گیری از سرنوشت زندگی‌اش باز می‌داشت.

او جزئی از خانوادهٔ ما محسوب می‌شد. در تعطیلها و اعیاد مذهبی همیشه با ما بود. موقعی که حکومت کار کردن غیر یهودیان را برای یهودیان ممنوع کرد ما را بالاجبار ترک کرد اما در حالی که گریه می‌کرد سوگند یاد کرد که وقتی این بحران پایان یافت فوراً نزد ما بر خواهد گشت.

در دورانی که در گتو بودیم، او از میان سیم‌های خاردار و سد معبرها می‌گذشت تا برایمان پنیر، تخم مرغ، میوه و سبزیجات بیاورد.

یک شب یکشنبه، او باز به ما سر زد. توانسته بود از مابین ژاندارمهای مسلح به داخل گتو نفوذ کند. به ما گفت: «**نه، جادو نکردم. برای ورود و خروج به گتو راههایی هست. من جایی امن را سراغ دارم. آمدم که به شما بگویم، التماس کنم... که کلبهٔ من در کوهها آماده است...بیایید آنجا از چیزی نخواهید ترسید...آنجا در امان خواهید بود...آلمانها آنجا نیستند و هیچ حرامزاده‌ای در آن حوالی با آنها همدست نیست، بیایید با هم برویم.**»

ماریای عزیز! اگر دیگر مسیحیان همانند او عمل کرده بودند، قطارهای مرگ کوپه‌های خلوت‌تری می‌داشتند. اگر کشیش‌ها و اسقف‌ها فریاد برآورده بودند و واتیکان سکوتش را می‌شکست، دست دشمن را این چنین باز نمی‌گذاشتند.

امّا اغلب هموطنان ما فقط در فکر خود بودند. لحظه‌ای از ترک کردن یک خانه یهودی توسط ساکنانش نگذشته بود که آنها همانند لاشخورها

حمله می‌کردند و تمامی مایملک و اسباب بازمانده را غارت می‌کردند، می‌شکستند و تاراج می‌نمودند. برایشان یک ولوله بود، شاید دنبال گنج می‌گشتند. آنها مثل ماریا نبودند.

همه بدور میز آشپزخانه‌مان جمع شدیم. آیا می‌بایست با ماریا برویم یا آنکه بمانیم؟ قطعاً پیشنهاد او را می‌پذیرفتیم اگر می‌دانستیم که به بیرکه نائو (نام یکی از کمپ‌های مرگ نازی)، فرستاده خواهیم شد. اما نمی‌دانستیم. شنیده بودیم که همه به شهرهای اصلی داخلی کشور انتقال می‌یابند و این موضوع را یهودیان مطلع بوداپست هم تأیید می‌کردند و به آنها در این مورد اطمینان داده شده بود. با در نظر گرفتن این نکته می‌بایست به ماریا نه می‌گفتیم.

ماریا با صدایی بغض گرفته گفت: «چرا، نه؟»

پدرم گفت: «یک یهودی هرگز نباید از جامعه‌اش جدا بشود. هر آنچه بر دیگران آید، بر ما هم خواهد آمد.»

مادرم با صدایی بلند گفت: «بهتر نیست بچه‌ها را بفرستیم؟»

صدای اعتراض ما برخاست. ما می‌خواستیم که پدر و مادرم بروند. بعد از کمی گفتگو، از ماریا نهایت تشکر را کردیم اما...

پدرم درست می‌گفت. ما می‌خواستیم با هم باشیم، مثل بقیه.

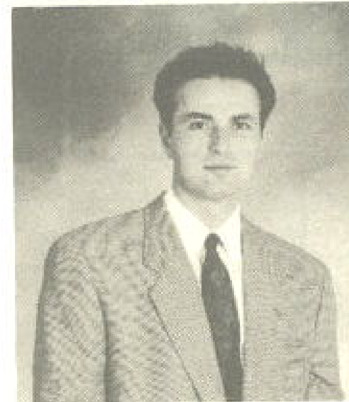
یکپارچگی کانون خانواده از مهم‌ترین سنتهای ما یهودیان است و دشمن از این امر آگاه بود. به همین دلیل برای اطمینان خاطر یهودیان این شایعه را پخش کرده بودند که انتقال یهودیان به اردوگاههای کار در مجارستان بدان شکل انجام خواهد گرفت که اعضای خانواده، همه با هم باشند.

همه این را باور کرده بودند و بدین ترتیب قدرت کانون خانواده که قرنها باعث بقاء جامعهٔ ما بود اینک عاملی شده بود در دستان دشمن برای نابودی‌مان.

* * *

من اغلب به ماریا فکر می‌کنم و افکارم شرمسار است از حق شناسی و محبت نسبت به او. و گاه در تعجبم که چگونه این زن ساده و تحصیل نکرده سرافرازتر از تمامی بلند پایه‌گان تحصیلکرده‌ها و کشیش‌های شهر ما بوده و هست. پدرم دوستان و آشنایان بسیاری در بین مسیحیان شهر داشت اما هیچ یک از آنها قدرت روحی و شخصیت این زن عامی را نداشتند. اعتقادات، تحصیلات و مقام اجتماعی آنان چه ارزشی داشت هنگامی که باعث تحریکی در احساسات و شعورشان نمی‌شد؟

این زن ساده و عامی مسیحی آبرو و شرف شهرش را با اعمالش نگهداری کرد.



دکتر مایکل طاهری

جرّاح و متخصص در زنان و زایمان از NYU

دارای فوق تخصص در جرّاحی های نازائی، عدم کنترل ادرار و سرطان از Mayo Clinic

عضو کادر پزشکی

Century City Hospital, Brotman Hospital, Midway Hospital, Cedars Sinai

عضو انجمن پزشکی زنان و زایمان آمریکا

Junior Fellow of American College of Obstetries & Ginecology

عضو انجمن جلوگیری از عدم کنترل ادرار در زنان

Junior Fellow of American Urogynecology Society

MICHAEL M. TAHERY, M.D.

OBSTETRICS & GYNECOLOGY

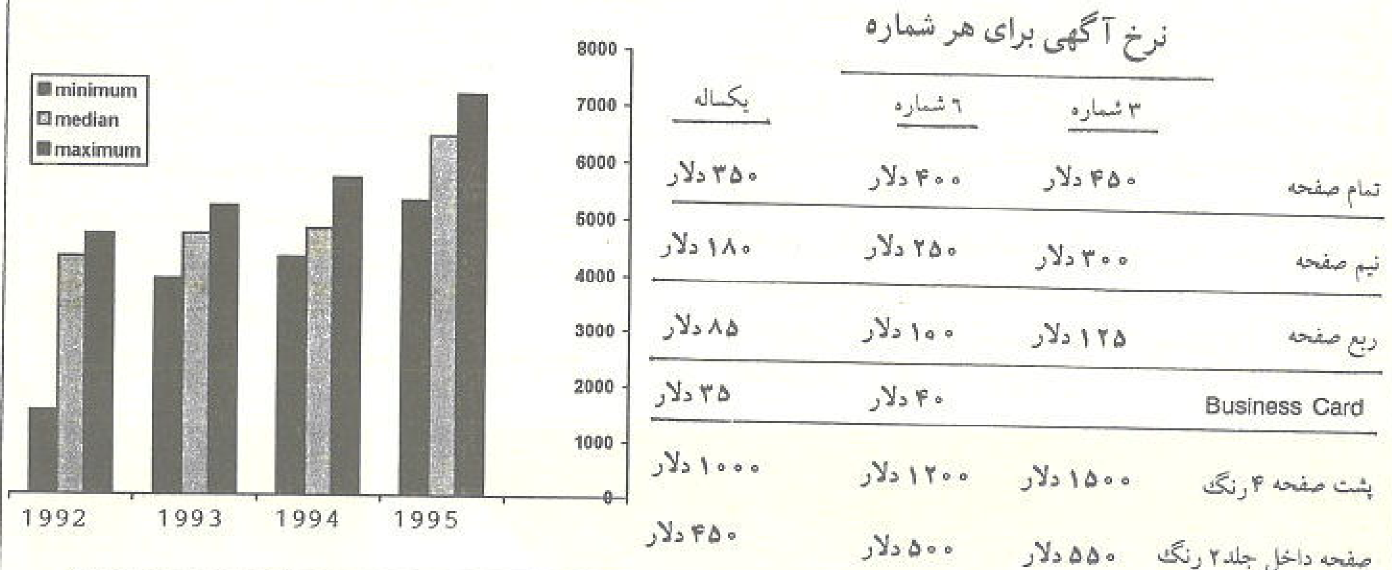
* مامائی و زایمان بدون درد
* نازائی
* کنترل ادرار
* جرّاحی زنانه با اشعهٔ لیزر
* تشخیص سرطان زنانه و معالجه
* جلوگیری از حاملگی
* پیشگیری از یائسگی
* تنظیم خانواده
* بیماریهای سینه و مموگرافی
* تعیین جنسیّت نوزاد و بیماری‌های ژنی
* بازسازی محتویات لگن و جرّاحی پلاستیک زنان

Cedar Sinai Medical Office Tower
8635 W. 3rd. Street, Suite 1195W
Los Angeles, CA 90048
(310) 360-0067

Glendale Medical Arts Building
1030 S. Glendale, Suite 308
Glendale, CA 91205
(818) 265-9499

آگهی در چشم‌انداز بنفع شما و جامعه است

چشم‌انداز در عرض مدت کوتاه کمتر از پنج سال عمر خود پرخواننده‌ترین نشریه غرب آمریکا است.
گواهی اداره پست آمریکا برای شماره گذشته، نشان دهنده ارسال آن به ۸۰۲۵ خانواده میباشد. تیراژ کلی این نشریه ۸۵۰۰ شماره میباشد که مازاد آن در گردهمایی‌های لوس آنجلس پخش میشود و یا به کشورهای دیگر ارسال میگردد.
ادامه انتشار این نشریه کمکی به روشن شدن اذهان - بالا بردن غرور و نگهداری میراث‌های یهودی است و ارزشهای انسانی برای جهانیان.



نرخ آگهی برای هر شماره

	۳ شماره	۶ شماره	یکساله
تمام صفحه	۴۵۰ دلار	۴۰۰ دلار	۳۵۰ دلار
نیم صفحه	۳۰۰ دلار	۲۵۰ دلار	۱۸۰ دلار
ربع صفحه	۱۲۵ دلار	۱۰۰ دلار	۸۵ دلار
Business Card		۴۰ دلار	۳۵ دلار
پشت صفحه ۴ رنگ	۱۵۰۰ دلار	۱۲۰۰ دلار	۱۰۰۰ دلار
صفحه داخل جلد ۲ رنگ	۵۵۰ دلار	۵۰۰ دلار	۴۵۰ دلار

بـا ۱۹۵ دلار

نشریه چشم انداز:

* یک آگهی ربع صفحه
* با تیراژ ۸۵۰۰ خانواده دارای قدرت خرید و تحصیلات بالا (با تائید و گواهی اداره پست آمریکا)

رادیو صدای جدید:

* ۳۰ ثانیه آگهی هر روز بمدت یکماه
* بین ساعات ۶ تا ۱۱ شب (برنامه حمید میرمطهری) پر شنونده ترین برنامه رادیو لس‌آنجلس

برای اطلاعات بیشتر با تلفن ۴۷۹-۴۷۹۸ (۳۱۰) تماس حاصل فرمائید.

توجه: قرارداد برای سه ماه رادیو صدای جدید و سه نشریه مجله چشم‌انداز باید امضاء شود.

دفاتر حقوقی

دکتر شهرام سلیمانی

وهمکاران

دکترای حقوق از امریکا و وکیل رسمی دادگستری
دادگاههای کالیفرنیا و فدرال

با کادری ورزیده و مجرب در امور :

تصادفات و صدمات بدنی

- تهیه و تنظیم قراردادها و اساسنامه ها
- طلاق و دعاوی خانوادگی
- سرمایه گذاری و اختلافات بازرگانی
- معالجات غلط پزشکی
- معاملات و دعاوی ملکی
- امور جنایی

نتیجه زحمات ما، موفقیت شماست

۳۱۰ - ۷۸۹ - ۱۱۰۰

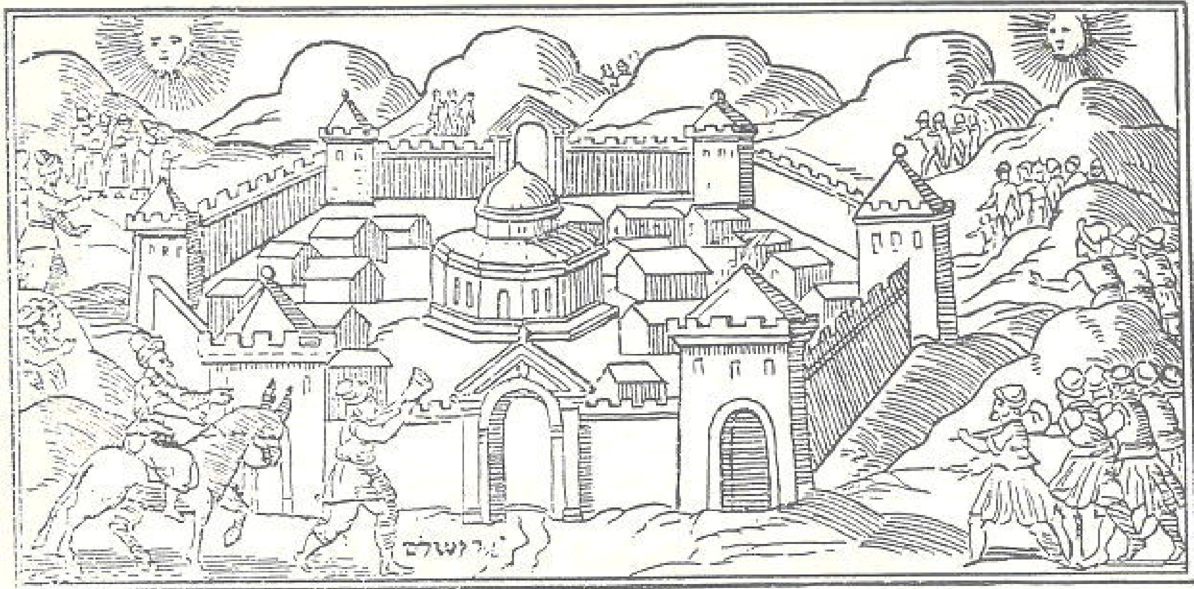
Law Offices
Shahram Soleimani
& Associates

(310) 789-1100
FAX: (310) 789-1122

1801 Century Park East, 24th Floor
Los Angeles, CA 90067

نوشته: موسی میکایل ـ فیلادلفیا

اورشلیم در ادوار مختلف تاریخ



دوران ماقبل تاریخ

قدیمی‌ترین مدرکی که وجود انسان را در ناحیهٔ اورشلیم کنونی خاطر نشان می‌کند مربوط به دورهٔ Pleistocene (دورهٔ منجمد و سرد مبداء تاریخ) می‌باشد. آلات و اسبابهائی که از سنگ چمخاق ساخته شده در درّهٔ رفائیم (Rephaim) دیده شده است. همچنین مکانهای متعدّد و گوناگون از دورهٔ aleolithic} (عصر حجر) پیدا شده است. در دورهٔ Mesolithic (دورهٔ میانی عصر حجر) آب و هوا به صورت امروزی تغییر نمود ولی بعلّت خشکی شدید امکان زیست در منطقهٔ اورشلیم فعلی برای بشر ماقبل تاریخ بسیار مشکل بوده است و تنها بدو مکان از آن دوره اشاره شده است. در مرحلهٔ Neolithic (مرحلهٔ نهائی عهد حجر) که تحولاّت کشاورزی زمان رخ داد مبارزهٔ بشر بر علیه صحرا و بیابانها شرایط زیست آنها را در آن منطقه تا حدّی امکان پذیر ساخت و از این دوره در حدود شانزده مکان ذکر گردیده است. در دورهٔ Calcolithic (دورهٔ نزدیک به عصر برونز) استقرار در این منطقه امکان پذیرتر گردید و این شاید بعلّت جذب انسانها بدرهٔ اردن در نگو Negev و کاهش مناطق کوهستانی بوده باشد.

دوران کنعان

هنگامیکه اورشلیم همراه با شهرهای قدیمی دیگر منطقهٔ کنعان بطور واضح و روشن در تاریخ ذکر گردیده اوایل عصر برونز می‌باشد. اورشلیم در میان شهرها و آبادیهائی می‌باشد که از شمال بجنوب پدیدار گشته و این شهرها در طول جادّه‌هایی که در مسیر آبریز و مقسم آب بوجود آمده است.

نام اورشلیم

نام اورشلیم برای اولین بار در متن و نصّ تقبیح نامهٔ مصری در قرنهای ۱۹-۱۸ قبل از میلاد دیده شده و بنا بر نحوهٔ هجّی شدن آن احتمالاً روشالی‌موم Rushalimum تلفّظ میشده است. در نوشته‌های Telel Amara در قرن چهاردهم قبل از میلاد اوروسلیم Urusalim و توسّط آشوریها اورسلیمو Ursalimmu ذکر گردیده است. در تورات عبری هجّی شده است. شهر Salem ظاهراً شهر یروشالیم بوده است. در یونانی Hierosolyma (Hiero بلغی مقدّس) گفته شده، بنظر میرسد که اسم اصلی آن Irusalem است که از ترکیب دو لغت می‌باشد:

Uru (Yarah) بمعنی بنا نهادن و دیگری Salem یا Shulmanu یا Shalim که بربان سامی غربوا) نام خدا. در این صورت گفته میشود که خداوند مشوّق و پشتیبان این شهر بوده و مکانهای مقدّسی بافتخار او در این شهر بنا شده است. بعداً در میدراش بصورت بنیان صلح (شالم) Foundation of Peace تشریح شده که مردم پسند بوده و جنبهٔ شاعرانه‌ای به شهر داده است.

شهر یبوس عبری مشتقی از نام یبوسی‌ها (یکی از کوچکترین قومی که در منطقه کنعان «اورشلیم فعلی») تا هنگام تسخیر کنعان بدست ایسرائلها زندگی میکرده‌اند. این منطقه (شهر) بنام یبوس تا هنگام تسخیر آن توسّط داود باقی ماند. اسم صیون Zion (که معنی آن دانسته

نشده) قسمتی از شهر یبوسی‌ها بوده و داود آن را بنام خود «شهر داود» نامید (که به صورت دژ نظامی بوده است). با گذشت زمان هر دو نام در ابتدا مترادف برای تمام شهر (اورشلیم) گردید. شهر اورشلیم در طی تاریخ نامهای بسیاری دریافت داشته است از جمله: شهر خدا، شهر عدالت، شهر وفا و ایمان، شهر صلح، شهر زیبا، شهر طلائی و غیره.

تاریخ سه هزار سالهٔ اورشلیم

۱۰۰۴ قبل از شمارش جدید ـ حضرت داود اورشلیم را فتح نموده و آن را پایتخت شاهنشاهی خود قرار داد.

۹۶۷ قبل از شمارش جدید ـ شروع سلطنت حضرت سلیمان پسر حضرت داود.

۹۶۳ قبل از شمارش جدید ـ حضرت سلیمان اولین معبد مقدس را در اورشلیم بنا نهاد.

۹۲۷ قبل از شمارش جدید ـ تجزی خطّهٔ سلطنتی سلیمان در اثر کناره‌گیری اقوام ساکن قسمت شمالی.

۷۲۲ قبل از شمارش جدید ـ قسمت شمالی کشور (که اسرائیل نامیده میشد) بدست آشوریها افتاد.

۵۸۶ قبل از شمارش جدید ـ قسمت جنوبی سرزمین یهودا Judah توسّط بابلیها تسخیر گردیده و ساکنین آن تبعید شدند.

۵۳۶ قبل از شمارش جدید ـ یهودیان تبعیدی بازگشت نموده و دوباره اورشلیم را بنا کردند.

۳۳۲ قبل از شمارش جدید ـ اسکندر مقدونی اورشلیم را تسخیر نمود، و پس از مرگ او مصر و سوریه بر آن حکومت کردند.

۱۶۴ قبل از شمارش جدید ـ برهبری یهودا مکابی یهودیان سوریه‌هایی‌ها را شکست دادند و دوباره معبد مقدّس را بر پا ساخته و حکومت مستقلی را تحت نظر سلسلهٔ هشمونائیم برگزار نمودند.

۳۷ شمارش جدید ـ هرود Herod بپادشاهی رسید.

۶۶ شمارش جدید ـ یهودیان علیه رومیان قیام نمودند.

۷۰ شمارش جدید ـ رومیان توسط تیتوس Titus اورشلیم را تسخیر نمودند و معبد مقدّس را نابود کردند.

۱۳۵-۱۳۲ شمارش جدید ـ قیام برکوخبا در اثر حملهٔ رومیان خنثی گردید و ورود یهودیان باورشلیم ممنوع شد.

۳۳۵ شمارش جدید ـ امپراتور بیزانیتن کنستانتین (یونانی) اورشلیم را بمرکز مسیحیت تبدیل نمود.

۶۳۶ شمارش جدید ـ حملهٔ اسلام

۱۱۸۷-۱۰۹۹ شمارش جدید ـ صلیبیون اورشلیم را تسخیر نموده و اقدام بکشتن یهودیان و مسلمانان ساکن شهر کردند.

۱۹۱۷-۱۲۶۰ شمارش جدید ـ اورشلیم تحت حکومت مصر (مملوک‌ها) در آمد.

۱۹۰۵ شمارش جدید ـ مدرسهٔ هنر و طرّاحی بتزازل Bezazel با کمک صندوق تعاون ملّی یهود Jewish National Fund (JNF) یا(قرن قیمت) بنا گردید.

۱۹۰۹ شمارش جدید ـ صندوق تعاونی (JNF) بخرید زمین برای ساختن دانشگاه عبری پرداخت.

۱۹۲۲ شمارش جدید ـ انگلستان تحت نظر مجمع ملل برای قیمومیت فلسطین، اورشلیم را مرکز تشکیلات خود قرار داد.

۱۹۴۸-۱۹۱۷ شمارش جدید ـ اورشلیم تحت حکومت انگلستان در آمد.

۱۹۴۸ شمارش جدید ـ کشور اسرائیل استقلال خود را اعلام نمود.

۱۹۴۹ شمارش جدید ـ اورشلیم پایتخت کشور اسرائیل اعلام گردید.

۱۹۶۷ شمارش جدید ـ اورشلیم شرقی و غربی بهم پیوست.

۱۹۹۵ شمارش جدید ـ سه هزارمین سالگرد اورشلیم.

واژه نگاری (Word Processing) و صفحه بندی

فارسی، انگلیسی، عبری

Fast Computer Services

با مینو تماس بگیرید

تلفن ۵۱۷۳-۲۷۴ (۳۱۰)　　پیجر ۹۹۰۹-۲۳۹ (۳۱۰)

SHABANI ART ACADEMY

آکادمی هنر شعبانی



کلاسهای نقاشی تابستانی برای کودکان،

نوجوانان و بزرگسالان از

۵ سال به بالا

پذیرفتن هرگونه نقاشی و پرتره

۳۱۰ - ۴۴۱ - ۰۰۸۲

2345 Westwood Blvd.

Between Olympic & Pico

تاریخ مهاجرت یهودیان

بخش اول

قبل از اینکه به تاریخ اولین مهاجران یهودی در آمریکای شمالی و قاره آمریکا بپردازیم بهتر است نگاهی به اوضاع اقتصادی و سیاسی قرون وسطی در اروپا بیندازیم.

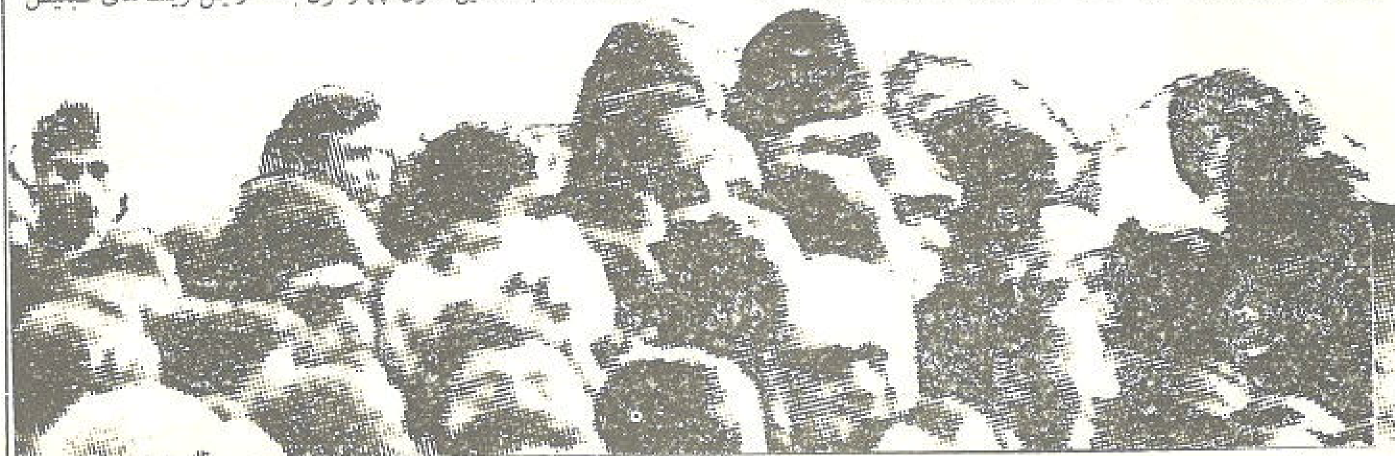
یهودیان در اواخر قرن اول میلادی در سرزمین اسپانیا سکنی گزیدند که در آن زمان زیر سلطه رومیان بود. یهودیان تا اواخر قرن ششم میلادی زندگی راحتی در اسپانیا داشتند تا در سالهای ۶۲۰-۶۱۲ بر اثر فشار شدید پادشاهان وقت اسپانیا (سای سابت Sisebut و وضع قانون جدید که یهودیان یا باید مسیحی شوند یا ثروتشان تصرف شده و از کشور تبعید شوند، حدود ۹۰ هزار یهودی وقت اسپانیا مسیحی شدن را به تبعید ترجیح داده و مسیحی گردیدند. ولی این دین تحمیلی بیشتر از یک قرن دوام نداشت زیرا با سلطه اعراب و مسلمانان در اسپانیا و با گذاشتن قانون جزیه (مالیات مذهبی) یهودیان دوباره به مذهب ابا و اجدادی خود باز گشتند و در تمام پنج قرن سلطه مسلمانان، یهودیان به بالاترین مشاغل دولتی و خصوصی دست یافتند. این پنج قرن سالهای طلایی تاریخ یهودیان در اروپا بشمار می‌رود و شعرا و نویسندگان، فیلسوف‌ها و بیشتر از همه تلمود در این قرون شکوفا شد.

در اواسط قرن دوازدهم میلادی و در جنگهای صلیبی اسپانیا دوباره به دست مسیحیان افتاد. تا اواخر قرن چهاردهم هنوز با یهودیان در اسپانیا بد رفتاری نمی‌شد ولی رفته رفته فشار مسیحیت و واتیکان برای برگرداندن یهودیان به آیین مسیحیت بیشتر و بیشتر گردید بطوریکه بین سالهای ۱۴۰۰-۱۳۹۰ نزدیک به ۲۵۰ هزار یهودی از ترس گرفتن ثروت و تبعید به دین مسیحیت گرویدند.

در طول قرن پانزدهم و تفتیش عقاید نزدیک به یک میلیون یهودی در اسپانیا ظاهراً مسیحی شدند، ولی بیشتر در خفا به آیین یهودیت خود وفادار بودند. نزدیک به نیم میلیون یهودیان باقیمانده با از دست دادن ثروت‌های بسیار و کشتار و شکنجه‌های فراوان مذهب خود را به زندگی در اسپانیا ترجیح داده و از اسپانیا بیرون آمدند. از این عده، تعدادی به امپراطوری عثمانی و از آنجا به ایران و عراق پناهنده شدند و عده دیگر به نزدیکترین کشوری که آنها را پذیرفت یعنی (پرتقال) مهاجرت کردند. این عده یهودیانی که در اسپانیا ماندند و رفته رفته کاتولیک بودن را به یهودی بودن ترجیح دادند (مارون Marronos که به اسپانیایی به معنی متقلب و کثیف است خطاب می‌کردند.

مارون‌ها رفته رفته در خانواده‌های بزرگ آن زمان اسپانیا رخنه کرده و با ازدواج‌های خود جزو سرشناسان آن زمان اروپا در آمدند تا جایی که حتی در خانواده سلطنتی اسپانیا نیز چندین مارون دیده می‌شود. در نتیجه مسیحیان قانون پاک بودن خون را مورد اجرا گذاشتند.

بدین ترتیب که از سال ۱۴۴۹ هر مسیحی که می‌خواست به مقام‌های بلند پایه برسد باید از لحاظ خانوادگی هیچ یهودی مسیحی شده نداشته باشد. این قانون چهار قرن بعد اولین ریشه‌های تبعیض



نژادی در دنیا گردید.

در اواخر قرن شانزدهم و اوائل قرن هفدهم یهودیان فرانسه نیز دچار مشکل تفتیش عقاید از طرف لوئی چهاردهم گردیدند این عده از یهودیان فرانسه نیز که به مسیحیت تن در ندادند به بسیاری از نقاط دنیا از جمله شمال آفریقا، هلند و قاره تازه کشف شده آمریکا، آمریکای جنوبی پناهنده شدند. یهودیان اسپانیایی نیز که در قرن گذشته به پرتقال پناهنده گردیده بودند دوباره دچار مشکل تفتیش عقاید و فشار مذهبی شده، اینان نیز گروهی به هلند و گروه دیگری به آمریکای جنوبی پناهنده شدند. این یهودیان به برزیل، جامایکا، و کشورهای دریای کارائیب پناهنده شدند و به دلیل اینکه یهودیان همیشه از ترس دشمنان بیشتر بانکدار و صراف بودند تا ملاک، خیلی زود توانستند رشته‌های اقتصادی این کشورها در دست بگیرند.

بیشترین یهودیان و مارون‌ها به کشورهای تحت تبعه هلند مهاجرت کردند زیرا هلند یکی از معدود کشورهای اروپایی در قرون پانزدهم و شانزدهم بود که به یهودیان آزادی کامل داده بود.

بعد از تسخیر برزیل بوسیله اسپانیا از هلند - یهودیان که به صادرات شکر مشغول بودند در شانزده کشتی نشانده شدند که به اسپانیا باز گردانده شوند و در آنجا به جزای یهودی بودن خود برسند، از این سه کشتی که به دست دزدان دریایی افتاده و از سرنوشت آنان اطلاعی در دست نیست ولی ۲۳ نفر از این یهودیان در حال غرق توسط یک کشتی هلندی نجات پیدا کرده و در ماه سپتامبر سال ۱۶۵۴ در سواحل (آمستردام جدید) New Amesterdam در آمریکای شمالی توسط ناخدای کشتی به عنوان برده به حراج گذاشته شدند. هلندیهای مهاجر در آمریکا که به حال این یهودیان متأسف شده بودند پولی جمع کرده به ناخدا می‌دهند، یهودیان را آزاده کرده و به شهر می‌آورند. این عده شامل چهار مرد و همسرانشان، ۲ زن بیوه و ۱۱ بچه بودند. این یهودیان سفارادی اولین گروه یهودیان بودند که بعد از چند هفته از ورود اولین یهودی، **جکوب بارسیمون** Jacob Barsimon وارد آمریکا شدند.

فرماندار آن زمان آمستردام جدید که از آمدن یهودیان بسیار ناراحت بود در نامه‌ای که به هلند می‌فرستد. می‌نویسد: «اگر با ماندن این یهودیان در قاره جدید موافقت کرده شود، باید با مهاجرت دیگر گروههای چون کاتولیک‌ها و لوترها هم موافقت کرد و چیزی نخواهد گذشت که سیاهان قاره آفریقا هم می‌خواهند به آمریکا بیایند».

یهودیان تازه وارد هم بیکار ننشسته و نامه‌ای به صاحبان شرکت هلندی هندوستان غربی Dutch West Indian که اکثراً یهودی بودند می‌نویسند که با ماندن آنان در آمریکای شمالی موافقت شود. از آنجایی که این عده همه از صاحبان مشاغل صادرات و واردات در آمریکای جنوبی بوده و برای راه انداختن اقتصاد تازه پای آمریکا به وجودشان احتیاج زیادی بود. مناطق فرانسوی نشین و انگلیسی نشین آمریکا برای آوردنشان به محیط خود با یکدیگر مسابقه می‌گذارند و بالاخره دولت هلند به ماندن این عده در آمریکا موافقت می‌کند به شرط اینکه در منطقه هلندی نشین زندگی کنند و خودشان از فقرا و پیران خود مواظبت کنند. با وجود اینکه این عده از یهودیان سفارادی اجازه داشتن گورستان را داشتند، اجازه داشتن محلی برای ستایش خدا نداشتند. در سال ۱۶۵۷ **«آشر لوی»** یکی از مسافران تبعیدی، اولین یهودی شد که توانست تبعیت آمریکا را بگیرد.

بعد از فتح قسمت هلندی نشین آمریکا توسط انگلستان در سال ۱۶۸۲ یهودیان توانستند اجازه احداث اولین کنیسا را بگیرند و در سال ۱۷۳۰ اولین کنیسای یهودیان به نام Shearith Israel (باقیمانده اسرائیل) در محل کنونی Ubu Street بنا گردید.

راجر ویلیامز Roger Williams بنیادگزار ایالت رود آیلند Rhode Island بر این عقیده بود که بر اساس نوشته توراة به جز بردگان هر کس هر دین، مذهب و مرامی دارد باید مورد قبول دیگران نیز باشد. چیزی نگذشت که این خبر بین یهودیان سفارادی پیچید که جایی در آن سوی دنیا یهودیان را با آغوش باز می‌پذیرد. سفارادی‌ها از اسپانیا، پرتقال، انگلستان، هلند و بسیاری از مهاجران آمریکای مرکزی رو به رود آیلند آوردند. در سال ۱۶۵۸ شهر نیوپورت Newport یکی از مراکز بزرگ یهودی نشین آمریکای شمالی گردید. اولین



کنیسای سفارادی یهودی در سال ۱۷۶۳ در این شهر بنا گردید که هنوز پا برجاست و در سال ۱۹۴۶ جزو بناهای تاریخی ایالت متحده ثبت گردید.

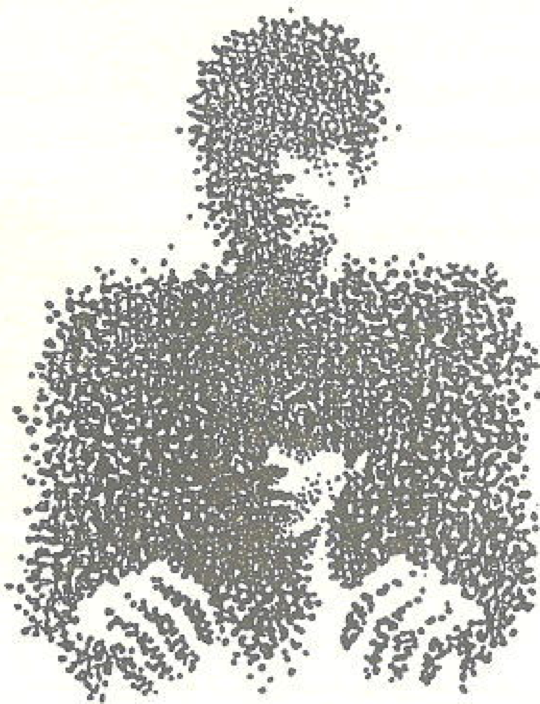
بنا به دعوت **جان لاک** John Locke بنیانگزار کارولینای جنوبی S. Carolina یهودیان رفته رفته رو به جنوب نهادند. تعداد یهودیان کارولینای جنوبی باعث گردید که در رُش هشانا سال ۱۷۴۰ سومین کنیسای سفارادی در شهر چارلستون تأسیس گردد که اولین کنیسای رفروم در امریکا است. تا سال ۱۸۰۰ چارلستون بزرگترین شهر یهودی نشین آمریکا گردید.

اولین یهودیان سفارادی که وارد جورجیا Georgia شدند با دومین کشتی به مقصد جورجیا ۴۰ یهودی ثروتمند اسپانیایی تبار از انگلستان بودند که در سال ۱۷۳۳ وارد جورجیا شدند و رشته امور این ایالت را در دست گرفتند. کشتی بعدی حامل یهودیان به آمریکا برعکس گذشته که ثروتمندان و صاحبان حرفه را به آمریکا می‌آورد یهودیان فقیر اِشکنازی که از آلمان به انگلستان گریخته بودند و به امید کمک سفارادی‌ها و یافتن کار بودند را در سال ۱۷۳۴ به جورجیا وارد نمود. تا شروع جنگهای استقلال پنج منطقه یهودی نشین در آمریکا وجود داشت که همه در شهرهای ساحلی بودند این شهرها عبارتند از: نیویورک، نیوپورت، رود آیلند، چارلستون (کارولینای جنوبی) سوانا (جورجیا) و فیلادلفیا. این یهودیان به جز عده معدودی همگی سفارادی بودند.

شش عامل مهم باعث تفاوت یهودیت در آمریکا و اروپا یا آسیا می‌باشند.

۱ - بنیانگزاران شهرها و مناطق جدید در امریکا همگی از قوانین توراة و ده فرمان الهام گرفته در نتیجه قوانین اجتماعی و مذهبی آن زمان آمریکا شباهتهای زیادی به قوانین کشور یهودا بین انهدام معبد اول و دوم داشته است. به عنوان مثال یکی از طرحهای ارائه شده **مهر رسمی ایالت متحده** که توسط **توماس جفرسون** طراحی شده بود، یهودیان و فراعنه را هنگام عبور از دریای سرخ و نشان می‌دهد و نوشته: **«قیام بر علیه زورگویان، اطاعت از خداوند است».** و دیگری **زنگ** معروف **آزادی فیلادلفیا** است با نوشته‌ای از کتاب لوی‌ها: **«آزادی را در تمام سرزمینت بدست آور و به دیگران نیز بده».**

۲ - یهودیان مهاجر به قاره آمریکا از کشورهایی اخراج شده یا مهاجرت کرده بودند که گتو و محله یهودی نداشته و حتی سفارادی‌ها بعد از تبعید از اسپانیا مجدداً به کشورهایی مثل امپراطوری عثمانی، پرتقال و یا هلند رفتند و به همین دلیل از رفتن به کشورهای اروپای شرقی، روسیه یا آلمان خودداری نمودند. به همین دلیل اصولاً سفارادی‌ها دارای لباس مخصوص یهودی یا محله مخصوص نبوده و زندگی راحت و رفاه اجتماعی را به اُرتدکس بودن و سخت گیرهای



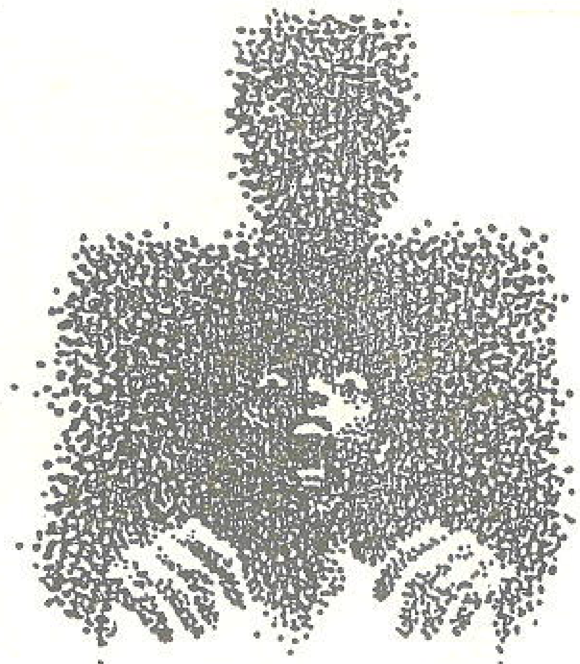
مذهبی ترجیح می‌داده‌اند.

۳ - با وجودی که بنیانگزاران آمریکا تماماً از اشراف اروپا بودند ولی مهاجران بعدی را طبقه متوسط اروپا تشکیل می‌دادند و یهودیان که اکثراً تاجر، صراف و یا صنعتگر بودند به آسانی خود را جا کردند. قصد اصلی تمام مهاجران به آمریکا اعم از مسیحی، سفارادی، اشکنازی و یا مارون فقط پیشرفت اقتصادی بوده با وجودی که ۵۰ درصد مردم آمریکا در زمان انقلاب استقلال، برده و یا مستخدم بودند، تمام یهودیان آن زمان آمریکا آزاد و صاحبان مشاغل بوده و از ضد یهود و ضد صهیونیست در آن زمان خبری نبوده است.

۴ - به دلیل آزادی یهودیان در آمریکا و نداشتن قید و بند گتو و یا مالیات بر دین یهودیان به راحتی می‌توانستند مانند دیگر اتباع آمریکا بدون اشکال به مراجع قانونی مراجعه کنند و دیگر به صورت کشوری میان کشور دیگر مانند اروپا نباشند. به این دلیل تنها داشتن کنیسا و گورستان یهودی برایشان کافی نموده است.

۵ - مهمترین عامل اختلاف یهودیان آمریکا با اروپا در این بود که تا سال ۱۸۴۰ ربانوت راهی به آمریکا باز نکرده بود و وقتی که در سال ۱۷۷۲ اولین ربای **(رافاعل کریگال)** به فیلادلفیا وارد شد بعد از چند ماه یهودیان آمریکا را لامذهب خطاب کرد و از آمریکا به سوریه رفت.

یهودیان آن زمان با وجودی که دارای کنیسا بودند ولی ربای نداشتند و اگر کسی پیدا می‌شد که عبری بداند و بتواند داستانهایی از توراة تعریف کند خود را بسیار خوشبخت می‌دانستند. یهودیت



در زمان قبل از استقلال بیشتر به صورت خودکامه و از روی حافظه بوده است. اگر یهودیان آن زمان امریکا مشکلی پیدا می‌کردند به عوض روی آوردن به تلمود و قوانین عهد عتیق، سعی می‌کردند که راه حل‌هایی دیگر بیابند همه اینها و فقدان فرق بین یهودی و غیر یهودی در زمان قبل از استقلال آمریکا باعث گردید که بیش از ۳۰ درصد یهودیان با ازدواج خارج از دین کم‌کم از دنیای یهودیت خارج شوند.

ولی این زندگی بی قید و بند خواص دیگری نیز داشت. از جمله راه یافتن یهودیان به ارکان دولتی و پیشرفت آنان در مجامع سیاسی و یا اجتماعی قبل از استقلال. از آنجمله می‌توان از یهودیان زیر نام برد.

موسی لوی - اشکنازی مهاجر انگلیسی که در سال ۱۶۹۵، کشتی دار و وارد کننده بردگان بود و به ریاست پلیس آن زمان نیویورک رسید.

بنیامین نونز (فرانسوی) که از سربازی صفر به سرتیپی در ارتش ژنرال جورج واشنگتن رسید.

مهندس ناتان (انگلیسی) که بانی بازار سهام نیویورک و نویسنده قانون بورس در آمریکا بود. (۱۷۷۳)

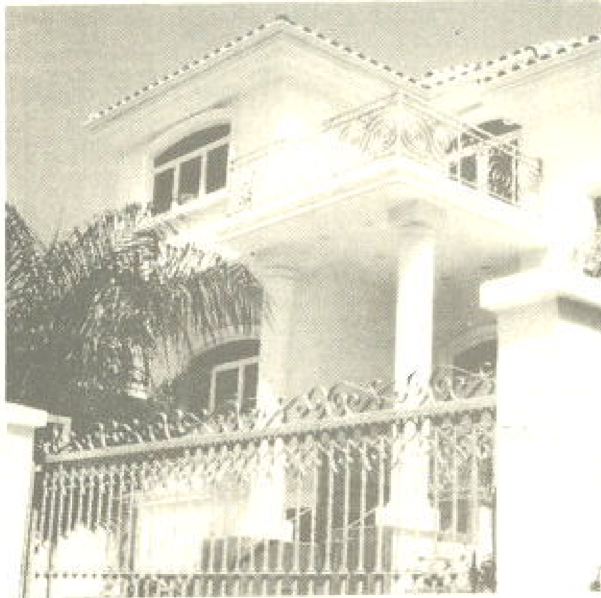
به هنگام شروع جنگهای استقلال اکثراً یهودیان به پشتیبانی از واشنگتن پرداختند و بعد از استقلال دولت آمریکا (۱۷۷۶) قوانین اجتماعی توراة و یهودیت یکی از ارکان مهم قانون اساسی آمریکا گردید.

در بخش ۶ پارگراف ۳ متمم قانون اساسی آمده است:

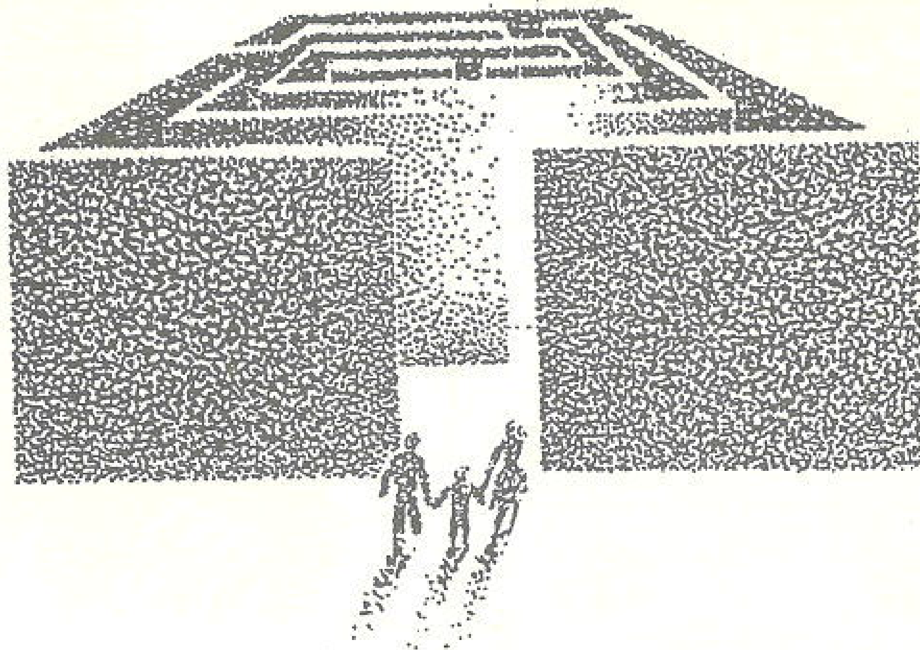
«دارا بودن هر مذهبی، هرگز باعث منع اشخاص از راه یافتن به بالاترین ارکان دولتی نخواهد گردید».

در اولین خط قانون اساسی اینطور آمده است:

ایرج و داریوش صفائی
آرشیتکت
* ARCHITECTUR *
* STRUCTURAL ENGINEERING
* CHANGE OF USE *
طراحی خانه های ویلائی



NEW & REMODELING
* مطب پزشکان * رستوران *
نوسازی ساختمانهای صنعتی
PROPERTY LOSS CONSULTANTS
ارزیابی ساختمانهای آسیب دیده و تهیه
گزارش فنی مورد قبول شرکتهای بیمه
* رفع تخلفات ساختمانی*
(۳۱۰) ۴۵۳-۳۳۳۵



«کنگره هرگز قانونی را به تصویب نخواهد رسانید که داشتن و یا رعایت احکام هر مذهبی را غیر قانونی بنامد».

این قوانین باعث گردید که یهودیان سفارادیک نه از روی اجبار ولی به خاطر علاقه خود یهودیت را نگاه دارند، زیرا بر عکس کشورهای دیگر اروپا و یا آسیا مذهب یک امر مشخصی محسوب می‌شده و هیچ قانونی یهودیان را وادار به زندگی در گتو و یا داشتن کارهای پست نمی‌کرده است.

(۱۸۴۰ - ۱۷۷٦)

آمریکایی شدن یهودیان اشکنازی

سه قرن (۱۸۰۰ - ۱۵۰۰) یکی از تاریکترین و شرم آورترین سالهای زندگی یهودیان در ۵ هزار سال قدمت قوم یهود است. تأسیس گتو بوسیله مسیحیان و واداشتن یهودیان به زندگی نکبت‌بار و پوشیدن کفن سیاه و پوشاندن گوش بوسیله مو، اجازه نداشتن خروج از گتو و یا راه یافتن به مشاغل آبرومند، با وجودی که هیچ منظوری به غیر خوار و خفیف کردن یهودیان و پایین آوردن شأن اجتماعی آنان نداشت، ولی این خود باعث گردید که تلمود و قوانین تلمود ریشه‌های محکمی در زندگی گتونشینان پیدا کند و شاید خود یکی از دلائل باقی ماندن یهودیت در اروپا می‌باشد. در جواب این سوأل که چگونه کسانی که از نسل موسی، اسحاق و ابن میمون بودند در سیاه چال و بن‌بستی بنام گتو سر در آوردند و از حقوق اولیه اجتماعی مثل تبعه بودن کشوری که زندگی می‌کردند بی بهره ماندند؟ یک جواب ساده اینست. «مسیحیت آزاد»

موسی مندلسون (Moses Mendelsohn 1729-1786) اولین یهودی بود که با فراگیری زبان لاتین به صورت دزدانه از پدرش به خارج از گتو راه یافت و در برلن به تحصیل فلسفه و فراگرفتن زبان‌های خارجی پرداخت و به صورت اولین پناهگاه یهودیان آلمان خارج از گتو در آمد. مندلسون در سی سالگی با ازدواج با یک مسیحی به جرگه نه یهودی، نه مسیحی پیوست ولی فرزندان او با آغوش باز به سینه مسیحیت وارد شدند و نوه او **فیلیکس مندلسون** (Flix Mendelsohn) بعنوان یکی از موسیقی دانان بزرگ آلمانی مسیحی متولد گردید. مندلسون یکی از بنیانگزاران یهودیت رفرم در آلمان بود. او خطر زندگی در گتو و سرنوشت شوم آنرا پیش بینی کرده بود و سعی داشت تا آن جا که ممکن است یهودیان را از گتو خارج کند تا دوباره بتوانند با همسایگان مسیحی خود زندگی راحتی داشته باشند. تنها راه حل این مسئله به نظر مندلسون شناخت دنیای خارج از گتو و قدرت خواندن و فهمیدن نوشته‌ها، کتب و بحث‌های آن زمان بود. البته ربانوت آن زمان گتو در آلمان و یا دیگر کشورها یادگرفتن هر زبانی به غیر از (یدیش) را حرام اعلام نموده بودند. مندلسون به ترجمه توراة به زبان آلمانی و نوشتن آلمانی با الفبای عبری پرداخت. به این ترتیب عده‌ای از جوانان گتو توانستند به یادگیری لاتین و آلمانی در گتو بپردازند. این امر برای ربانوت آلمان قادر درک نبود و با دسیسه پردازی از طرف یهودیان ارتدکس و شکایت به کاردینال و ملاک مناطق خود باعث گردیدند که دیوارهای گتو که سُست شده بود دوباره استحکام پیدا کند و دروازه گتو که مدتها بدون کنترل بود، دوباره از طرف دولت کنترل شود که هیچ کس قادر به خروج از گتو نباشد. به این ترتیب زحمات مندلسون برای رهایی یهودیان آلمان از گتو بی نتیجه ماند و یهودیان به صورت یک عنصر غیر ضروری و انگل در زندان گتو ماندند.

فرانسه

ناپلئون بناپارت اولین رئیس کشور اروپایی بود که بواسطه علاقه شدید به پیشرفت و خراب کردن پلهای خرافات و عقاید قرون وسطی سعی به خراب کردن گتو کرد. در اوائل قرون توزدهم و آغاز انقلاب فرانسه حدود ۵۰ هزار یهودی در فرانسه زندگی می‌کردند. از این عده حدود ۱۰ هزار سفارادی بودند که اکثراً از اسپانیا و پرتقال مهاجرت و در جنوب فرانسه اقامت داشتند و به عنوان یهودیان مترقی و اعیان با فرهنگ محسوب می‌شدند و بقیه که اشکنازی بودند در قسمتهای مرکزی و شمالی زندگی می‌کردند. البته عده قلیلی از آنان ثروتمند بودند ولی اکثراً به صورت رباخوار و یا دست فروش بودند. یهودیان سفارادیک اولین گروهی بودند که در سال ۱۸۰۶ بعد از جواب دادن به دوازده سؤال معروف ناپلئون به آزادی و داشتن تبعیت فرانسوی دست یافتند. یهودیان آمریکا، با تعجب به فرانسه و اعمال ناپلئون می‌نگریستند و رفته رفته یهودیان اشکنازی نیز به آزادی و حقوق اجتماعی در فرانسه رسیدند.

ولی رهایی یهودیان فرانسه از گتو باعث رهایی بقیه یهودیان اروپای شرقی و یا روسیه نشد. از نظر تاریخ نویسان یهودی اهمیت ناپلئون بناپارت و کمک او به یهودیان تا سر حد کوروش کبیر می‌باشد.

به این ترتیب یهودیت رفروم پایه‌های دیگری در اروپا به دست آورد. یهودیانی که بعد از این تاریخ به آمریکا مهاجرت کردند با توجه به رفروم در اروپا با دیدگاه دیگری به یهودیت می‌نگریستند. این یهودیان رفته رفته از شرق به طرف ایالتهای مرکزی جنوبی و غربی در حرکت بودند و هر کجا که قدم می‌گذاشتند، بعد از مدت کوتاهی جزو سران آن شهر در می‌آمدند و بیشتر از روی خاطره یهودیت را اجرا می‌کردند نه از روی دستورات و یا قوانین تلمود. این عده توراة را برای زندگی در این مناطق مطابقت می‌دادند. به این ترتیب اکثراً کنیساهای جدید به صورت رفرم اداره می‌گردیده است. به عنوان مثال قبل از جنگهای داخلی در آمریکا عده کودکان یهودی که از مادر برده و سیاه متولد می‌شدند بقدری زیاد بوده که کنیسای بت الوهیم در چارلستون قانون ارث مذهبی از طریق مادر را اینگونه توجیه می‌کنند که هیچ فرد و کودک یهودی نمی‌تواند از آمدن به کنیسا، مدرسه و یا دفن در کنیسای یهودی منع شود حتی اگر مادرش یهودی نباشد.

در شش دهه قبل از جنگهای داخلی یهودیان زیادی در آمریکا درخشیدند از آنجمله می‌توان **یودا لوی** (۱۸۶۲-۱۷۹۲) اولین فرماندار در نیروی دریایی: **مردخای نوح** (۱۸۵۱-۱۷۸۵) اولین صهیونیست قبل از وجود گروه صهیونیستی و یا **پنی موئیز**

دکتر فرید افرا

اولین و تنها جراح عمومی ایرانی با فوق تخصص در زیبایی و کاشت موی سر

کاشت و زیبایی مو با متد جدید *Hair Micro Transplant*

برداشتن پوست اضافی بدون مو *Sculp Reduction*

جابجا کردن پوست با مو *Skin Flap Rotation*

1 - 800 - HAIR SET

1 - 800 - 4247-738

عضو کالج جراحان آمریکا و بین‌المللی متخصص جراحی عمومی

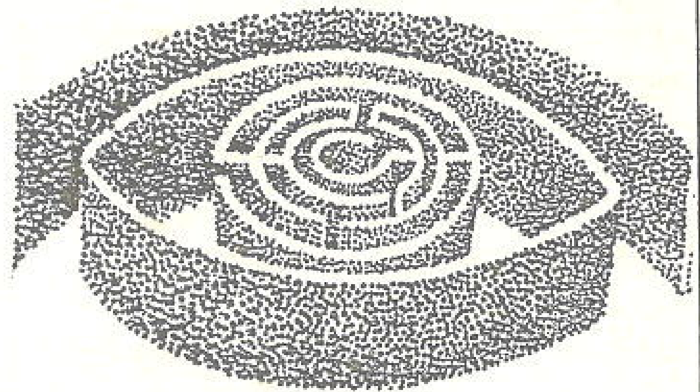
دارای بُرد تخصصی جراحی از آمریکا با ۲۷ سال سابقه کار

جراحی: ● سرطان‌های بستان ● دستگاه گوارش ● تیروئید ● واریس ● بواسیر ● فتق ● خال‌های پوستی و سرطانی

9025 Wilshire Blvd., Suite 300 Beverly Hills, CA 90210

تلفن ۲۴ ساعته *(310) 859-0416*

FAX: (310) 859-0474



(۱۸۸۰-۱۷۹۷) اولین زن غزل سرای یهودی را نام برد. که کتاب غزلهای و سروده‌هایش هنوز در بیشتر کنیسای رفروم خوانده می‌شود.

ارقام گزارش شده از یهودیان در اوائل قرن نوزدهم و جالب و سفر گروه است. سختگیری و شکنجه یهودیان در قرون وسطی کمتر باعث تغییر مذهب آنان شد تا آزادی و نداشتن قید و بند برای اجرای مراسم یهودی. بطور مثال تا سال ۱۸۴۰ حدود ۱۵٪ یهودیان خارج از مذهب ازدواج می‌کردند ولی نسل دوم و سوم آنان بکلی یهودیت را فراموش می‌کردند.

از ۴۰۰۰ خانواده یهودی در نیویورک تنها ۲۰۰ بانو مراسم میکوه را اجرا می‌کردند.

با وجود ۴۰ کنیسا در آمریکای آن زمان هیچکدام از آنان دارای ربای نبودند و کنیسا از طریق خزان و شماش اداره میشده که از قوانین تلمود اطلاعی نداشتند و کار این عده اکثراً خواندن سروده‌های مذهبی، کشتن مرغ و گوسفند، اجرا کردن کتوبا، میلا و کفن و دفن بوده است.

با وجود این که یهودیان سفارادی در اوائل قرن شانزدهم و هفدهم اکثر یهودیان آمریکا را تشکیل میداده و اصولاً پایبند مذهب نبودند. ولی با مهاجرت بیشتر یهودیان اشکنازی از اروپای شرقی و آزادی یافتن از قید و بند گتو و یهودیت ارتدکس، رفته رفته یهودیان اشکنازی بیشتر بطرف رفرم گرویده شدند و چون سفارادی‌ها بصورت پایین‌تر به اشکنازی‌ها می‌نگریستند، اینها خود باعث شد که اشکنازی‌ها خود را از سفارادی‌ها جدا کرده و بیشتر از عقاید مذهبی ارتدکس‌ها روی گردانند و همینطور که الان مشاهده می‌کنید اکثر کنیساها سفارادی‌ها در آمریکا بصورت کنسرواتیو (میانه‌رو) اداره می‌شود و کنیساهای اشکنازی بیشتر بصورت رفورم، به غیر از تعداد محدودی ارتدکس مذهبی شدید که بیشتر در شمال شرقی آمریکا سکونت دارند.

ادامه دارد

در مدرسهٔ

عبری کنیسای کهل ژوزف

فرزندانتان بهتر آموزش یهودی می‌بینند

زیر نظر مربیان با تجربه و دارای جواز آموزشی فرزندانتان، خواندن و نوشتن عبری، مطالب تورا، آداب و رسوم اعیاد مذهبی، خواندن تفیلا، رعایت مراسم شبات را فراگرفته و در کلاسهای هنری شرکت می‌کنند.

کلاس‌ها برای سنین ۶ تا ۱۴ ساله روزهای دوشنبه و چهارشنبه

از ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر دایر است

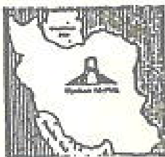
شروع کلاسهای عبری از ۴ سپتامبر ۱۹۹۶

برای ثبت نام عجله کنید

تلفن اطلاعات ۰۵۵۹-۴۷۴-۳۱۰

10505 Santa Monica Blvd.

با آوردن این مقطع ۱۰ درصد تخفیف برای دو ماه اول به شما تعلق می‌گیرد



تهران رنتال

مجهزترین رنتال در جنوب کالیفرنیا

میز و صندلی و چادر و انواع و اقسام رومیزی اسکرت

Tehran Rental

18750 Oxnard St., Suite 316
Tarzana, CA 91356

Tel: (818) 342-7368
(818) 342-RENT
FAX: (818) 774-9119

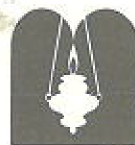
In The Honored Tradition Of

B'heshtieh

بهشتیه

גן עדן

Traditions hold a people together and connect the present to a cherished past. Mount Sinai Memorial Park and Mortuary believes in the healing power of tradition, which is why we offer complete funeral services to Persian families that honor Persian Jewish culture and customs.

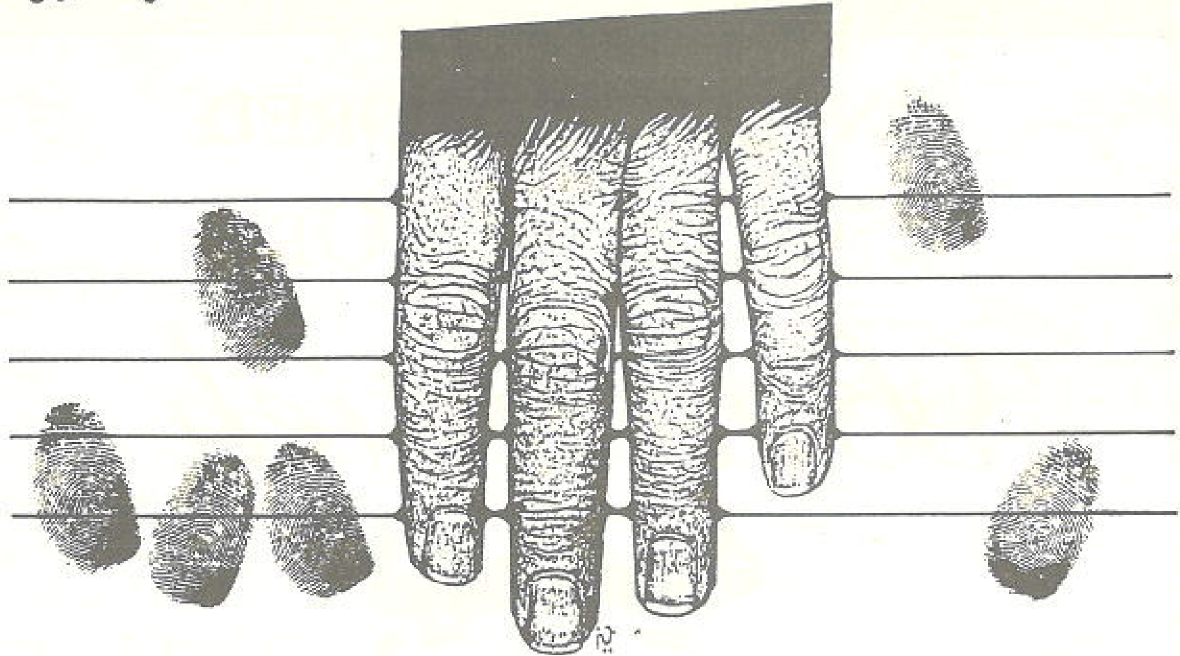


MOUNT SINAI
MEMORIAL PARKS *and* MORTUARY

(213) 469-6000 • (800) 600-0076
5950 Forest Lawn Drive, Los Angeles

Dedicated to the entire Jewish Community as a service of Sinai Temple of Los Angeles

نوشتهٔ: شیرین دخت دقیقیان



ادبیات اردوگاه‌ها و زبان فارسی

بخش دوّم

لویی آراگون، شاعر فرانسوی، پس از پایان جنگ جهانی دوم شعری سرود به نام Chanson Pour Oublier Dachau (سرودی برای از یاد بردن داخائو*). گذشته از زیبایی کار آراگون، نکتهٔ مهمی در این شعر به چشم می‌خورد: اشاره به واژگونی و دگرگونی معناها پس از تجربهٔ اردوگاه‌ها:

آه ای شُمایان که درگذرید
امشب خوابزدگان را بیدار نکنید!
دیگر نباید پای برهنه دوید
در میان برف...
در این دنیای نوین بسا کسانند که
دیگر هرگز مهربانی برایشان طبیعی نخواهد بود
در این دنیای کهن بسیار و بسیارند آنان که
از این پس برایشان بیگانه خواهد بود مهربانی.
و در این دنیای کهن و نوینِ بسیارند مردمان
که فرزندانشان ناتوانند از درکِشان
آن ای شمایان که درگذرید،
امشب خوابزدگان را بیدار نکنید!

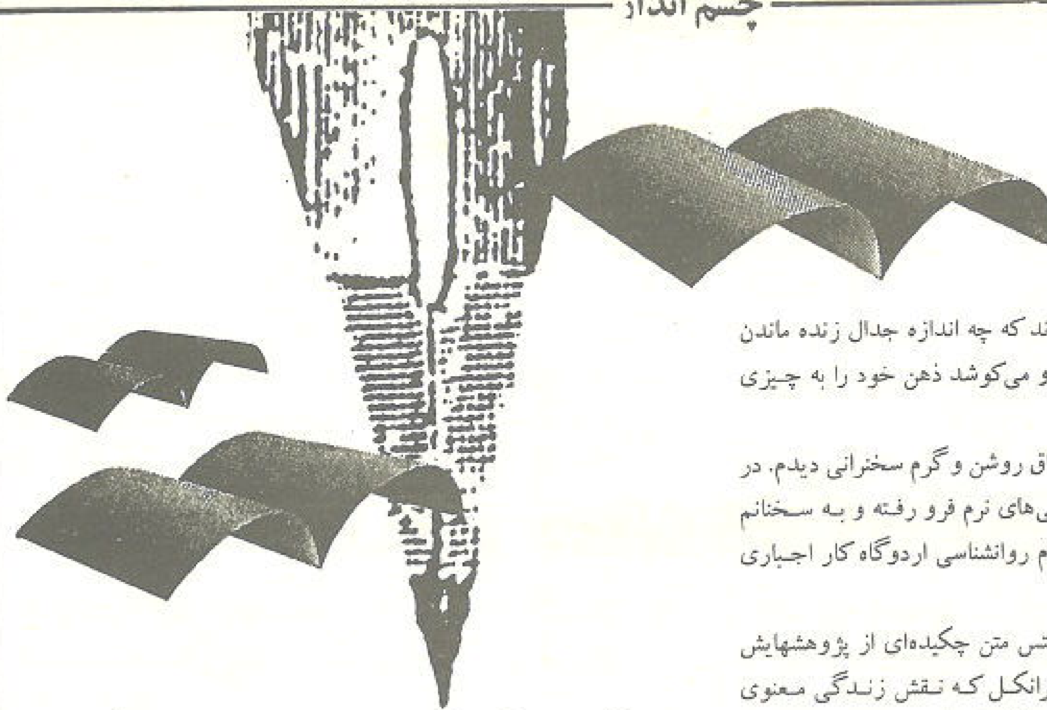
دگرگونی معناها یکی از مقوله‌های اساسی است که ادبیات اردوگاه‌ها به کاوش در آن می‌پردازد. در کنار برخوردهای شاعرانه و فلسفی، چون نگاه آراگون، از دل تجربهٔ اردوگاه‌های مرگ یکی از انقلاب‌های علمی در زمینهٔ روان درمانی نیز زاده می‌شود: مکتب معنا درمانی یا "Logotherapy".

دکتر ویکتور فرانکل، روانکاو اتریشی - یهودی جوان، سه سال در اردوگاه‌های مرگ به ویژه آشویتس به سر برد. او پس از آزادی پایه گزار یکی از مهم‌ترین مکتب‌های روانکاوی به نام معنا درمانی یا لوگوتراپی شد که به مکتب سوم روان درمانی وین نیز مشهور است.

*** چگونگی تکوین مکتب معنا درمانی**

ویکتور فرانکل را به آشویتس آورده‌اند. او اکنون یک شماره است اما پیشتر پزشک درمانگاه و بیماران روانی در وین بوده است. دکتر هوف، افسر اس‌اس ابتدا همهٔ بیماران روانی بیمارستان را کشته و سپس این یهودی وینی را روانهٔ اردوگاه مرگ کرده است.

روزی است مانند همهٔ روزهای دوزخی زیر آسمان خاکستری آشویتس. با پای دردناک در میان انبوه اسیران بی رمق لنگ لنگان به سوی محل کار اجباری می‌رود و به دشواری‌های بی پایان ولی کوچک زندگی در اردوگاه می‌اندیشد. شاید شب آخرین سیگارش را با یک کاسه سوپ عوض کند و یا تکه سیمی پیدا کند تا به جای بند کفش از آن استفاده کند و این نگرانی که آیا می‌تواند سروقت در گروه کار همیشگی حضور یابد و یا ناچار به رفتن با دسته‌ای می‌شود که سر



کارگری بیرحم دارد. او خود می‌داند که چه اندازه جدال زنده ماندن افکار پیش پا افتاده را دامن می‌زند و می‌کوشد ذهن خود را به چیزی مشغول کند.

«آن گاه خود را روی سکوی اتاق روشن و گرم سخنرانی دیدم. در برابرم عده‌ای سراپا گوش در صندلی‌های نرم فرو رفته و به سخنانم گوش می‌دادند. موضوع سخنرانی‌ام روانشناسی اردوگاه کار اجباری بود».

فرانکل در آغاز ورود به آشویتس متن چکیده‌ای از پژوهشهایش را ناچار به اس‌اس‌ها سپرده است. فرانکل که نقش زندگی معنوی درونی را در حفظ روحیهٔ اسرای اردوگاه‌ها بسیار مهم می‌داند. خودش هم زندگی روشنفکرانه و معنوی درونش را پاس می‌دارد و با وجود از دست دادن دستنوشتهٔ خود همچنان بر سر جمعبندی تجربهٔ روانی اردوگاه‌ها استوار است. به انجام رساندن این هدف، معنای زندگی او در آن دوزخ مرگ می‌شود و به آنجا می‌رسد که فرانکل به نقش معناها در زندگی پی می‌برد. معنای زندگی، معنای وجود، معنای عشق و معنای رنج. مکتب معنا درمانی به کمک انسانی که تنها خودش مانده و شماره‌اش و بدن تکیده‌اش، شکل می‌گیرد.

«دستاورد فرانکل»

به گمان من، فرو کاستن اردوگاه‌ها تا حد شرح مصیبتی سوزناک همواره با این خطر رو به رو است که یکی از عظیم‌ترین منابع تجربهٔ انسانی، به ابتذال کشیده شود. در واقع هدف بررسی ادبیات اردوگاه‌ها نمی‌تواند جز آن باشد که به این تجربه‌ها و رویدادهای علمی، فلسفی و روانی آن بپردازد. رویکرد احساساتی در مورد ادبیات اردوگاه‌ها به واکنش‌های جانبدارانه و خشونت‌آمیزی می‌انجامد که گاه درمیان یهودیانی که عواطفشان در اثر شنیدن این روایت‌ها به هیجان آمده، مشاهده می‌کنیم. خوشبختانه رویکرد اصلی یهودیان اهل دانش تاکنون آن بوده است که تجربهٔ خود از اردوگاه‌ها را چراغی فرا راه نسل‌های انسانی بکنند و در رشته‌های گوناگون هنر و دانش‌ها برای فرهنگ بشری توشه‌ای از رنج‌های بی پایان خود بگذارند. گذر از رنج‌ها اگر با پالایش روح و ذهن همراه نباشد، راه به جایی نخواهد داشت.

فرانکل آن گونه رفتار کرد که شایستهٔ یک یهودی با کوله‌بار رنج اردوگاه‌ها به روش بود: او دانش روان درمانی خود را با دیدگاه فلسفی هستی گرایانه و بینش یهودی در هم می‌آمیزد و به نخستین پرسش کلیدی تجربهٔ اردوگاه‌ها یعنی خیر و شر و اختیار انسان در گزینش پاسخ می‌دهد. «انسان از یک سو همان موجودی است که اتاق گاز و کوره‌های آدمسوزی آشویتس را ساخته و از دیگر سو همان موجودی است که با جرأت و شهامت با یاد نام خداوند و خواندن دعای **شمع ایسرائل** به کوره‌های آدمسوزی پا نهاده است». (این جمله‌ها از کتاب مشهور دکتر فرانکل به نام «انسان در جستجوی معنی» است که با برگردان دو مترجم فرهیخته: دکتر نهضت صالحیان (فرنودی مهر) و مهین میلانی به فارسی زبانان شناسانده شده است).

این گفتهٔ فرانکل دیالک تیک دلخراشی میان عظمت قربانی و حقارت دژخیم است. اگر پشت این سخن سیستم منظم علمی نهفته نبود، می‌شد آن را یک بازی ادبی با واژه‌ها و مفاهیم شمرد و از کنارش گذشت. اما ژرفای گفتهٔ ویکتور فرانکل پس از کنکاش در معنا درمانی آشکار می‌شود.

او در یادهای خود می‌نویسد که در روزهای ناامیدی، بیماری و مرگ وای بر کسی بود که دیگر معنایی در زندگیش نمی‌یافت. اگر رنج‌ها معنایی داشت، انسان‌ها دوام می‌آوردند. در غیر این صورت خیلی زود از پا در می‌آمدند و حتی از نظر فیزیولوژیک مقاومت بدنشان در برابر بیماری‌ها نیز کمتر می‌شد. فرانکل به گفته‌ای از **نیچه** اشاره دارد که: «کسی که چرایی زندگی را یافته باشد، با هر چگونه‌ای خواهد ساخت». فرانکل در نظام کار اجباری اردوگاه‌ها، روزها به لوله‌کشی و کندن تونل در سرمای زیر صفر می‌پردازد. کوچکترین نشانهٔ بیماری یا از کار افتادگی آدمی را راهی دودکش‌ها می‌کند. اما شب‌ها در نقش روان درمانگر می‌کوشد که امید به زندگی را در همبندان خود افزایش دهد. و در خلال این تلاش روز به روز بیشتر به

اهمیت حیاتی معناها پی می‌برد.

او دریافت که: «هر گونه تلاشی برای حفظ نیروی درونی زندانی در اردوگاه باید در جهت نشان دادن هدفی در آینده انجام می‌شد... باید هر وقت فرصتی دست می‌داد، چرایی - یعنی یک هدف - به زندانیان می‌دادیم تا بتوانیم برای تحمل چگونگی وحشتناک زندگی‌شان به آنان نیرو ببخشیم».

اما امیدها و هدف‌ها برای هر فرد یکه و یگانه‌اند و روان درمانگر می‌کوشد تا به کمک حرف زدن با بیمار، خود بیمار به آن‌ها دست یابد. انسان معنی جو کمتر ناامید می‌شود زیرا در شرایط گوناگون معنای جدید زندگی خود را می‌یابد. فرانکل برای یاری دادن به اسیرانی که خیال خودکشی داشتند از آنها می‌خواست که فکر کنند آیا چه چیزهایی را از دست داده‌اند که به راستی برگشت ناپذیر است و چه چیزهایی برایشان مانده است.

فرانکل دربارهٔ معنای عشق دیدگاهی آرمانی دارد. او در مقالهٔ معنای عشق می‌نویسد:

«عشق تنها شیوه‌ای است که با آن می‌توان به اعماق وجود انسان دیگر دست یافت. هیچکس توان آن را ندارد جز از راه عشق به جوهر وجود انسانی دیگر آگاهی کامل یابد. جنبهٔ روحانی عشق است که ما را یاری می‌دهد تا صفات اصلی و ویژگی‌های واقعی محبوب را ببینیم و حتی چیزی را که بالقوه در اوست و باید شکوفا گردد، درک کنیم، علاوه بر این عاشق به قدرت عشق توان می‌یابد که معشوق را در آگاه شدن از استعدادهای خود و تحقیق بخشیدن به آنها یاری کند».

در یادهای فرانکل از آشویتس برخورد خود او با عشق به همسرش را می‌بینیم که به معنای زندگی او تبدیل شده است. همسر او آن هنگام با قطارهای مرگ به اردوگاه‌های دیگر رفته بود. «ساعتها بود که زمین منجمد را با کلنگ می‌شکافتم. نگهبان به هنگام عبور از آنجا تحقیرم کرد. یک بار دیگر با همسرم رابطه بر قرار کردم. هر چه بیشتر با او سخن می‌گفتم، بیشتر احساس می‌کردم که نزد من ایستاده و با منست. احساس می‌کردم می‌توانم لمسش کنم. دستهایم را بگشایم و دستهایش را در دستم بگیرم. احساسم بسیار نیرومند بود، او انجا بود و در کنار من ایستاده بود. در همان لحظه پرنده‌ای در خاموشی فرود آمد و در برابرم، روی توده خاکی که از گودال کنده بودم، نشست و با نگاهی گویا به من خیره شد».

فرانکل از اسیران می‌خواست که همچنان در برابر زیبایی‌های طبیعت حسّاس باشند اگر غروب آفتاب یا یک درخت می‌توانست حسی در آن‌ها پدید آورد، آشکار بود که آنان هنوز توان زندگی کردن را داشتند.

در یکی از آثار ادبیات اردوگاه‌ها به نام **تربلینکا** اثر **ژان فرانسوا اشتاینر** سالها پیش جمله‌هایی خواندم که نشانگر عدم درک آن نویسنده از واقعیت روان انسان‌ها و به ویژه روحیهٔ یهودیان بود. او نوشته بود که هیتلر وعده داده بود که فقط **یک یهودی باقی بماند و آن یک نفر را در سراسر دنیا بچرخاند به عنوان بازماندهٔ یک نژاد منقرض** و هر یهودی در این خیال بود که او می‌تواند همان یهودی باشد! گهگاهی این گفتهٔ اشتاینر را از زبان برخی روشنفکران و اهل قلم غیر یهودی نیز شنیده‌ام اما پاسخ آن را به بهترین صورت در تجربهٔ فرانکل از اردوگاه‌ها می‌یابیم. در کتاب محاکمهٔ آیشمن که سالها پیش به قلم ابراهیم صبی در ایران نوشته شد، خاطره‌ای از یک افسر ارتش سرخ هست که در اوکراین شاهد کشتار همگانی یهودیان در گودال‌های از پیش آماده بود - آن افسر بسیار از رفتار پدرانی که درون گودال‌ها فرزندانشان را در آغوش می‌گرفتند و مادرانی که برای آرام کردن نوزادانشان ترانه‌ای می‌خواندند و سپس دستهای یکدیگر را می‌گرفتند و با خواندن دعا با مرگ رویاروی می‌شدند، شگفت زده شده بود. تلاش برای زنده ماندن چیز دیگر است و شهامت هنگام رو به رو شدن با مرگ چیز دیگر.

باری فرانکل بر آن است که مردم دو گونهٔ فرشته و اهریمن نیستند. بلکه دو نژاد هست، انسان‌های کامل و ناقص، و درجات کمال. در همهٔ گروه‌ها خواه فرماندهان اس‌اس، نگهبانان، زندانیان و غیره از هر دو این گروه یافت می‌شود و مثال یک افسر اس‌اس را می‌آورد که تا حد امکانش با یهودیان خوشرفتاری می‌کرد و پس از جنگ جوانان یهودی مجارستانی که از اردوگاه آزاد شدند تا مدتها او را در جنگل‌ها پنهان کردند و پس از گرفتن امان برای او، تحویل نیروهای متفقین دادندش.

این کمال مستقیماً در پیوند با زندگی معنوی درونی است.

فرانکل بر آن است که روشنفکران و هنرمندان جزو دسته‌های مقاوم در اردوگاه‌ها بودند چرا که این زندگی معنوی درونی را داشتند. در کتاب **«نوشتار یا زندگی»** اثر **ژرژ سامپرن** که به زودی به فارسی منتشر خواهد شد، صحنه‌ای بس تأثیر گذار از این زندگی درونی روشنفکرانه را در **بوخن‌والد** می‌بینیم. سامپرن، جوان بیست و دو ساله و دانشجوی فلسفه با دوست یهودی خود **شِدر میلر** که بعدها از ادیبان مشهور اروپا می‌شود در آبریزگاه همگانی بوخن‌والد، لحظه‌هایی پیش از سوت خاموشی شبانه، مشغول شعر خوانی هستند! آبریزگاه از شدت بوی گند، به جایی امن تبدیل شده که اس‌اس‌ها و کاپوها به آن نزدیک نمی‌شوند و جایی است به قول سامپرن برای رد و بدل کردن کمی



امیدواری. شدر میلر و سامپرن با صدای بلند شعر زیبایی را می‌خوانند. سوت خاموشی شبانه صفیر میکشد و آنها ناچار با حالی هیجان زده و سرشار از زندگی به سوی آلونک‌های خود می‌دوند.

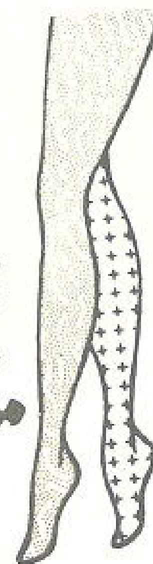
داستایوفسکی، یکی از نویسندگانی است که به مقولهٔ رنج بسیار پرداخته است. او همواره تأکید می‌کرد که امیدوار است شایستگی رنج‌هایش را داشته باشد. ایوب برای او نمادی از رنج هدف دار بود و کتاب ایوب را عظیم‌ترین کتابی می‌دانست که تاکنون نوشته شده است. شاید ایوب به داستایوفسکی پاسخ این پرسش را داده بود که رنج بزرگ‌تر است یا انسان؟ بی شک فرانکل نیز دوّمی را بر می‌گزیند...

مرداد ۱۳۷۵

* **داخائو:** یکی از اردوگاه‌های مرگ اسرای نازیها

Tiffany

هیچ جورابی جوراب تیفانی نمیشه

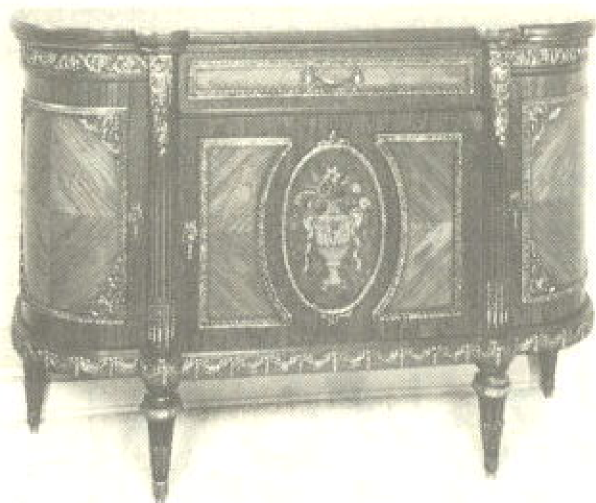


کیفیت و قیمت های جوراب تیفانی
غیر قابل رقابت است

۱۱۲۷ خیابان میپل جنوبی ـ داون تاون لوس آنجلس
تلفن : ۲۱۲_۷۴۸_۸۸۲۲ فکس : ۲۱۲_۷۴۸_۲۶۲۹

GALLERY 26 FURNITURE

عرضه کننده اشرافی‌ترین مبلمان و کابینت‌های مجلل مدل اروپایی





5466 Wilshire Boulevard
(between Fairfax and La Brea)
Los Angeles, CA 90036
(213) 965-7793

به انتخاب دکتر ژاله پیرنظر

دکتر یوسف کلیمی

از کتاب مرگ پلنگ نوشتهٔ ابولفضل اردو خانی

معصومه خانم تلفن کرد، گفت ابولفضل خان بلند شو بیا که این شوهر من دو سه روزه خواب و خوراک نداره ماتم زده یک گوشه نشسته.

حاج سید حسین شوهر معصومه خانم از رفیقای من بود همدیگر رو خوب می‌شناختیم، بلند شدم رفتم خونه‌شون.

در که زدم معصومه خانم در رو باز کرد بعد از سلام و احوالپرسی گفت پنج شش روز پیش دکتر یوسف کلیمی مرد، وقتی بخاک سپردنش آمد خونه، نشست یک گوشه همینطور اشک میریزه و با خودش حرف میزنه، چیزی هم نمی‌خوره جز گاهی وقتها یک چائی اونم بزور، انگار جن رفته تو جسمش.

خندیدم و گفتم چند تا بسم‌الله بگو جن فراری میشه.

رفتم تو اطاق حاج سید حسین نشسته بود رو یک تشک تکیه داده بود پیشتی، منو ندید، با صدای بلند گفتم سلام حسین جون. روشو برگرداند نیشخند زد، خیلی آرام و خفیف مثل کسی که صداش از ته چاه در بیاد گفت: سلام ابولفضل جون یک مکثی کرد و ادامه داد خوش آمدی. نشستم کنارش گفتم خدا بد نده چته اگه مریضی چرا دکتر نمیری؟ اشک تو چشمهاش جمع شد و گفت آن کسی که دکترم بود مرد، دنیا وفا نداره حتی به آدمهای خوب و باوفای خودش.

گفتم ـ خدا بیامرزتش مگه تو این شهر دیگه دکتر نیست؟

جواب داد ـ دوای مرض من دست دکترها نیست خودم میدونم چه مرضی دارم و درد من دوا نداره زمان میخواد خوب که نمیشه بهتر میشه. ولی اثرش همیشه میمونه. تعریف کرد و گفت بابام وقتی مرد این خونه رو واسم ارث گذاشت و رفیق جون جونیش دکتر یوسف کلیمی. دکتر یک دختر داشت و دو تا پسر. دخترش زن یک تاجر فرش شد یک پسرش هم صادرات واردات میکرد از همه کوچکتره دکتر شد. اوایل انقلاب زنش مرد. بعد از مرگ زنش یکدفعه خرد شد و دخترش و شوهرش هر چی داشتن و نداشتن فروختن با بچه‌هاشون رفتن خارج، یکسال بعدش هم اون دو تا پسرهاش با زن و بچه‌هاشون. هر چی باین پیر مرد گفتن بیا گفت نمیام من جائی ندارم غیر از اینجا، جد اندر جدم کرمانی بودند و تو این آب و خاک. کجا برم خودم رو آلاخون



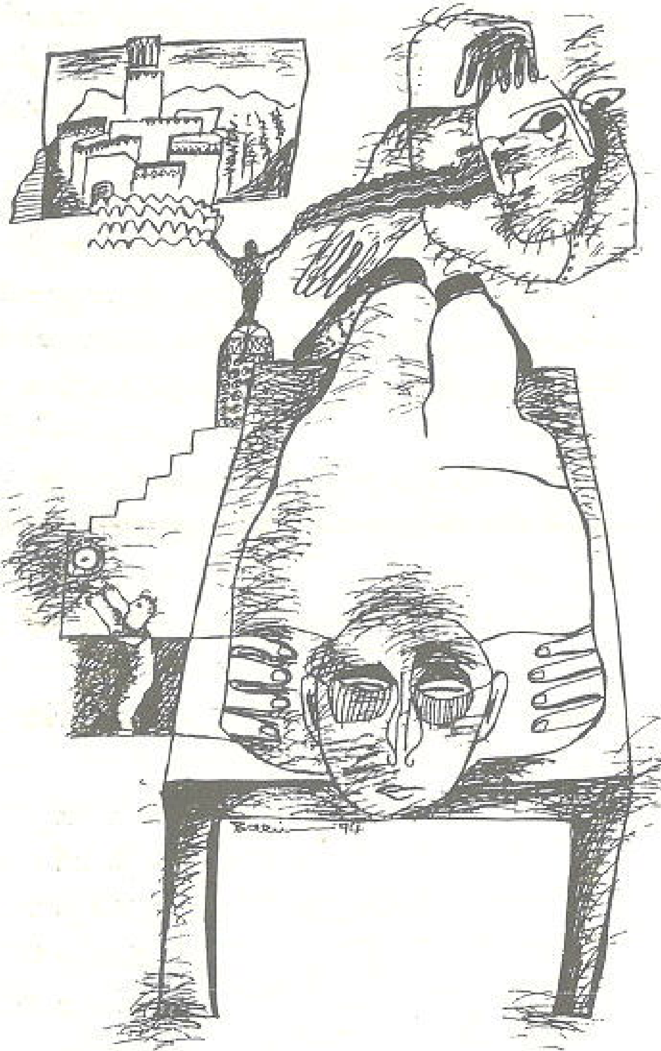
والاخون کنم هر جا برم غریبم. اینجا، خیابونهای این شهر، این کوچه‌ها یادشون میاد جای پای من، این دیوارها یادشون میاد سایه من اصلاً این آدمها رو بگو خاطره منو دارن، این بقال سر کوچه، این قصاب، مشد اکبر نوتوا که بچه‌شو نصفه شب از مرگ نجات دادم، محسن لبنیاتی اگه

یخورده دیر رسیده بودم زن و بچه‌اش سرزا رفته بودن، من این مملکت رو دوست دارم با خوب و بدش هم میسازم تازه دیگه عمر زیادی هم باقی نمونده. معصومه خانم توی یک سینی سه چائی آورد یکی یکی گذاشت جلوی ما یکی هم واسه خودش و نشست، حسین زنشو نگاه کرد و خندید معصومه خانم گفت خدا را شکر که خنده بلبت آمد مرد، رو کرد به من ادامه داد ابولفضل خان این که شما رو دید گل از گلش شکفت خوب شد آمدید و گر نه نمی‌دونستم چه خاکی بسرم کنم.

من جوابش با چند تا کلمه تعارف دادم یخورده چائی خوردیم حسین گفت وقتی دکتر یوسف بچه‌هاش رفتن دیگه طبابت نمیکرد اغلب میومد خونه ما، من میرفتم خونه‌اش بعضی‌ها میگفتن مأمور اسرائیلیه بمن هم تهمت جاسوسی میزدن که با مأمور اسرائیل رابطه دارم منم چند بار بردن کمیته که بگم دکتر یوسف چی میگه، حتی تلفنش رو گوش میدادن. قصاب و لبنیاتی سر کوچه‌اش بهش دست نمی‌دادند، آخه کلیمی بود و نجس. این مرد می‌فهمید و به روی خودش نمی‌آورد، با خنده می‌گفت این نیز بگذرد خیلی بزرگوار بود ولی وقتی همین محسن لبنیاتی نصفه شب بچه‌اش مریض شد هر چی گشت دکتر گیر نیاورد با خجالت آمد سراغ دکتر یوسف اون هم بلند شد رفت این دفعه جای اینکه دست دکترو بگیره فشار بده دو تا دستهاشو گرفت ماچ کرد رو چشمش گذاشت. میدونی تو دنیا یک مذهب و یک مکتب هست که از تمام مذاهب و مکاتب بالاتره، اونم مکتب و مذهبِ عشق. دکتر یوسف عاشق بود مذهب مکتبش هم عشق بود، این آدم کلیمی به دنیا آمده بود مسلمون، زردشتی و کلیمی براش فرقی نمیکرد بخدا هم ایمان داشت، نه از طریق مذهبش بلکه از راه دلش، یک رابطه‌ای بین خودش و خداش بود یک اصولی رو هم رعایت میکرد نه از طریق مذهبش بلکه از روی وجدانش. میگفت خدایا قبل از اینکه وجدانم رو بکشی من رو بکش. یخورده فکر کرد و شروع کرد بخندیدن، زنش هم خندید، من هم بدون اینکه علت خنده‌اشون رو بدونم از خنده جفتشون خندیدم، مثل این که معصومه خانم میدونست شوهرش چرا میخنده.

حسین گفت یچیزی بهت میگم که تا حالا نگفتم نگاه معنی داری بزنش کرد و ادامه داد، جریان مال چهار پنج سال پیش، لاله دخترم هفده هیجده سالش بود یکدفعه سخت مریض شد، حالت تهوع داشت سرگیجه تا بلند میشد میخورد زمین حالت خفگی داشت نفسش بالا نمیومد من رفتم دکتر یوسف را آوردم. گفت من میخوام دخترتو معاینه اسلامی بکنم گفتم شما جای پدر مائی این دختر هم سن نوه‌های شماست این بچه رو بقبله است شما همه جاشو دیدید همه جای من و زنم پدرم و مادرم رو هم دیدی موقع این شوخیها نیست، کاسه داغ تر از آتش شدی، هر چی اصرار کردم گفت نه من قسم خورده‌ام که غیر از معاینه اسلامی هیچ زن و دختری رو جور دیگه معاینه نکنم.

گفتم باشه، یک پرده کشیدیم دخترم هم پشتش. دکتر یوسف گوشی رو گذوشت بگوشش اون سرش رو هم داد پشت پرده دست لاله، گفت گوشی رو بذار رو سینه‌ات، رو پشتت، رو پهلوت اونم مثلاً هر کاری این میگفت میکرد، بعد از یک ربع بیست دقیقه‌ای نسخه‌شو در آورد نوشت داد دست من. گذاشتم جیبم که برم دوا خونه دواشو گیر بیارم، که گفت اوّل خودت نسخه رو بخون بعد برو دنبال دواش. گفتم منکه نسخه نمی‌تونم بخونم، گفت نه این نسخه رو تو هم می‌تونی بخونی، نوشته بود با خط درشت منوچهر ازدیاد سن ۲۷ سال مهندس برق شاغل، اسم پدر



و مادر و آدرس.

من داشتم دیوونه می‌شدم، موهام راست شده بود آتش از چشمام میزد بیرون دود از سرم بلند شد داد زدم این دخترِ پتیاره آبستن از این پسره و ما نمی‌دونستیم چشممون روشن، الان میرم زیر سنگ هم باشه گیرش میرام میکشمش. دکتر یوسف خدا بیامرز گفت جوشی نشو از این خبرها نیست این دختر تو و این پسره همدیگر رو دوست دارن، حسابی

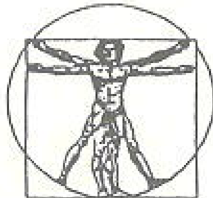
رو بکن اگه دخترت رو بدی به منوچهر یکسال با هم زندگی کنن بعدش از هم جدا شن و یا خدای نکرده یکی از این دو نفر بمیره یا جفتشون بمیرن، یک سال با عشق زندگی کردن بیشتر میارزه از صد سال بی عشق زندگی کردن من همین نصیحت رو هم به بچه‌هام کردم، نگو دکتر یوسف و خانم بنده و دخترم و منوچهر و پدر و مادرش این تله رو ساختن واسه اینکه من توش بیوفتم.

پرسیدم چرا منوچهر پدر مادرش رو نفرستاد خواستگاری. گفت آخه سالها پیش باباش یک کلاه گنده سر من گذاشته بود که هیچوقت یادم نمیره، البته بقول دکتر یوسف این نیز بگذرد و یا بقول بابام وای بقتلی که دو روز ازش بگذره، واسه این بود که جرأت نمیکردن این طرفها پیداشون بشه، کاری ندارم ما دنبال نسخه نرفتیم نسخه فرداش با مادرش و عمه‌اش آمدن خواستگاری، مام تقریباً در مقابل عمل انجام شده قرار گرفتیم همونطور که خودت میدونی دخترمون رو دادیم بهش، حالام خوب و خوش سر حال هستن و یک پسر دارن یکی هم تو راهه، بریم سر اصل مطلب. سه چهار ماه پیش دکتر یوسف حس میکرد که داره تحلیل میره و به آخر عمرش چیزی نمونده. اصلاً از راه رفتنش پیدا بود مثل اینکه تو ماسه راه میرفت و بادِ سخت هم از جلو میزد تو صورتش کمرش کمی خم بود دستهاش چسبیده بود بتنش سرشو بر میگردوند چشمهاشو تنگ میکرد خیلی لاغر شده بود پاهاش قدرت کشیدنش رو نداشت کم از خونه‌اش خارج میشد من اغلب پیشش بودم و یا بزور میوردمش اینجا.

یروز بمن گفت حسین جون من روزها یا ماه‌های آخرِ عمرم رو دارم میگذرونم، تو این مملکت هم هیچ کس رو ندارم غیر از تو، بچه‌هام دیگه ایران برنمیگردن تو بعد از مرگم وکیل وصی منی. گفتم این همه دوست آشنا داری چرا منو انتخاب کردی گفت آخه تو رو بیشتر از همه دوست دارم هر چند این دوستی ممکن باعث دردسرت بشه. من میدیدم داره یواش یواش آب میشه ولی وقتی چند روز پیش مرد باورم نشد و نمیشه، راستش رو بخوای مرگ بابام رو راحت‌تر قبول کردم تا مرگ دکتر یوسف رو، میدونی چرا، آخه اون موقع جوونتر بودم ناخودآگاه فکر میکردم مرگ از من خیلی دوره، ولی حالا مرگ دکتر یوسف رو با آخر عمر خودم نزدیک‌تر میبینم. شاید غم و دردِ من از ترس مرگ خودمه، وقتی نعشش رو دیدم انگار نعش خودم بود ازش نترسیدم انگار جفتم بود. آهی کشید و لحظه‌ای مکث کرد، اشک تو چشمهاش برق زد گفت خدا بیامرزه اسیران خاک رو خدا بیامرزه دکتر یوسف رو وقتی مرد یک دفعه زیر و رو شدم، انگار یک دفعه زیر پام خالی شد، بدتر از همه من وکیل و وصیشم، یک خونه بزرگ داره پر از مبل فرش اشیا عتیقه و مقدار زیادی پول، حالا یک زن و شوهر پیرو که بهشون اعتماد دارم گیر آوردم گذاشتم تو اون خونه تا شاید بچه‌هاش بیان و تکلیفم رو

دکتر بهروز صموها

متخصص در کایروپراکتیک



مطب‌ها مجهز به:
رادیولوژی
طب سوزنی
فیزیکال تراپی
ماساژتراپی



درمان و معالجه:

* کمر درد، گردن درد
* دردهای ستون فقرات و مفاصل
* دردهای سیاتیکی، بیماریهای رماتیسمی و آرتروز
* صدمات ناشی از تصادفات و زمین خوردگی
* صدمات ناشی از کار
* صدمات ناشی از ورزش

قبول کلیه بیمه‌های درمانی
از جمله مدیکال و مدیکر

مطب در شرمن اوکس
(818) 990-3084
4454 VAN NUYS BLVD. #103 SHERMAN OAKS, CA. 91403

مطب در نورتریج
(818) 701-1058
9029 RESEDA BLVD. #206 NORTHRIDGE, CA. 91324

باهاشون معین کنم. یکی از آقایون گفت سید حسین مال جهود حلاله مخصوصاً حالا که بهت وکالت هم داده، راستش رو بخوای ابولفضل جون من مثل دکتر یوسف خدا بیامرز باون حد از انسانیت نرسیده‌ام تا وجدانم قاضی اعمالم باشه ولی از خدا میترسم از آتش جهنم میترسم. سرشو بهوا کرد دستش رو هم بلند کرد و گفت خدایا وای اگر از پس امروز بود فردائی و وای اگر از پس امروز فردائی نباشه آنوقت این همه گناه ماست مالی میشه، خداوند من از تو سپاسگذارم که مرگ رو آفریدی با وجودی که همه میدونن میمیرن باز هم بعضی‌ها چنان زندگی میکنن که انگار ابدی هستند و حتی ادعای پیغمبری و امامی و حتی خدائی میکنن از هیچ عمل زشت و بدی خودداری نمیکنن خداوندا پنا بتو.

دو ماه بعدش خونه‌اش بودم حسین سخت سرما خورده بود تو رخت خواب وقتی منو دید تو جاش نیم خیز شد نشست. گفتم خدا بد نده چته گفت دور از جونت سخت سرما خوردم. گفتم خدا بیامرزه دکتر یوسف رو اگر زنده بود و میومد بدیدنت از همون نسخه‌ای که واسه دخترت نوشت واسه تو هم مینوشت یعنی یک زن خوشگل، زود مرضت خوب میشد. زنش گفت احتیاج به دکتر نیست اگر بخواد خودم واسش گیر میارم. حسن گفت ممکنه زن ایرانی هزار حسن داشته باشه ولی یک عیب بزرگ داره اونم اینه که خیلی باگذشته و مرد ایرانی هم کم جنبه همچین که شلوارش دو تا شد فیلش یاد هندوستان میکنه. ابولفضل جون من رو



سر زنم یک زن دیگه بگیرم ببینم چطور میتونم تو روی دامادم نگاه کنم. میگن نگاه بدست لله کن مثل لله غربیله کن آنوقت دامادم بدخترم میگه بابات رفت رو سر مادرت زن گرفت چرا من نگیرم و بچه هم درست کنم که از نوه‌هام کوچکتر باشن سر پیری زنگوله دور تابوتم بشن. دخترم از شوهرش و فامیلاش زخم زبون بشنفه، تازه همه اینها یک طرف برم اون دنیا جواب خدا رو چطور بدم اگه بگه این زن که یک عمر جونیش رو فدای تو کرد با بد خوب تو ساخت وقتی پدر مادرت پیر و علیل شدن مثل کنیز بهشون خدمت کرد، اونوقت دست مزدش، رفتی روش زن گرفتی. معصومه خانم با گوشه چادرش چشمشو پاک کرد و از اطاق رفت بیرون. حسین دستشو به آسمون بلند کرد سرشو کرد هوا گفت خداوندا بحقانیت خودت قسم افکار بد و شیطانی رو از سر ما بدر کن تا تبدیل باعمال فجیع و گناهان بزرگ نشه. خداوندا ما را براه راست هدایت کن. با هم گفتیم آمین. گفتم بابا شوخی کردم. گفت بعضی حرفها رو بشوخی هم نباید گفت تا وقاحتش از بین نره، در ضمن بگم، خدا رو شکر که پسر کوچکه دکتر یوسف دکتر موسی هم برگشته مطب باباشو باز کرده من هم ارث میراثشو همونطور که بود دست نخورده تحویلش دادم گفتم هر کاری دلت میخود با اینها بکن تو خودت میدونی با خواهر و برادرت، نیمساعت قبل از اینکه تو بیای، اینجا بود منو معاینه کرد و دوا داد. میخواستم بازم بگم بد شانسی آوردی یک تیکه تمیز با اسم آدرس نوشت ولی حرفم رو خوردم. مثل اینکه فکرم رو خوند خندید و گفت جون بجونت کنن لیچارگوئی منم خندیدم. از تو حیاط صدای حرف آمد چند لحظه بعدش در باز شد معصومه خانم لاله و شوهرش و بچه‌اش آمدن تو. □

Daniel F. Yasharel, ChFC
Chartered Financial Consultant
Financial Planner

دانیل فرید یاشارال،ChFC
مشاور مالی قسم خورده
برنامه ریز مالی

عضو انجمن بین المللی برنامه ریزان مالی

Member, Practitionare Division, International Association For Financial Planning

عضو جامعه مشاوران مالی قسم خورده آمریکا

Member, American Society of CLU and ChFC

برنامه ریزی مالی با مناسبترین حق مشاوره

(۳۱۰) ۵۵۰-۰۷۷۰

Financial Planning in regards to:
- ☆ Income tax planning
- ☆ Estate planning
- ☆ Retirement Planning
- ☆ Investment Analysis and Planning
- ☆ Insurance (Life, Health, Disability)
- ☆ Money Management
- ☆ College Education Funding

برنامه ریزی مالی در امور:
- ☆ مالیات بر درآمد
- ☆ انحصار وراثت و کاهش مالیات بر ارث
- ☆ برنامه های بازنشستگی
- ☆ سرمایه گذاری و تجزیه و تحلیل انواع آن
- ☆ انواع بیمه (عمر، از کار افتادگی و درمانی)
- ☆ حساب های تحت مدیریت
- ☆ تامین شهریه دانشگاه

12100 Wilshire Boulevard, Suite 500
Los Angeles, California 90025
(310) 550-0770

Financial Planning offered through A.F.P. Advisory Services, Inc., a Registered Investment Advisor
Securities offered through Royal Alliance Associates, Inc., Member SIPC and NASD
Variable Life Insurance Policies issued by Provident Mutual Life Insurance Company of Philadelphia are offered through registered representatives of PML Securities Company, a Registered Broker/Dealer, P.O. Box 15626 Wilmington, DE 19850 (302) 453-3800





اعتبار کیترینگ های لوس آنجلس

اورنج کانتی - سان دیاگو

محفل و شبهای پرخاطره خود را باغذاهای خوشمزه بهادر گرم سازید.

بهادر کیترینگ پر سابقه لوس آنجلس با ارائه سرویس برتر و کیفیت بهتر همیشه آماده است از مهمانان عزیز شما پذیرائی کند



سیستم گلات کاشر کیترینگ بهادر

زیر نظر مستقیم ربای،

Rabbi Yehuda Bukspan

میباشد



تلفن: ۷۱۳۵_۶۰۹(۸۱۸)

18750 Oxnard St., # 415 - Tarzana, CA 91356

سرطان پستان و تخمدان در یهودیان

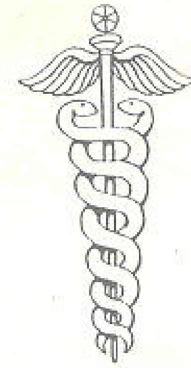
دو بررسی تازه نشان می‌دهد که در حدود یک در صد زنهای یهودی اشکنازی تبار که از اروپای خاوری به آمریکا مهاجرت کرده‌اند، حامل یک ژن ناهنجار هستند که خطر بروز سرطانِ پستان و تخمدان را در آن‌ها افزایش می‌دهد. نسبت یک درصد، که در دو بررسی تازه گزارش شده است، چهار برابر نسبت پیش بینی شده در بررسی‌های پیشین می‌باشد.

در حدود ۹۰ درصد یهودیان ایالات متحد آمریکا، اشکنازی تبار می‌باشند. با برخورداری از دست‌آورد این بررسی‌ها، این پرسش پیش آمده است که آیا بایستی کلیه‌ی یهودیان اشکنازی از دید ژنتیک مورد بررسی قرار گیرند؟ و اگر پاسخ این پرسش مثبت باشد، آیا بایستی آزمایش شوندگان از نتیجه آزمایش خود آگاهی یابند؟ و چه کاری در حال حاضر درباره‌ی آنها می‌شود انجام داد که از بروز احتمالی سرطان پستان و تخمدان در آنها پیش‌گیری شود. پاسخ دانشمندان و پژوهشگران به این پرسش، متناقض می‌باشد و بایستی به انتظار پاسخ‌های بعدی باشیم.

دو نوع ژن متفاوت وقتی ناهنجار (Mutation) می‌شوند مسئول بروز سرطان پستان و تخمدان شناخته شده‌اند. یکی از این دو ژن BRCA2 نامیده شده که به تازگی کشف شده است و ناهنجاری آن فقط در بین زنهای یهودی اشکنازی تاکنون دیده شده و در بین نژادهایِ دیگر این ناهنجاری وجود ندارد.

ژن دیگر BRCA1 می‌باشد که به صورت معیوب در بین یک در صد زنهای اشکنازی دیده می‌شود ولی خوشبختانه، هرگز هر دو ژن بصورت معیوب، تواماً به ارث برده نمی‌شود و محاسبات تازه نشان می‌دهد که از هر ۴۰ نفر زنِ یهودیِ اشکنازی، یک نفر دارای یکی از دو ژن ناهنجاری می‌باشد، این گزارش در شماره‌ی ماه اکتبر ۹۶، Nature Geneticy انتشار یافته است.

در ایالات متحد آمریکا در حدود ۲۱۱۰۰۰ مورد تازه سرطان پستان و تخمدان در سال گزارش می‌شود که تنها در ده در صد آن، ژنها نقشِ ویژه دارند و بسیاری از زنهایی که ژن معیوب را به ارث برده‌اند هرگز دچار سرطان پستان و یا تخمدان نمی‌شوند، بنابراین هیچکس نمی‌تواند پیشگوئی کند که چه کسی به سرطان دچار می‌شود و چه کسی دچار نمی‌شود.



تازه‌های پزشکی



از
دکتر نیسان بامداد

از سوی دیگر تاکنون به اثبات نرسیده است که درمان ژنتیک بتواند برای پیش گیری از سرطان کمکی بنماید.

دستِ کم هم اکنون دو آزمایشگاه، در این کشور، آمادگی دارند که آزمایش‌های ژنتیک برای ژن‌های BRCA1 و BRCA2 را انجام دهند.

پژوهشگران در انستیتوی ملی سرطان آمریکا (NCI) از خون ۱۲۵۵ نفر یهودی اشکنازی که دارای هیچ گونه پیشینه‌ی خانوادگی سرطان پستان نبودند آزمایش به عمل آوردند. در حدود یک در صد این یهودیان ژن ناهنجار BRCA2 را در خون خود داشتند ولی از ۵۱۹ نفر غیر یهودی که آزمایش خون به عمل آمد هیچکدام دارای این ژن ناهنجار نبودند.

با نگاه به اینکه مردها نیز می‌توانند این ژن معیوب را به دختران خود انتقال بدهند و نیز گاهی سرطان پستان در مردها هم دیده می‌شود در بین ۱۲۵۵ نفر یهودی مورد بررسی، شماری مرد هم وجود داشت.

ژن ناهنجار BRCA2 در شماری از موارد سرطان پستان در مردان یهودی مسئول شناخته شده است.

در بررسی دیگری که در Baylor College of Medicine در Houston به وسیله‌ی Sue Richards بعمل آمده است خون ۳۰۰۰ نفر زیر آزمایش قرار گرفت و نشان داد که ۱/۵ در صد یهودیان اشکنازی ژن ناهنجار BRCA2 را در خون خود داشتند.

مقایسه‌ی دست‌آورد بررسی‌های گوناگون و محاسبات انجام شده نشان می‌دهد که ژن معیوب BRCA2 کمتر از ژن BRCA1 مسئول بروز سرطان پستان و تخمدان می‌باشد.

گروه پژوهشگران Baylor College نتیجه می‌گیرد که یک زن ۴۲ ساله که ژن معیوب BRCA2 را در خون خود دارد ۹ دفعه بیشتر از دیگران در معرض خطر سرطان پستان و یا تخمدان قرار دارد. در صورتی که ژن معیوب BRCA1 این خطر را به ۳۱ برابر در برابر ۹ نفر افزایش می‌دهد.

نخستین بررسی که توسط انستیتوی ملی بهداشت آمریکا (NIH) در واشنگتن و بالتیمور روی ۵۰۰۰ نفر زن اشکنازی بعمل آمد تا پایان سال ۱۹۹۶ گزارش پایان بررسی را خواهد داد.

با دید به اینکه تاکنون بررسی گسترده‌ای روی اقوامِ دیگر یهودی (سوای اشکنازی) در راستای ژنتیک بعمل نیامده است، بعقیده‌ی این جانب، بهتر است در انتظار باقی ماند و بدون پیش داوری و نگرانی، نتیجه‌ی این گزارش‌ها را یکی پس از دیگری مورد دقت قرار داد. در این راستا هر گونه دست‌آورد تازه‌ای که گزارش شود، برای آگاهی خوانندگان ارجمند انتشار خواهیم داد. اگر چه در حال حاضر چاره‌ای برای این مشکل در دست نیست ولی بی شک دانشمندان و پژوهشگران که به ویژه در بین یهودیان فراوان دیده می‌شوند با تلاش و کاوش خود خواهند توانست به یک نوع پرتیئن دست یابند که بتواند عمل دوپرتیئن BRCA1 و BRCA2 را در بدن خنثی نموده و از زیان آن پیش‌گیری نماید.



ظاهر فلاّحی C.P.A.

بیش از ۲۴ سال سابقه کار - C.P.A. از سال ۱۹۸۳

کلّیه امور حسابداری، حسابرسی و مالیاتی
برای اشخاص و شرکتها

Tel: (714) 546-4CPA or 546-4272

ZAHER FALLAHI, C.P.A.

650 Town Center Dr., #800
Costa Mesa, CA 92626

یک نامه

نقدی بر کتاب «پادیاوند» از تهران

نگارش: هارون یشایائی
رئیس انجمن کلیمیان تهران
۱۴ اکتبر ۱۹۹۶
۲۳ مهرماه ۱۳۷۵

بنام خدا

حضور محترم جناب آقای آمون نتصر

با آرزوی سلامتی و توفیق در امور اجتماعی، تحقیقاتی و علمی برای شما،

بحمدالله فرصتی پیش آمد تا پژوهشنامه یهود ایران را که به کوشش حضرتعالی و با همت بنیاد جامعه دانشوران منتشر شده است بخوانم.

کاری با ارزش است، لااقل برای شروع همتی میخواهد که ستودنی است و تلاش شخص شما در توجه به تاریخ یهودیان ایران قابل تقدیر و ماندنی خواهد بود، سپاسگزار خواهم بود اگر قدردانی مرا به عنوان یک یهودی ایرانی به اطلاع دست اندر کاران **«پادیاوند»** برسانید.

قضاوت بنده اینستکه برای اولین دفترِ این مجموعه نمی توان بیش از این توقع داشت ولی اگر قرار باشد نتایج بهتر از این تلاش چشمگیر حاصل گردد موضوع را می‌توان نقادانه بررسی کرد و طبعاً مطالبی پیش می‌آید که گفتن آن شاید خالی از فایده نباشد.

مایلم قبلاً تأکید کنم که تاریخ یهود ایران از زمانهای بسیار دور شروع شده و هنوز ادامه دارد، گذشته‌ای، حال و مسلماً آینده‌ای این تاریخ را رقم زده و می‌زند. در زمان نوشتن این نامه بیش از سی هزار یهودی در ایران زندگی می‌کنند و این مردم تاریخ یهود ایران را استمرار می‌بخشند ولی متأسفانه در بعضی از مقالات **«پادیاوند»** وقتی درباره یهودیان ایران صحبت می‌شود این پرونده را در سال ۱۹۷۹ می‌بندند و جامعه یهودی ایران را چون یک جَسد کالبد شکافی می‌کنند، این واقعاً از یک تحلیل علمی و علاقه به فرهنگ یهودی و اعتقادات ما بدور است. ما اینجا زندگی می‌کنیم، فعال‌تر از گذشته و یک محقق آگاه جریان اجتماعی را در وضعیت فعال آن بررسی می‌کند و نه اینکه تمایلات یا نظرات شخصی خود را به عنوان امر واقعی تلقی نموده آنرا به دیگران القاء نماید.

برای اینکه از کلی گوئی پرهیز کرده باشم هر بخش را که خوانده‌ام جداگانه ورق می‌زنم و مطالب خود را درباره آن مطرح می‌سازم، بی آنکه معتقد باشم کلیه اظهار نظرهایم درست و بجا خواهد بود.

۱ - تاریخ یهود ایران (آمون نتصر)

مثل همیشه توجه دقیق به تاریخ و مُستندات آن شده و در پایان آمده است «حمله عرب به ایران دگرگونیهائی در ایران، از جمله در فرهنگ و زندگی یهودیان این سرزمین به وجود آورد، که موضوع بخش دوم این مقاله است» یک برداشت و اعلام نظرِ کاملاً علمی و قابل قبول - سپاسگزارم.

۲ - سیری در ادبیات یهود ایران (آمون نتصر)

در این مقاله نیز اهمیت ارتباط و تأثیر و تأثر فرهنگ یهود و فرهنگ ایران مخصوصاً بعد از اسلام مورد بررسی قرار گرفته و توجه باین موضوع تا اواخر قرن هیجدهم میلادی ادامه یافته است با اینکه هیچ اشاره‌ای به ادامه ارتباط فرهنگی یهودیان با ملت ایران و یا مشترکات فرهنگی یهودی ایرانی زمان حال نشده است. امیدوارم در دفاتر بعدی ارتباط فرهنگی یهودیان ایران در آشکال جدید خود مورد توجه قرار گیرد و نقش شعر، هنرمندان، استادان و معلمین و نویسندگان و مترجمین یهودی ایران در شرایط کنونی مشخص گردد.

۳ - تحولاتی چند در تعلیم و تربیت یهودیان ایران (ابراهام کهن)

این بخش با دیدگاهی تنظیم شده که من آنرا (پهلوی زده‌گی) نام گذاشته‌ام و این مقوله‌ایست که خیلی‌ها بآن گرفتار شده‌اند و موضوع را به شکلی عنوان می‌کنند که اِنگار رضاخان نبود که دست در دست فاشیستهای هیتلری قرار بود ایران را به سکوی پرتاب قدرت نازیها در مشرق زمین تبدیل نماید و پس مانده‌های تفکرات به اصطلاح روشنفکرانه فاشیستی از نوع **«دکتر فردید»** و **«کامبوزیا»** تا همین اواخر و حتی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بزرگ‌ترین دشمنان یهودیت و جامعه یهودی ایران بوده‌اند.

تمام این قسمت پراکنده از حرفهای ضد و نقیض است، مگر فعالیتهای فرهنگی به شکل جدید آن از زمان ناصرالدین شاه قاجار و یا شکل گیری آلیانس در تهران شروع نشد؟ و مگر هم اینک بیش از ۴ هزار دانش‌آموز یهودی در مدارس اختصاصی و یا عمومی ایران مشغول تحصیل نیستند...؟

گفتنی است که در زمان سلطنت پهلوی دوّم هیچ ضابطه‌ای در یادگیری فرهنگ یهود و فرایض و بینش دینی برای دانش‌آموزان یهودی وجود نداشت، در صورتی که در حال حاضر، تمام دانش‌آموزان کلیمی در ایران زیر پوشش تعلیمات دینی خود و فرهنگ

یهود هستند که بوسیله معلمین قدیمی و جدید با سازماندهی انجمن کلیمیان تدریس می‌شود و نمره آن با ضریب مخصوص در کارنامه دانش‌آموزان گذاشته می‌شود.

و دیگر اینکه چگونه با وجود این همه پزشک، استاد دانشگاه و محقق و هنرمند از میان جامعه یهود ایران که هم اکنون در آمریکا زندگی می‌کنند، می‌توان حکم کرد که «جامعه یهود در ایران آموزش مدرن و مناسبی دریافت نکرده و نخواهد کرد، این فرصت برای همیشه از دست رفته چون جامعه یهودی در ایران دیگر موجود نیست...»

شما بهتر از من میدانید که این قضاوت دور از بینش واقعی و علمی است و فقط می‌تواند به مخدوش نمودن تاریخ کمک کند و این حق نیست که اجازه دهیم تاریخ مردمی فعال و فداکار این چنین بازیچه دیدگاههای سیاسی که تاریخ مصرف در یک زمان بخصوص دارد قرار گیرد.

۴ - گویش شناسی فارسیهود (ژیلبرلازار)

۵ - منتخبی از واژه‌های فارسیهود سفر پیدایش تورات واتیکان (پس پطراسموسن)

این دو بخش بسیار مفید، کارشناسانه و آموزنده است، دست نویسندگان، شما و بقیه درد نکند.

توضیحاً به اطلاع می‌رسانم که اخیراً به کوشش پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی به همّت دکتر ایران کلباسی گویشهای یهودیان ایران جمع‌آوری شده و به ترتیب انتشار می‌یابد، گویش یهودیان اصفهان منتشر شده و گویش یهودیان دماوند و کردستان در دست انتشار است، اگر تاکنون نرسیده بفرمائید برایتان بفرستم.

مطلب دیگری که شاید خالی از فایده نباشد اینکه ترجمه تورات به زبان فارسی (فاضل خوانی) از طرف کلیسای انجیلی سالهای قبل منتشر شده و این ترجمه ارتباطی با واتیکان ندارد و شاید ترجمه دیگری است که بنده از آن بی اطلاع هستم و یا همین ترجمه بوسیله واتیکان منتشر شده که بعید میدانم.

۶ - معمای گلدسته‌های تورات در شرق ایران (براخا یانیو)

مطلبی بسیار جالب کارشناسانه و تخصّصی است ولی با آنکه قید شده است (شرق ایران) به مواردی مثلاً در یزد استناد می‌شود که از اینگونه «ریمونیم» در شهرهای دیگر ایران از جمله اصفهان و حتی تهران در سالهای گذشته ساخته شده که از لحاظ هنری و زیباشناسی ویژگیهای خود را دارد. لازم به یادآوری است که سال میلادی گذشته در کنگره جهانی زنان که در پکن تشکیل شد از جمله زنان یهودی ایران نیز در آن شرکت کردند و در غرفه مخصوص زنان یهودی ایران چند «ریمونیم» کار اصفهان با حدود صد سال سابقه ساخت به نمایش گذاشته شد که مورد توجه و استقبال فراوان بازدید کنندگان قرار گرفت.

۷ - جدلهای دینی زرتشتیان علیه یهودیان در دوره ساسانیان و اوائل عصر اسلامی (شائول شاکد)

۸ - تفاوتهایی چند میان یهودیت و اسلام (حوا لازاروس یافه)

بحثی است بسیار گسترده که بجای خود قابل اعتماد از لحاظ بررسیهای تطبیقی است ولی این نکته در خور اعتنا است که چنین بحثی را فقط از دیدگاه خاورشناسان که احتمالاً ممکن است یهودی هم باشند نمی‌توان تحلیل کرد. جنبه‌های اعتقادی و کلامی این موضوع حائز اهمیت فراوان است و اندیشه یهودیت در اینگونه مباحث محوریت دارد.

۹ - یهودیان ایرانی از دیدگاه پژوهشگران آمریکائی (لئابئر)

در این مقاله محقق و نویسنده محترم نگاه تازه‌ای به وضعیت زندگی یهودیان ایرانی در آمریکا دارد که نشان از تقابل فرهنگ اشکنازی و سفارادی از یکطرف و فرهنگ غربی و فرهنگ شرقی و بطور مشخص فرهنگ ایرانی از طرف دیگر دارد.

روشن است که تقسیم بندی یهودیان به سفارادی و اشکنازی در مورد ایرانیان مصداق کاملی ندارد شاید فقط یهودیان خراسانی را بتوان در بخش سفارادیم جای داد و فرهنگ یهودیان ایرانی در بسیار موارد «میزراخی» گفته شود که خصوصیات خود را دارد که نویسنده محترم بآن توجه دقیق فرموده‌اند و از لحاظ مقابله فرهنگ غربی یا آمریکائی با فرهنگ ایرانی، مطالبی به نظرم رسیده است که مایلم در صورت امکان نویسنده محترم مقاله مذکور نیز از آن اطلاع داشته باشند.

مرقوم فرموده‌اند «یهودیان ایران تصور می‌کردند که سرنوشت آنها از پیش تعیین شده و خود هیچ اختیاری درباره آن ندارند». خواستم عرض کنم اگر اینطور بود، یهودیان ایران هم مثل یهودیان عراق، یمن و بعضی کشورها به اشاره باندهای سیاسی کوچ دسته جمعی می‌کردند. باقی ماندن حدود نیمی از یهودیان در ایران با آن فشار تبلیغاتی وحشتناک از خارج و داخل کشور، دلیلی کافی بر این ادعا است که لااقل بخش اعظم یهودیان ایران اختیار زندگی خود را باادامه حیات در ایران تشخیص دادند و به سرنوشت از پیش تعیین شده تسلیم نشدند و سپاسگزارم از قید این جمله نویسنده محترم که «در ایران یک جامعه یهودی وجود داشت که هنوز هم هست».

امّا اینکه با اشاره به آزادیهای مدنی و مذهبی در آمریکا گفته‌اند «آمریکا اینگونه آزادی را در چهار چوب خصوصیات دموکراتیک و تساوی حقوق و عدالت اجتماعی بدون توجه به عقیده و سیستم سیاسی تضمین می‌کند». جای بحث فراوان است، به قول اینجائیها «خدا وکیلی» من سر سوزنی به عدالت اجتماعی و تساوی حقوق در آمریکا اعتقاد ندارم و این بزرگ‌ترین دل نگرانی من از سرنوشت جامعه یهودیان آمریکا است. اگر نظام سرمایه سالاری آمریکا به کوچک‌ترین بهانه‌ای

سیاست «کشتی‌های توپدار» اوایل قرن نوزدهم را با مدرن‌ترین سلاحهای لیزری در نقاط مختلف دنیا مثل گرانادا، پاناما، سومالی و همین اواخر با کمک عربستان سعودی در افغانستان بدست گروه طالبان اجرا می‌کند و به عدالت اجتماعی کوچک‌ترین پایبندی نشان نمی‌دهد، و اگر در سال ۱۹۵۳ ترتیب کودتا در ایران را سازماندهی می‌کند و امروز در آفریقا بجای سیر کردن شکمهای گرسنه بچه‌های آفریقائی تمام توان و سرمایه خود را برای تشکیل واحدهای نظامی واکنش سریع بکار می‌برد و اختلاف سطح زندگی مردم را در تمام شهرهای آمریکا با یک نگاه سطحی می‌توان تشخیص داد. چگونه می‌توان عدالت اجتماعی را از خصوصیات نظام حکومتی در آمریکا دانست...؟

بنده فکر می‌کنم نظام قدرت سالاری در آمریکا اگر ایجاب کند استعداد فراوانی برای گذر کردن از سد یهودیان آمریکائی از خود نشان خواهد داد و جامعه یهودی آمریکا مثل هر جای دیگری باید هشیار باشد و به وضع موجود خود اطمینان نکند زیرا با در نظر گرفتن شرایط زمان، اقتدار یهودیان در آمریکای امروز به هیچ وجه بیش از قدرت یهودیان در آلمان سالهای ۱۹۲۰ نیست.

۱۰ - یادی از مشاهیر یهود ایران «حاخام حئیم موره»

بزرگداشتی است از آن فقید مهربان و پیر پارسای ماندگار که زینت بخش دفتر اول شده است و چه تکان دهنده است آن عکس یادگاری بر جنازه پاک آن مرحوم یادش گرامی و روح بزرگوارش شاد باد.

۱۱ - شالوم نشریه فارسیهود

کاری است لازم که باید پیگیری فرمائید، انشاالله آرشیوی کامل در شماره‌های بعدی بدست خواهد آمد.

۱۲ - رویدادهای سال ۱۹۷۸

در این بخش آنچه خبر است که هست، ولی آنچه امروز وجود دارد نشان می‌دهد که قسمت زیادی از اینگونه اخبار اعتبار واقعی نداشته و فقط جو سازی بوده است، یک واقعیت جای کوچک‌ترین انگاری ندارد که در تحول بزرگ تبدیل نظام سلطنتی به نظام جمهوری اسلامی، یهودیان ایران کمترین لطمه را از جمیع جهات دیده‌اند. به تاریخ اروپا نگاه کنید، تحولاتی کم اهمیت‌تر از این چه آتشی بر پیکر جوامع یهودی اروپا وارد کرد به تغییرات یمن، عراق، اتیوپی و جاهای دیگر توجه کنید. و بر آنچه در ایران گذشت بنگرید این خصلت بالندگی در ملت ایران است و نمی‌توان زندگی مشترک و فرهنگ مشترک یهود و ایرانیان را نادیده گرفت، تاریخ ایران بخشی از فرهنگ یهود است و از هر کجا بتوان تاریخ ایران را مطالعه کرد یهودیان در آن حضور داشته‌اند.

۱۳ - زن و شریعت یهود «راحل بیاله»

عرصه دشواری که کسی جرأت نمی‌کند نظر واقعی خود را بگوید طرح مطلب در همین حد هم جسارت می‌خواهد و بر نسل کنونی یهودیان جهان است که گره از کار فرو بسته زنان بردارند، روحانیت یهود در تاریخ طولانی این قوم همیشه توانسته است اصول فقهی را با زمان متناسب سازد و اگر امروز نحله‌های افراطی مذهبی می‌خواهند مصالح خود را بجای فرهنگ پویا و زنده یهودیت بگذارند دیری نخواهد پائید. یهودیت در مجموعه خود دینی است بنیادگرا و باید چنین باشد اصولی بدون در بنیادهای مذهبی با فرصت طلبیهای ریاکارانه از آسمان تا زمین فاصله دارد.

مطلب طولانی شد انشاالله مفید فایده باشد.

با احترام

هارون یشایائی (یشعیا)

سپاسگزاری

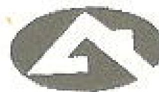
از کلیه خویشاوندان، دوستان و آشنایان که قبول زحمت فرموده و با حضور در مجلس یادبود و یا با ارسال تلگراف و کارت و یا تلفنی آرامش خاطر ما را فراهم آورده‌اند سپاسگزاری نموده و چنانچه نتوانیم بطور انفرادی از سروران گرامی تشکر نماییم ما را مورد بخشش خود قرار خواهند داد.

با توجه به اهداف انسان دوستانه گلاره و بخصوص توجه خاص او به کودکان نیازمند، هزینه کلیه مراسم معمول به مؤسسات خیریه اختصاص داده شده است.

خانواده‌های اخگرنیا - خواجه زاده و خانواده منوچهر کرندیان

THE MORTGAGE STORE

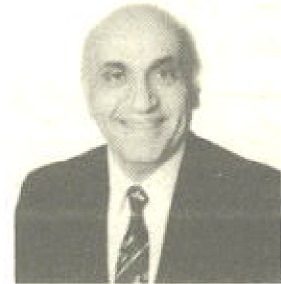
Financial Inc.





ریموند اسحقیان

A DIRECT LENDER FOR PURCHASE OR REFINANCE



ایرج اسحقیان

MORTGAGE BANKER & BROKER - RESIDENTIAL & COMMERCIAL

وام برای خرید املاک تجاری و املاک مسکونی

1) **10% Down** to $400,000 (Loan Amount)

۱ - **با ده درصد** پیش پرداخت نسبت به ارزش ملک تا مبلغ ۴۰۰,۰۰۰ دلار

2) This Loan is available for perfect A+ & A- Credit Clients.

۲ - این وام برای افرادی می‌باشد که دارای کردیت اعتباری خوب باشند.

3) *NO*... Income Verification — ۳ - بدون تأیید مبلغ درآمد

4) *NO*... Tax Returns — ۴ - بدون مدارک مالیاتی

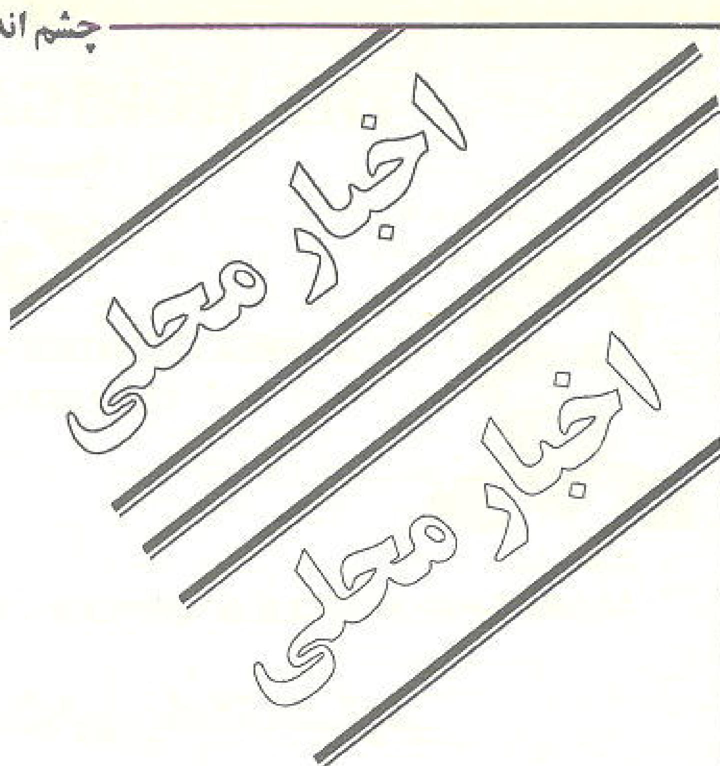
5) *NO*... Pay Stubs — ۵ - بدون مدرک حقوق

6) *NO*... W2's — ۶ - بدون فرم W2

7) *NO*... Bank Verification — ۷ - بدون تأیید مدارک بانکی

برای اطلاعات بیشتر با تلفن‌های زیر با ایرج اسحقیان تماس حاصل نمائید:

(800) 490 - 2274 Ext. 137 . (310) 596 - 6991 Ext. 137 . Pager (310) 239 - 8700



برنامه‌هایی که توسط یهودیان آمریکایی تهیه شده و در دسترس همگان می‌باشد.

تاریخ خوتسپا

ساعت ۱/۵ بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۴ نوامبر، Rabbi Edward Feinstein استاد کالج - مربی - سخنران - و ربای ارشد کنیسای ولی بت شالم، دربارهٔ تاریخ خوتسپا در ساختمان جوئیش فدریشن واقع در 6505 Wilshire Blvd. سخنرانی می‌نماید. تلفن اطلاعات ۳۲۷۲ - ۸۵۲ (۲۱۳).

بسلامتی

هر سه شنبه شب از ساعت ۷ تا ۸/۵ بعد از ظهر، برنامه‌های ۱۲ مرحله‌ای برای نجات کسانی که معتاد به مواد مخدر بوده یا دائم الخمر می‌باشند در 8512 Withworth Dr. برگزار می‌گردد. برای اطلاعات بیشتر در مورد این برنامه که بصورتی یهودی اجرا می‌گردد با تلفنهای ۱۱۸۰ - ۲۴۷ (۳۱۰) و یا ۸۵۱۲ - ۳۶۰ (۳۱۰) تماس حاصل نمایید.

حنوکا

ساعت ۷ بعد از ظهر سه شنبه ۱۰ دسامبر ۱۹۹۶، کنیسای بت هیلل با همکاری برنامه مبارزه با الکل و مواد مخدر (ADAP) برنامه‌ای رایگان را در محل این کنیسا 12326 Riverside Dr. بمناسبت حنوکا برگزار می‌نمایند. تلفن اطلاعات ۱۱۸۰ - ۲۴۷

(۳۱۰) و یا ۹۱۴۸ - ۷۶۳ (۸۱۸) می‌باشد. این برنامه‌ها توسط سازمانهای یهودی ایرانی (تبار) برگزار گردید

برنامه‌هایی که توسط یهودیان ایرانی تهیه شده و در دسترس همگان می‌باشد.

مرکز تاریخ شفاهی کنفرانس

دومین کنفرانس بین‌المللی این مرکز در روزهای ۹ - ۱۰ و ۱۱ نوامبر ۱۹۹۶ در موزه اسکربال، لس‌آنجلس برگزار گردید.

در این کنفرانس، نمایشگاه عکسها، اسناد و نشریات و عقد نامه‌های قدیمی یهودیان ایرانی برقرار خواهد بود. آقای مشفق همدانی روزنامه‌نگار و مترجم بنام مورد تقدیر قرار خواهند گرفت. سخنرانان این کنفرانس، پروانه صراف، دیوید منشری، ژانت آفاری، صدرالدین الهی، دیوید یروشلمی، آلن شائولی، آنتون فلتون، یافا ساقیان بوده و پری زنگنه نیز کنسرتی اجرا خواهد نمود.

اخبار مجتمع فرهنگی ارتص

Mitzva Day

* شورای زنان وابسته به جوئیش فدریشن کانسیل قسمت ولی روز ۲۰ اکتبر را به نام Mitzva Day انتخاب کرده و از تمام سازمانهای موجود در لوس‌آنجلس و کانتی تقاضا کرده بود که مایحتاج بیش از ۱۰۰۰۰ بچه از سن تولد تا ۱۸ سالگی را فراهم کنند این وسائل بعنوان هدیه در این روز مخصوص به بچه‌ها بدون در نظر گرفتن رنگ و نژاد و مذهب داده می‌شود.

* کمیته بانوان مجتمع فرهنگی ارتص در گرد هم آئی ناهار ماه اکتبر متجاوز از ۵۰ محموله پر از لوازم خواسته شده را در اختیار آنان قرار داد و در جلسه‌ای که در روز ۲۹ اکتبر با حضور شهردار لوس‌آنجلس آقای **ری اوردن** برگزار شده بود به ۲۵ سازمان که در این کمک رسانی از هیچگونه کمکی دریغ نکرده بودند گواهینامه تشکر داده شد.

گرد هم آئی ماهیانه کمیته بانوان مجتمع فرهنگی ارتص در روز سه‌شنبه ۵ نوامبر با سخنرانی خانم دبی گولا نماینده قسمت اطفال لوس‌آنجلس کانتی و هنرمندی آقای ستار برگزار گردید.

* کمیته بانوان در روز ۲۵ نوامبر یک تور یکروزه به مقصد تی‌اوزانا با صبحانه در یکی از پارکهای زیبای سانذیاگو برگزار می‌کند لطفاً برای رزرو جا با دفتر مجتمع فرهنگی ارتص با تلفن ۹۳۰۳ - ۳۴۲ تماس حاصل فرمایید.

* در روز شنبه ۱۲ اکتبر بعد از مراسم طفیلا مجتمع فرهنگی ارتص از آقای هوار پارمت رئیس اجرایی ساغن داوید آدوم که مؤسسه‌ای است مثل صلیب سرخ جهانی دعوت بعمل آورده بود. طی

صحبتی کوتاه اهداف و برنامه‌های حیاتی ماغن داوید آدوم را به استحضار عموم برساند که حاضرین در این جمع با ابعاد گسترده‌تری با فعالیت‌های این سازمان آشنا شوند.

* .A.D.L که مخفف Anti Defamation League می‌باشد برای ششمین سال متوالی برنامه جشن بزرگداشت اشخاصی که به آنها کمک مالی یا همیاری نموده‌اند را در مجتمع فرهنگی ارتص برگزار می‌کند.

این برنامه با سخنرانی‌های بسیار جالب و مفید و آگاهی دهنده و پذیرایی و برنامه سرگرم کننده توأم می‌باشد.

مجتمع فرهنگی ارتص مفتخر است که یکی از اشخاصی که در این شب تقدیر شدند آقای صیون آبرام یکی از اعضای خوش نام بورد مجتمع فرهنگی ارتص می‌باشد.

* کلاسهای آمادگی برای امتحان سیتزن شیپ از اوایل ماه سپتامبر کار خود را شروع کرد. هفته گذشته حدود ۲۵ نفر از شرکت کنندگان که دوره کلاسها راگذرانده بودند بخوبی از عهده امتحانات برآمدند و مدارک قبولی آنها به اداره مهاجرت فرستاده شد که ترتیب مصاحبه آنان داده شود.

گزارشی از گروه حیفا وابسته به سازمان جهانی هداسا

یکشنبه شب ۸ سپتامبر ۱۹۹۶ از سوی گروه حیفا وابسته به سازمان جهانی هداسا مهمانی زیبایی برای ارج گزاری و سپاس از نیکوکاری‌های آقای آندره معراج و بانو کاترین معراج (گلبهار) در منزل آقای پرویز و خانم پوران نظریان برگزار گردید. در این ضیافت جوانان هنرمند با نواختن سازهای گوناگون هنرنمایی کردند، از جمله آهنگساز و نوازندهٔ خردسال پیانو دانیل منظور (۷ ساله) بسیار مورد توجه قرار گرفت. برنامهٔ شام سالیانه گروه حیفا به مناسبت سه هزارمین سال برپایی اورشلیم در ۸ دسامبر همراه با جشن حنوکا در هتل بورلی هیلتون برگزار خواهد گردید.



پیروزی براد شرمن

نمایندهٔ جدید در کنگرهٔ آمریکا شد

در انتخابات سراسری اخیر آمریکا که در روز پنجم نوامبر ۱۹۹۶ برگزار گردید، آقای براد شرمن کاندیدای حزب دموکرات برای حوزهٔ انتخاباتی ۲۴ کالیفرنیا (منطقهٔ سان فرناندو ولی و شرق ونتورا کانتی) به عضویت مجلس نمایندگان در کنگرهٔ آمریکا برگزیده شد. در این مبارزهٔ انتخاباتی که فعالیت‌های شدیدی برای کسب پیروزی از سوی دو حزب اصلی آمریکا انجام گردید، شرمن با دریافت حدود ۹۹,۰۰۰ رأی و با تفاوت پانزده هزار رأی بر مهم‌ترین رقیب خود از حزب جمهوری خواه پیروز شد و با این احتساب بیش از پنجاه در صد آراء در مقابل ۴۲ در صد رأی «آقای سایبرت» از حزب جمهوری خواه را دریافت نمود.

از نکات مهم در این رقابت نزدیک برای جانشینی آقای تونی بیلنسون، توجه خاص و کم سابقهٔ شرمن به جامعهٔ ایرانی و یهودیان ایرانی مقیم منطقهٔ ولی بود. جمعیت چندین هزار نفری جامعه یهودی مقیم ولی که در بسیاری از امور اقتصادی و فرهنگی فعالیت‌های ارزنده‌ای داشته و توانسته اعتباری برای خود در منطقه به وجود بیآورد تا به حال به این صورت فعالانه و گروهی در انتخابات آمریکا شرکت نکرده بود و در واقع با این شرکت فصل جدیدی از زندگی اجتماعی جامعهٔ ما آغاز گردیده است. فصل مشارکت و ایفای نقش در امور مملکت.

این برای اولین بار بود که یک نامزد انتخابات در سطح محلی این چنین پیگیرانه برای جلب پشتیبانی و آشنایی با مشکلات و مسائل مورد علاقه آنان در میان جامعه آمده است. در گذشته شاهد وجود محافل خصوصی و یا شاید چند نفره در رابطه با انتخابات آمریکا بوده‌ایم ولی این بار افراد جامعه در سطحی بسیار وسیع‌تر و فراگیرتر برای پیشبرد مسائل خود در مبارزات سیاسی شرکت کردند.

گروهی از فعالین امور اجتماعی و سیاسی جامعه نیز با شرکت در کمیتهٔ "Iranian-Americans for Brad Sherman" او را در این مبارزه همراهی کردند. این همکاری منجر به شرکت آقای شرمن در دو مراسم **روز شبات** در کنیسای ارتص و چند کنیسای منطقه در ایام روش هشانا و کیپور بود. هزاران نفر شرکت کننده در کنیساهای تورت حئیم ولی، کهن و سیامک شاهد حضور او و سخنرانی‌هایش در توضیح برنامه‌ها و مواضع خود برای بهبود شرایط زندگی و اوضاع اقتصادی بودند. **آقای شرمن** در این مراسم با بسیاری از افراد جامعه به صورت رو در رو آشنا شد و مانند دیگر شهروندان این مملکت مردم توانستند مشکلات و مسایل قابل توجه خود را با یک سیاست مدار در میان بگذارند.



صفحه ازدواج

نشریه چشم انداز برای آشنایی جوانان یهودی در شرایطی ساده و سالم این صفحه را ترتیب داده است.

خواهشمندیم این فورم راکاملا" پر نموده و به آدرس زیر ارسال دارید.

روی پاکت مرقوم فرمایید **مربوط به صفحه ازدواج** در این صورت این نامه تنها توسط مسئول مربوطه باز خواهد شد و کلیه اطلاعات محرمانه خواهد ماند. به هر فرد یک شماره کد داده می شود.

نام و نشان افرادی که مایل به آشنایی با شخص آگهی دهنده باشند ، در اختیار آگهی دهنده قرار خواهد گرفت تا در صورت تمایل با آنان تماس حاصل نمایند. **سازمان سیامک** ، هیچ گونه مسئولیتی در قبال صحت و سقم اطلاعات داده شده از طرف آگهی دهندگان و افرادی که به آگهی ها جواب می دهند ، نخواهد داشت.

- برای جلوگیری از هرگونه سوء تفاهم احتمالی لطفاً کپی کارت شناسایی خود را با فرم بفرستید.

(۳۱۰)۴۷۹-۴۷۹۸

P.O. BOX 3074 , BEVERLY HILLS , CA 90212

- اگر مایل به انتشار پیام خود در این صفحه نیستید خواهشمند است ما را مطلع کنید.
- هزینهٔ آگهی برای شش شماره ۲۰ دلار میباشد.

آگهی دهنده

نام .... نام خانوادگی .... قد ....

سن .... میزان تحصیلات .... شغل..............

آیا قبلا" ازدواج کرده اید ؟ بله ☐ نه ☐ اگر بله ، تعداد فرزند ....

نشـــــانی:

تلفن خانه ( ) محل کار ( )

خصوصیاتی که مایلید در مورد شما بدانند

همسر مورد علاقه

سن .... قد .... میزان تحصیلات .... شغل ....

مجرد ☐ قبلا" متاهل ☐

خصوصیاتی که مایلید در همسر آینده بیابید.

پیوند دلها

برای تماس با افراد زیر با تلفن
(۳۱۰) ۴۷۹-۴۷۹۸ تماس حاصل نمائید



آقایی هستم ۴۰ ساله ساکن نیویورک، قد ۵/۶، مهربان، نجیب، فوق لیسانس، شغل در رشته کامپیوتر، روشنفکر، علاقمند به آشنایی با دوشیزه‌ای ۳۵-۲۵، قد ۵/۶ تا ۵/۲، خانواده دوست و مهربان، زیبا، تحصیلات حداقل دیپلم، خوش اخلاق و روشنفکر. کد ۶۳۳

خانمی پزشک، ۳۸ ساله، یکبار ازدواج کرده، به گفته دوستان زیبا و خوش برخورد، اهل ورزش و موسیقی و مطالعه، خواهان آشنایی به منظور ازدواج با آقایی با تحصیلات مشابه، حدود سنی ۳۸ تا ۴۳ ساله، قد بلند و سالم، بدون اعتیاد به سیگار یا مشروبات، که خواهان تشکیل خانواده باشد می‌باشم. کد ۸۰۴

خانمی هستم ۵۲ ساله، فوق دیپلم، کارمند، قد ۵/۴، سبزه‌رو، شیک پوش و خوش اندام، بدون فرزند، مهربان و دوستدار خانواده، پای‌بند به اصول اخلاقی، مایل به ازدواج با آقایی ۶۳-۵۵، فهمیده و خوش برخورد، شیک پوش، پای بند به اصول اخلاقی و اهل مسافرت. کد ۸۱۰

آقایی ۵۱ ساله، پزشک، ۵/۷ فوت قبلاً ازدواج کرده، خوش قیافه، ورزشکار، صادق، مهربان، صمیمی مایل به ازدواج با خانمی تا ۴۵ سال، فهمیده، زیبا، خوش اندام و خوش اخلاق میاشد. کد ۹۳۵

خانم جوانی خوش اندام،علاقمند به یوگا، رمانتیک، مهربان، خوش قلب، اجتماعی، خوش سلیقه آشنا به زبان‌های عبری و انگلیسی، شاغل، قبلاً متأهل، بدون فرزند، مایل به آشنایی و ازدواج با آقایی ۵۵-۴۵ ساله، خوش پوش، صادق و وفادار، اهل ورزش و گردش با درآمد مکفی می‌باشد. کد ۵۵۷

دختر خانمی ۲۸ ساله با قد ۵/۳ فوت لیسانس حسابداری، مجرد، جذاب، با هوش، با شخصیت و احساس و تحصیلکرده، مهربان، نظر بلند، با معرفت، خوش سلیقه از خانواده بسیار خوب و درستکار، علاقمند به ازدواج با آقایی بین ۲۸ - ۳۸ سال، قد ۵/۵ فوت، دیپلم به بالا با شغلی آبرومند و درآمدی در سطح رفاه، ازدواج نکرده، مهربان، با شخصیت، دست و دلباز، نظر بلند، خوش اخلاق، با قیافه‌ای در سطح قابل تحمل، قدر شناس. کد ۵۳۹

دوشیزه‌ای ۲۸ ساله، مهربان، علاقمند به موسیقی، مایل به ازدواج آقایی ۳۶-۲۸ ساله و مهربان. کد ۳۶۲

دوشیزه‌ای هستم آرژانتینی، ۳۲ ساله، قد ۵/۹، تحصیل کرده، شاغل، زیبا، خوش برخورد، مایل به آشنایی با آقایی ۴۰-۳۲ ساله، قد بلند، تحصیل کرده، مهربان، خانواده دوست، قبلاً ازدواج نکرده و خوش برخورد. کد ۴۰۳

آقایی ۴۲ ساله میزان تحصیلات فوق دیپلم، شغل آزاد، ورزشکار، با شخصیت مثبت و روشن بین مایل به ازدواج با خانمی ۳۵ تا ۴۲ ساله، قد متوسط، مجرد یا قبلاً متاهل (با یک فرزند)، جذاب، صمیمی، روشنفکر، با وجدان و خوش قلب می‌باشد. کد ۶۰۵

خانمی ۴۳ ساله، دیپلمه، شاغل، خوش رفتار با محبت، خوش قلب و مهربان، درستکار مایل به ازدواج با آقایی ۵۳-۴۱ ساله، اجتماعی، پای‌بند اصول اخلاقی، قدرشناس، باوفا و فهمیده میاشد. کد ۷۴۱

خانمی ۲۸ ساله هستم، جذاب، تحصیلکرده، روشنفکر، اهل ورزش، مایل به آشنایی و ازدواج با آقایی ۳۰ تا ۳۸ ساله با مشخصات مشابه می‌باشم. کد ۶۰۰

آقایی ۳۵ ساله، ساکن شمال کالیفرنیا، مهندس کامپیوتر، صادق، مهربان، روشنفکر، شوخ طبع، علاقمند به فرهنگ و موسیقی ایرانی، مایل به ازدواج با دوشیزه‌ای ۲۸ - ۲۴ ساله، صادق، مهربان، جذاب و علاقمند به تشکیل خانواده میاشد. کد ۵۱۵



یادی از گذشته‌ها

عکسی را که مشاهده میکنید مربوط به کلاس اول و دوم (در یکسال) دبیرستان آلیانس ییسرائلیت که در سال ۱۹۲۹ گرفته شده.

ایستاده از راست بچپ: یوسف فیروزیان - یوسف اهرون زنده دل - حبیب اله عبداله ساقیان

نشسته از راست بچپ: شموئل یعوقب بنظریان - هدایت اله یروشلمی - مئیر عاناو - العازار ملا ربّی شیمعون (دکتر هللویا)

تقدیمی از دکتر العازار هللویا

آقایی ۵۴ ساله قد ۵/۷ وزن ۱۷۰ ساکن نیویورک (با امکان تغییر مکان) فوق لیسانس، ورزشکار، قوی، رمانتیک، با احساس، خونگرم، درآمد عالی، دست و دلباز، اهل تفریح و مسافرت، شیک پوش، خوش قیافه، مایل به ازدواج با خانمی سن ۳۶ تا ۴۸، سایز ۱۴، زیبا، رمانتیک و مهربان می‌باشد.

کد ۳۶۶

آقایی ۳۶ ساله قد ۱۶۰ میزان تحصیلات دیپلم عضو دایمی ارتش، نظر بلند، مهربان، با شخصیت، خوش برخورد و دوست داشتن به گردش و صحبت کردن بزبان انگلیسی، دانستن زبان عبری مایل به ازدواج با خانمی حدود سن ۲۸ سال قد ۱۶۰ با نجابت خانوادگی، درستکار، رازدار و مهربان و سازگار می‌باشد.

کد ۴۱۰

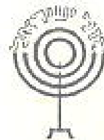
خانمی ۳۶ ساله قد ۵/۶ شغل Business owner میزان تحصیلات MBA قبلاً ازدواج کرده دارای دو فرزند پسر ۱۲ - ۱۳ ساله، زیبا، قد بلند، شیک پوش، تحصیلکرده، مهربان، خوش قلب، اجتماعی مایل به ازدواج با آقایی ۳۸ تا ۴۵ ساله قد بلند، تحصیلکرده دارای شغل آبرومند، خوش تیپ، صادق، رمانتیک، قدرشناس، دست و دلباز، مهربان و مسئول می‌باشد.

کد ۶۵۰

آقایی ۳۸ ساله دارای تحصیلات لیسانس مهندسی کامپیوتر، مغازه‌دار، موفق، خوش تیپ، خوش پوش، با اعتماد بنفس، مهربان و دست و دلباز، مایل به ازدواج با خانمی ۳۴ ساله با حداقل لیسانس دانشگاهی زیبا و خوش اندام با معلومات عمومی زیاد، شیک پوش، مجرد یا قبلاً ازدواج کرده (بدون فرزند) و همیشه با لبخند.

کد ۵۱۰

صدای اسرائیل
- بخش فارسی -
صندوق پستی ۷۱۶
اورشلیم - اسرائیل



קול ישראל
מח' השדורים בפרסית
ת.ד. 716
ירושלים - ישראל

به آگاهی میرسانیم که با فرارسیدن فصل زمستان و تغییر وقت در اسرائیل و همه کشورهای اروپائی و آمریکائی، تغییراتی در طول موج فرستنده‌های رادیو اسرائیل بوجود آمده تا شنوندگان بهتر بتوانند صدای ما را بشنوند.

موعد آغاز پخش برنامه رادیو اسرائیل در نقاط مختلف جهان از این قرار است:

در سراسر ایران و امیرنشینهای خلیج فارس	از ساعت ۶٫۳۰ بعدازظهر
در کشورهای اروپای مرکزی و غربی	از ساعت ۴ بعدازظهر
در بریتـــــانیـــــا	از ساعت ۳ بعدازظهر
در شرق ایالات متحده (نیویورک، واشنگتن)	از ساعت ۱۰ بامداد
در غرب ایالات متحده (ایالت کالیفرنیا)	از ساعت ۷ بامداد

تا یک هفته پس از نوروز سال آینده (۳۰ مارس ۱۹۹۷) صدای ما را میتوانید روی این امواج کوتاه بشنوید:

ایران و کشورهای آسیائی	۳۱ متر	برابر ۹٫۴۳۵ کیلوهرتس
شمال ایران و اروپای شرقی	۴۰ متر	برابر ۷٫۴۶۵ کیلوهرتس
اروپای غربی و شمال آمریکا	۱۹ متر	برابر ۱۵٫۶۴۰ کیلوهرتس

«بسوی کمال»

* نمونه کاملی از دانائی، دوراندیشی، شجاعت، پاکدامنی و پایداری یک دختر یهودی ایرانی
* گسترش دانش، دید جهان بینی و قدرت کلام علمی و فلسفی یک پزشک جوان یهودی ایرانی
* بخشی از سرگذشت آموزنده و تکان دهنده یک قهرمان قومی یهودی ایرانی
* گوشه‌ای ازگذشته‌های دردناک بعضی از خانواده‌های یهودی ایرانی
* اثبات علمی یکی از نظریه‌های مهم فلسفی در زمینه حقیقتی مسلم از زبان همان پزشک جوان یهودی ایرانی
* نظریه و عقیده انتقادی یکی از استادان بلندپایهٔ یهودی ایرانی

در ارتباط با هم، درکتابی بنام «بسوی کمال» بقلم داود ادهمی، چاپ و منتشر گردید.

برای تهیه آن به دفتر کنیسای هداسا (نیویورک) شماره تلفن ۸۰۸۰ - ۴۸۲ - ۱۵۱۶

آقای پرهامی شماره تلفن ۲۵۲۷ - ۷۹۳ - ۱۷۱۸ . یا شماره تلفنهای ۶۰۵۳ - ۷۷۳ - ۱۵۱۶

۱۸۰۰ - ۲۰۴ - ۱۷۱۸ . ۸۷۸۷ - ۳۹۱ - ۱۲۱۲ تماس حاصل فرمایید.



جشن حنوکا بر همگان مبارک باد

HAPPY CHANUKAH

AND BEST WISHES TO ALL



Champion of Israel in Basketball - 1995/96

Maccabi Elite Tel-Aviv is the most famous Israeli basketball team. Maccabi has won the Israeli championship for so many year, that nobody can imagine another champion. For the sake of accuracy, after 23 years of Maccabi championships, Hapoel Galil Elyon took one championship in the 1992/93 season. Now Maccabi is the champion, leads the israeli team , and the fans are looking forward to another 23 years winning stretch.

Maccabi has won the European Championship for Men's Clubs (then known as the European Cup for Men's Champion Clubs) in the 1979/77 and 1980/81 seasons. Since the seventies, and during the eighties, Maccabi has kept a steady record of reaching the highest levels of European Basketball. In the nineties, the club declined, and now it has a hard time reaching even the final-eight.

Maccabi's home court is the Sports Hall at Yad-Eliyahu. It is considered its fortress, and few teams get the chance to beat Maccabi at home. It may surprise you to know that Yad-Eliyahu does not belong to Maccabi, which is one of the few teams in Israel that do not have an official home.

Maccabi is sponsored by the Elite company, and it is the most well-managed club in Israel. Players aspire to play in Maccabi not only because of professional challenge, but because it offers them good working conditions, with no worries about home and family matters. However, players in Maccabi work harder than in any other team in Israel, because Maccabi constantly arrives at the European finals, the Israeli cup finals and, of course, the Israeli playoffs. Moreover, most of Maccabi's players are National Team players, and that counts for many more difficult games during the season and in the summer.



Edited: By Hooshang Farzam

Mr. Farzam has been active with different sports in number of years in Iran and United State.

Currently, he is a director of P.J. Sports and recreation and he is planning to create and form different sports teams with P.J. Youth.

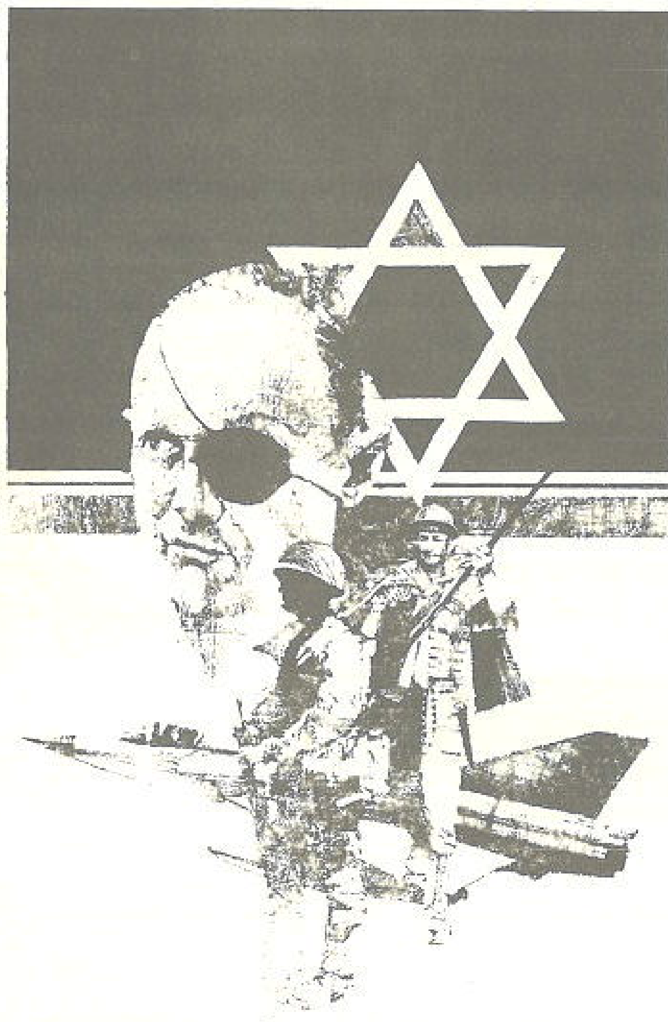
For further information, become a volunteer or participate, please contact P.J. Office at (818)705-8332

KNESSET HONORS MOSHE DAYAN

ON 15TH ANNIVERSARY OF DEATH

By: Naomi Segal, JTA

Jerusalem, (JTA) - The Knesset took a break from its routine this week to commemorate Moshe Dayan on the 15th anniversary of his death. Dayan, the Israeli military leader and statesman, visibly known for his black eye patch, was born in 1915 on Kibbutz Deganya near the Sea of Galilee.



During World War II, he fought with the British and lost his left eye during an Allied operation against French Vichy forces in Lebanon. He was commander in the pre-state fighting forces, and later held senior command positions in the Israeli army. As the chief of staff, Dayan directed Israel's Sinai Campaign in 1956. He was defense minister during the Six-Day War, and a founder of the Labor Party.

However, after the 1977 Knesset elections, he left Labor to join the first Likud government of Menachem Begin. As Begin's foreign minister, Dayan was instrumental in arranging Egyptian leader Answer Sadat's visit to Jerusalem in 1977, ands he played a major role in the process that led to a peace treaty with Egypt.

Among those presiding over Tuesday's special Knesset session were President Ezer Weisman, Prime Minister Benjamin Netanyahu and members of the Dayan family. Natenyahu said Dayan looked for ways to reduce the conflicts between Israel ands the Arabs. Dayan recognized Israel's security situation and warned against negotiating form a weak position, the premier added.

Opposition leader Shimon Peres of the Labor Party said Dayan believed that it was forbidden to live by the sword and that there was no point in trying to discuss today how to win yesterday's wars. Dayan was also remembered by his daughter, Labor Knesset member Yael Dayan.



recorded word for word. At the end it was concluded that love and passion means the same thing when qualities such as honesty, trust, and respect are present in the relationship. On the other hand, if one's own passion and desire becomes more important than the love and respect for the other person, if one's own passion and desire will do anything - anything even lying in order to protect and justify his or her so-called passionate love, that's not love! That's passion without love.

Of course such a stimulating and intriguing conversation broke and melted the ice from their prior politically correct and boring conversations. Only there was one catch - and it was a big one! The problem was that this conversation went beyond its philosophical merit. Much sooner than later) this conversation was no longer something that is discussed over a hot hot chocolate and a piece of cheesecake. Pretty soon this fine and dandy theoretical conversation about love and honesty was about to change its direction to no other place than the concrete reality.

You see, one of these two persons had something crucial to tell the other person. And that something crucial was - The Truth! The naked truth that like a skeleton in a closet was in no rush to be revealed. This truth like a skeleton in a closet seemed to be too scary and too risky to be revealed.

Regardless, with a great deal of courage this truth was revealed. (As I told you before this is a true story and it's too paradoxical to lie in a true story.) And as was expected, this truth was truly naked and it made many people uncomfortable. This truth made things complicated and uncertain. Like an earthquake it shook the situation into a big mess (and no need to mention that it lasted more than 30 seconds).

By now, dear reader, you must be curious to demand the nature of such an "evil" truth. This time it is not for their sake of privacy that the truth is not specified. Nor is it a mystery story where the element of suspense is crucial. The truth is that is makes no difference what the nature of this truth is (No! It was not about the rented Mercedes or the minor plastic surgery). What made the difference was that there was a truth to be told and there was enough courage)-respect and honesty for the other person to tell this truth on time with no delay, regardless of the consequences and the outcome of such an evoking truth.

So please don't let your curiosity distract you from the main point of this story, a story that doesn't even have a decent ending. I know the least I owe you, dear reader, is an ending, preferably a happy ending, so that I could strongly validate the argument that honesty is the best policy. To settle the honesty issue once and for all, I wish I could end ". . . and they lived happily ever after." But unlike a Cinderella fairy tale (or a half hour TV show) life is bigger and more complicated. And besides, whether they lived happily ever after or not is not what justifies such an outrageous act of truth telling. (If it did dishonesty would never be a problem in our society.)

So how should I end this story? Or, should I end this story? Ending or beginning. Guess what? It makes no difference. I still strongly believe, without the benefit of the doubt, that honesty is the best policy, even though sometimes it's not, not at all the easiest.

I forget the bedtime tales she read
But I shant forget these words she said
Every night at half past seven
My momma said to me
Baby, if what you seek is heaven
Then look up in the sky and see
The stars all snuggled in their beds
Count them, Baby, my momma said
Count them one by one and soon you'll be
Among them, Baby - soon you'll be one.

Golareh Akhgarnia

To A Spring Beauty

No perfect diamond can be found that shines
More brilliant than the sparkle in your eyes.
Had Shakespeare seen you then, he'd write his lines
To praise your tender heart in which truth lies.
What artist finds a finer muse than you
To feed the hunger of his yearning brush?
What cherished paint can bear a brighter hue
Than that which stains your cheeks at times you blush?
Had music never touched the ears of men,
Your voice alone would soothe their wordly fears.
Had paper never felt the stroke of pen,
Your learned words would echo through the years.
Though Time will finally take its toll on thee,
Eternal in my heart you'll always be.

Golareh Akhgarnia
11th Grade



- Nearly four times as many conservative jews have become "non-Jewish" - 107,000 - as the number of non-jews who have become conservative jews - 28,000.

Attitudes of B'nai Mitzvah

-Ninety-three percent of Conservative B'nai Mitzvah teens said they have never been ashamed of being Jewish.
-One-third of current conservative youth attending day school say that it is very important to keep a kosher home.
- Tree-quarters of B'nai Mitzvah teens would like to be able to speak conversational Hebrew.

- A majority of Bat Mitzvah age girls - 57% - say they feel close to other jews, while only 43 percent of Bar Mitzvah boys say the same thing.

Regional Differences

- Nearly every Conservative synagogue in the West - 96 percent - count women in a minyan, while only 42 percent of Canadian congregations do.
- Forty-two percent of congregations in the West use an organ or other musical instrument during Shabbat services, while just 15 percent of Conservative synagogues in the northeast do.
- Just over half - 52 percent - of Conservative synagogue members live in the northeast.
- Seven percent of Conservative synagogues are located in the rural areas. More than half are located in the suburb of a large city, and 23 percent are in large cities.

A TRUE STORY

By: A. True Person

From where should I start? The beginning seems to be a good start, even though most of us think that good beginnings shouldn't start with a blind date. On the other hand, like most of us, these two people were also sick and tired of the "only staring parties" syndrome. So, without much of a choice they decided to go along with the blind date.

Some of you may know these two people. So for the sake of their privacy, let's call him, He and her, She. Age? Again, for the sake of their privacy, he was xty-x and she was yty-y. Yet whatever their age was, it made no difference, because from the beginning none of them lied about it.

Looks? They were good looking but he was no Fabio (Thank God!) and she was not the type to stop traffic. Education? Both were educated enough to know how much they didn't know. He had his loans to remind him that he was a doctor. (Yet, definitely, He felt that he is more than a doctor). She was working toward her doctorate (but definitely that wasn't the only thing she was working on).

Social status? This question really made no difference, even if they wanted it to. Since both of these people had relatives on the other side of the hill, the potential for declaring a solid boosted social status was out of the question. Unfortunately, these two people were geographically challenged; it was too far away, too hot, and too primitive of a place for establishing an incisive bogus superior social status.

What else? It is important to mention that in high school both of these people were terrible in chemistry, and there was no reason whatsoever that He or She was about to get good at it immediately on a blind date. So, even though the first evening was very lovely and unforgettable, there was no immediate chemical combustion. Moreover, both were brainwashed with the classical, stereotypical concept of single Jewish-Persian male and female bashing. So at the beginning, not only were there no fireworks, but also there was a bit of a defensive climate.

Oh! Did I mention the worst of all? Did I mention that they were not perfect? (even though their moms claimed otherwise). And talk about their many unexplainable weird habits. For example, he would crack his knuckles so that it would make the most excruciating noise that would drive her up the wall. And she had this stupid habit of driving with all the windows rolled down, even in winter time, until one day He came down with a cold.

So by now you, dear reader, you must be asking: If his and her imaginary long shopping list became so short so soon, why the hell did they date in the first place anyway? Were they that desperate? If money, looks, education, and social status made no difference, what the hell did make a difference?!

Personality! This is what makes the difference. Personality is the thing that has to do with everything except money, looks, education, and social status. I know, for some the above statement sounds like an oxymoron, because some think that money, looks, and education is what makes one's personality.

But think again! Yes, money, looks and education are important. No question about that. But truly, can you tell me where can we buy, or get a degree or have a plastic surgery when it comes to trust, respect, honesty, and sympathy. Can you? !

Yet strangely enough nowadays there is this propaganda that claims that personality is passe or less important. Before going any further, it is necessary to confess another of the obscene weaknesses of these two people. Even though it was the nineties, these two people were incompetent to transform the idea of marriage to a more modern advanced and sophisticated model, a model in which a mandatory inventory of people's essences are evaluated periodically in accordance and in direct relationship to their frozen, liquidated (and gas - that is, gas stations) assets. These two people were still fixated on the old idea that personality is still important, and the lack of adaptation to the rules of this "brave new world" regarding marriage was another reason for the short coming of their shopping list. But what can I say? Most of us will agree that when it comes to a shopping list for a life partner, it is the quality not the quantity that makes a difference.

So the quality that makes the difference knocked on the door of these two personalities for a visit. After a couple of nights of formal dates when all the talk about the weather and politics were over, they went to a nice coffee shop. She ordered a hot hot chocolate and He, not worrying about the calories, ordered a piece of cheesecake. In between the sips of the hot hot chocolate and the bite from the cheesecake they talked.

"Do you think there is love without passion?" He asked.

"No. But there could be passion without love" She answered.

The rest of the conversation was not

While some observers see the change as evidence of a blurring of the line between church and state, it is not something that troubles Jewish institutions. In the sermons, religious leaders point out, rabbis frequently provide a moral prospective on a variety of issues facing society. "I think it is only for the good of society if people of conscience are involved in political debates," said Rabbi Lynn Landsberg, director of the Middle Atlantic Council of the Union of American Hebrew Congregations.

Most clergy members, however, draw the line at endorsing a specific candidate of party, or specific ballot initiatives. Moreover, the Internal Revenue Service requires that religious institutions draw that line in order to maintain their tax-exempt status. When asked wether "it is ever right for clergymen to discuss political candidates or issues from the pulpit," 77 percent said no in the Pew poll, compared with 68 percent in a 1965 Gallup survey. Twenty-nine percent said yes in the current poll, up form 22 percent in 1965. Only one of 14 polled said a religious leader or group urged them to vote a particular way in 1994 elections.

And only one out of seven said information on candidates or parties was made available in their place of warship before the election. Among people who attended religious services at least once or twice a month, about one in five said a clergy member spoke out on candidates and elections. And 78 percent of those saw that as a good thing.

Black Christians proved most likely to hear a political sermon (47%), followed by white evangelical Protestants (20 percent), white Catholics (12 percent) and white mainline Protestants (12 percent). Statistics for jews were not available. Despite the support for politicking form the pulpit, evidence suggests that most Americans remain skeptical of their religious leader's advice.

Only 7 percent of those polled by Gallup in 1955 said their own religious leaders were most likely to influence their views. Three out of four said they instead looked either to the media or to family and friends for guidance in public affairs. That does not mean religion still cannot help shape people's views, religious leaders emphasize.

"I think most people want religion to speak to issues that they're confronting," said Rabbi Jerome Epstein, executive vice president of the United Synagogue of Conservative Judaism. Landsberg of the UAHC agreed. "It's almost expected that rabbis provide some of moral commentary to what's happening on the front page of the paper," she said. "I think that the synagogue is viewed as a moral compass in a lot of the political discussions and debates of the day."

Meanwhile, the Pew poll found that white evangelical Protestants have emerged as one of the most powerful voting blocs in the country. Twenty-three percent of Americans currently describe themselves as white evangelical, or born-again, Protestants, according to the survey. That places them on a par with white Roman Catholics and mainline Protestants.

Only 7 percent of those poled, however, described themselves as members of the "religious right." The number of white evangelical Protestants has been steadily rising in recent years, up from 10 percent in 1987 and 16 percent in 1978.

While there is diversity among those who identify themselves as white evangelical Protestants, as a whole they proved more consistently conservative, more Republican and more anti-Clinton than any other major religious group, the poll found.

I also said committed evangelicals are among the most politically active citizens in the country.

"The conservatism of white evangelical Protestants is clearly the most powerful religious force in politics today," the Pew Research Center said in the report on the survey.

Jewish Americans, by contrast are among the most Democratic and liberal -leaning of all religious groups, second only to black Christians, the poll said.

In comparison to other religious groups, Jews were far more likely to approve of president Clinton and disapprove of the republican congress. And on social issues, Jews proved more likely to hold traditionally liberal views, such as maintaining environmental protections, increasing government assistance to the poor and supporting gay rights.

The poll has a margin of error of plus or minus 3 percentage points. That margin is larger for subgroups.

States on conservative Jews

NEW YORK, (JTA) - Here are a few highlights from the conservative movement's new study of its members' attitudes and practices:

Intermarriage

- Few Conservative Synagogue members - 6 percent - are intermarried, which is twice the percentage of Orthodox synagogue members and about one-third of Reform synagogue members.
- Among conservative jews who do not belong to synagogue, 36 percent are intermarried, as are 17 percent of people who identify as orthodox and 49 percent who identify as Reform. Interfaith families account for less than 5 percent of membership in 77 percent of conservative congregations. In 11 percent of the synagogues, more than 10 percent of members are interfaith families.
- Twenty-one percent of conservative synagogues offer programing designed for interfaith families.

Participation

- Nearly half - 45 percent - of Conservative Synagogue members are adults with children living at home. Just 6 percent are single people younger age 45.
- forty percent of Conservative jews who do not belong to be a synagogue also don't attend a Passover Seder.
- Conservative synagogue members are likely to be slightly higher in socioeconomic status than non-members who describe themselves as Conservative.
- Nearly half a million people who identify as conservative - 492,000 - were once orthodox. They tend to be older people.
- Almost as many - 429,000 - who were once conservative now identify themselves as reform. They tend to be young families.

SIAMAK'S NEWS & FUTURE EVENTS

CHASHM ANDAAZ Magazine / Publication Committee:

☼ To have a better business result, **ADVERTISE** with *Chashm Andaaz.* We can connect you to the most affluent, educated & well spenders of the Iranian Jewish community. As you compare our magazine with other existing Iranian publications, you can see a difference in the quality of ***Chashm Andaaz***, and you can see how reasonable our prices are compare to the circulation.

☼ For those of you who are in school, Chashm Andaaz magazine & SIAMAK organization would like to wish you good luck on your finals.

☼ As of this issue (#51), circulation has grown to **OVER 8,600 HOUSEHOLDS**, the mostly circulated Persian publication (U.S. post office certificate is available as the proof of the circulation).

☼ Our subscribers are from all over the world, including: Israel, Italy, England, Germany, Canada.

PARADISE JUDEA Committee (15 - 19 years):

☼ If you are interested to **GET INVOLVE & VOLUNTEER** in a committee, please call our office so we can tell you about the different committees under Paradise Judea.

☼ We are planning our 2nd annual **GRANDPARENT'S APPRECIATION DAY** for December. Flier for this program is being sent to members.

☼ In December, P.J. has 2 joint programs with Yaran. On the 1st, members will go to downtown to **FEED THE HOMELESS**. On the 8th, joined with Sepharadic Education Center, member will deliver **HANUKAH GIFTS** to places like children's hospital, homes for the elderly, etc. Fliers have been sent to members.

☼ Once again, Sepharadic Education Center has planned a **TRIP TO ISRAEL** for the summer. Participants who apply by February 1, scholarship funding is available. The trip is designed with a mix of challenges, entertainment, exploration, informal learning, and unforgettable friendships. Their high school program which is from age 14 to 18, will be from July 1 to August 3. For more information, you can call the S.E.C. office at (213) 653-7365.

TIKKUN Committee:

☼ **This month**, needy families of the community picked up food and some of the donated clothing; and the rest was donated to National Council of Jewish Women (60 bags of clothing & raised over $7600.00)

☼ You too can help these needy families by **DONATING** clothing, furniture, toys and canned food to ***SIAMAK*** organization. A receipt will be given to you for your donation to be used for your tax-write off.

☼ If you are in need of a **JOB** or would like to hire someone, let us know.

YARAN Committee (for single, Jewish, young adults):

☼ As for the month of October, on the 2nd, the Yaran committee celebrated the wonderful holiday of **SUKKAH**, which the week before everyone got together and set up the Sukkah with elaborate decorations and much enthusiasm, we had a grand time, which was followed by several nights later with a party of 150 people, which included delicious catered food by Shadi and great music provided by Hamid, at a beautiful house donated by a member of the organization for that night. We danced, we ate and mingled! If you missed it this year, make sure you make it next year, it is truly one of the best parties we throw every year.

☼ On October 24th, the Yaran committee went to **CIRQUE DU SOLEIL** which tours the Americas every year. This year 40 people grouped together went to see this spectacular show which includes out of this world antics and showcases incredibly talented people who do wonders with their bodies. This is definitely a show not to be missed and unfortunately they only come once every two years. We had this successful program two years ago. Therefor, we had it again this year and we are definitely planning on doing this two years from now. Please watch for the fliers next time around.

☼ December in our **HUMANITARIAN** month. On December 1, our group is taking food to downtown to feed the needy. On December 8, we have a joint program with Sepharadic Education Center, where we give Hanukkah gives to the needy families.

☼ January is the month for **SKIING**. Join 30 of your friends from the 17th through the 20th on January at Big Bear for a spectacular time.

☼ As it has been mentioned earlier, Sepharadic Education Center has its yearly **ISRAEL TRIP** coming up. They have planned two trips, college students (18-24) and young adults (18-36). The trip for the college students will last 4 weeks, from July 1 to July 29. There are two different dates for the young adult's trip: July 1 to July 16 and August 13 to August 28. For more detail, call (213) 653-7365.

☼ To receive our fliers, become a member and we will make sure that you know about our programs before the magazine is sent out.

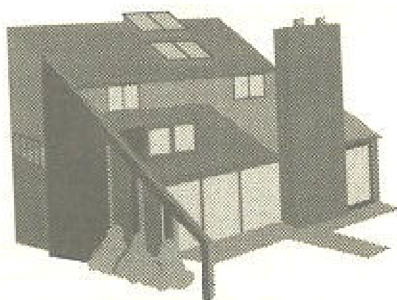
SURVEY: MOST AMERICANS FAVOR CLERGY SPEAKING OUT ON POLITICS

By: Daniel Kurtzman

WASHINGTON, (JTA) - In contrast to what a majority believed a generation ago, most Americans now want to see churches speaking out on political and social issues, according to a new nationwide survey of religious identity and political opinion.

The change in attitudes reflects the growing role of religion in how Americans think about politics, the Pew Research Center for People & the Press said in a report on the survey, which was funded by Pew Charitable Trust. The poll was based on telephone interviews with 1,975 adults in early June and on interviews conducted between 1994 and 1995.

Fully 54 percent of those polled said churches should "express their views on day-to-day social ad political questions," wile 43 percent preferred that churches "keep out of political matters." That constitutes a reversal from opinion held in 1968, when only 40 percent of Americans surveyed by the Gallup polling organization said churches should express political views.





"Big Bear!" SKI TRIP!

Y *stay home?*

A *ll energetic people!*

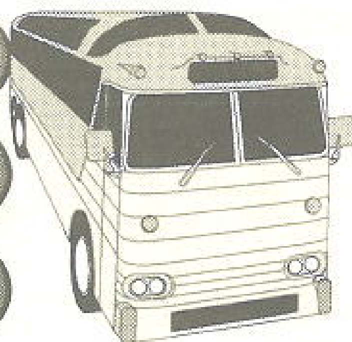
R *eturn to LA, relaxed, ready to to start the week ...*

A *ll the great Jewish friends you can find in only 4 days ...*

N *o way you can pass all this and stay home ...*

Friday Jan. 17 to Monday Jan. 20, 1997

Members $180 / Non-members $200
(4 days including transportation and breakfast & dinner)



Due to the popularity of this trip and space limitation the, payment needs to be recieved by Dec. 15th's deadline
(No Exception and No Refund)

Don't miss the fun!!!!!!

For more information, call 310-479-4798 or 818-705-8332

December 1996 *Yaran & Paradise Judea*

Sun	Mon	Tue	Wed	Thu	Fri	Sat
1 *Feeding the homeless by* Yaran & ***Paradise Judea***	2	3	4	5	6 *1st day of Hanykah*	7
8 *Hanukah toy drive by* ***Yaran*** *&* ***Paradise Judea***	9	10	11	12	13 *Last day of Hanukah*	14
15 ***Paradise Judea's*** *2nd annual Grandparents's day*	16	17	18	19	20	21
22	23	24	25	26	27	28
29	30	31 *Last day of the year* ***1996***				

Do not forget about Yaran's ski trip to Big Bear in January 1997

Flier for all of the programs was sent on time to members.

For more information about upcomming events, call (310)479-4798 or (818)705-8332

days for mourning and 7 days for joyous occasions. There are 7 Blessings (Sheva Brachot). David was the 14th generation from Abraham(I).
David=14, and 14:2=7. There were 7 years of famine and 7 years of aboundance in the Josephls dream.
Gad was Jacob's 7th child(1), and Gad=7. There were 7 generations from Abraham to Moses(1). There are 7 Feasts (Chagim). The Menorah has 7 branches. Yerushalaim (Jerusalem) consists of 7 Hebrew letters. The Magen David (the Star of David) consists of 7 parts (6 triangles and a hexagon). Joshua (Yehoshua) fought 7 years and it took him as well 7 years to divide the captured territories among the nine and a half Tribes of Israel(1). The Jewish Nation has 3 Fathers, and 4 Mothers totalling 7.

The names of the 3 Fathers of the Jewish Nation, Avraham (Abraham), Yitschak (Isaac), and Yaacov (Jacob), in Hebrew, jointly consist of 13 letters. There are as well 13 Hebrew letters in the names of the 4 Mothers of the Jewish Nation, Sarah, Rivka (Rebecca), Rachel, and Leah. There are also 13 Hebrew letters, in the Holy Words YHVH (Jehova)+Elohim (God)+Adonai (the Lord). Letter Zain which numerically equals 7 is the 7th letter from the end in the Ten Commandments, and 7 Commandments start with letter Lamed. Light (Orr), is a mixture of 7 colors, and Orr in regular numbers equals 207, which ends with 7. The planet earth has gone through 6 ages and we now live in the 7th age. The 7th prime number is the number 13, (1, 2, 3, 5, 7, 11, 13)

Note (1) Since every number is divisible by 1 and by itself, throughout this book, such divisions have been excluded in the calculations.
Note (2) YHVH=Yod (10)+Hey (5)+Vav (6)+Hey (5) =26

A HISTORY OF HUTZPAH

The most defining quality of Jewish existence.
We wrestle with G-d, and we win ...

Lecture Series celebrating the 50th Anniversary of the JEWISH COMMUNITY LIBRARY

Featuring:

RABBI EDWARD M. FEINSTEIN

SUNDAY, NOVEMBER 24, 1996 - 1:30 P.M.
Jewish Federation Building
6505 Wilshire Boulevard - Board Room
For reservations RSVP: (213) 852-3272
Donation: $ 3.00



THE JEWISH FEDERATION NEWS

COMMUNICATIONS DEPARTMENT

6505 WILSHIRE BOULEVARD SUITE 702 LOS ANGELES CA 90048 • 213 852-7708 • FAX [illegible]

Contact: Phyllis Folb
(213)852-6525

CALENDAR RELEASE:

THE JEWISH FEDERATION
Declares December 25th
Community Volunteer Day-"Tikkun LA"
(Tikkun=to repair)

400 expected to attend!!
RSVP A MUST: (213)683-3433

What:
Jews of all ages will use their day off providing assistance throughout Los Angeles at various institutions or for individuals who might be alone or unprovided for on Christmas

When:
Wednesday, December 25th from 9:00am to 2:00pm

Where:
Meeting point and Registration:
Jewish Federation Building
6505 Wilshire Blvd. Los Angeles

Light breakfast will be provided and assignments will be made. Participants will carpool to various sites throughout Los Angeles. Reservations are Mandatory! (213)683-3433

L'CHAIM STEP STUDY FOR JEWS IN RECOVERY

WHERE JUDAISM MEETS THE 12 STEPS OF RECOVERY

Given by: The Alcohol Drug Action Program (ADAP)
of Jewish Family Service
and Ness Counseling Center

1st Tuesday of every month
ongoing

NEW LOCATION!

8512 Whitworth Drive, #102
Los Angeles
7:00 - 8:30 PM
No Fee

FOR INFORMATION CALL
310/247-1180
310/360-8512

THE NUMBERS 7 AND 13 IN THE JEWISH CULTURE

by: NATHAN (NASSER) YOMTOUBIAN
HOLON, ISRAEL

The numbers 7 and 3 are among the most frequently mentioned numbers either hidden or revealed in the Original Hebrew Texts, but more in hidden forms. These two numbers have many interesting mathematical properties in relation to each other, some of which will be presented later in the book in separate sections.

There were 7 "Yamim" (Periods; but literally translated as "Days"), in Creation.

The Hebrew letter Bet, the first letter in the Torah, as a word, is spelled Bet, Yod, and Tav. These letters expressed in numbers are: letter Bet = 2, letter Yod = 10, and letter Tav = 400. The word Bet is, therefore, numerically equal to 2+10+400 = 412, and the sum of the digits of 412 is: 4+1+2+ = 7. Thus, the Torah starts with a letter in which the number 7 is in hidden form.

The Torah starts with the word "Bereshit" (Genesis), which in Hebrew is spelled Bet, Resh, Aleph, Shin, Yod, and Tav; a total of 6 Hebrew letters, and 6 = 13 - 7

The word "Bereshit" (Genesis) when expressed in number equals 913, (Bet = 2, Resh=200, Aleph=1, Shin=300, Yod=10, and Tav=400. Hence, 2+200+1+300 +10+400 = 913. 913 ends with 13 and the sum of its digits also equals 13; 9+1+3=13.

The first verse in the Torah consists of 7 words " Bereshit Bara Elohim Et ha Shamaim ve Et ha Arets" (In the Biginning God Created Heaven and the Earth). The number of letters in this verse, in Hebrew, is 28, which is divisible by 7 or, 28:4 = 7. This verse expressed in numbers equals to 2701=37x73 i.e., 7 appears in the number 2701 and in its prime factors.

The month of Tishri is the first Hebrew month, and Tishri-910, which is divisible by 7 and 13, or 910:70 = 13, and 910:130 = 7, where, 130 = Sinai = 86 (Elohim) +26 (YHVH)+18(Chai-Alive). Rosh ha Shanah (the New Year), Yom Kippur (the Day of Atonement), Chag ha Sukkot (the Feast of Tabernacles), the birthdays of Abraham, Isaac, and Jacob are in this Hebrew month. King Solomon spent 7 years to finish the Temple, and 13 years to finish his palace(l).

Moses was born on the 7th of the month of "Addar" and after 120 years died on the 7 of the same month(l). Addar = 205, and 2+0+5 = 7. There are 7 weeks between Passover and Shavuot, and 7 weeks consists of 49 days, and 4+9 =13.

10 = The "Ten" Commandments 10 = 2x5, the prime factors, and 2+5 = 7

12 = the "12" Tribes of Israel 12 = 2x3x2, the prime factors. Hence, 2+3+2 = 7

13 = Ahavah (Love)
13 = The numerical value of the word Echad (One), (Aleph=1, Chet=8, and Dalet=4; 1+8+4=13).

14 = David=Zahav (Gold), 14:2=7

22 = The total number of letters in the Hebrew alphabet. 22 = 2xll, the prime factors. Hence, 2+11 = 13

25 = The number of Hebrew letters in "Shema Yisrael YHVH Eloheinu YHVH Echad", and as well there are 25 letters in the names of the 5 Books of Moses, Breshit (Genesis), Shmot (Exodus), Vaiqra (Leviticus), Bamidbar (Numbers), Dvarim (Deuteronomy), and 25 yields 2+5 = 7.

26 = YHVH (Jehovah)

a) 26 may be obtained by adding its digits consecutively, up to 7 digits i.e.,

2+6+2+6+2+6+2 = 26

b) 26 may be obtained by adding 4 successive numbers (YHVH consists as well of 4 Hebrew letters). 5+6+7+8 = 26

c) 1+2+3+............+26 = 351, where 26 = YHVH

1) 351x2 = 702, and 702 = Shabbat (Sabbath-Saturday)

2) 351:3 = 117 = 86(Elohim-God)+18(Chai-Alive)+13(Echad-One)

3) 351:9 = 39 = YHVH Echad (Jehovah Is One), a total of 7 Hebrew letters.

4) 351 is divisible by 6 numbers excluding 1 and itself, and the sum of the quotients equals 208.

208=Amm Segullah (the Chosen Nation).

208=26(YHVH-Jehovah)+65(Adonai-the Lord)+86(Elohim-God) +18(Chai-Alive) + 13(Echad-One)

d) There were 26 generations from Adam to Moses(1), and 26:2=13=Echad (One).

26 = The number of prime numbers from 1 upto 100.

31 = El (God) 1+2+3+.;....+31=496

1) 496=2x2x31x2x2, the prime factors. Hence, 2+2+31+2+2=39, and 39=YHVH Echad (Jehovah Is One)

Noah took 7 pairs of each clean animal into the Ark. There are 7



کیترینگ گلت کاشر **شادی**

SASON CATERING

آبروی شما، آبروی ماست



اگر مهمانان خود را واقعاً دوست دارید فقط با کیترینگ گلت‌کاشر **شادی** از آنان پذیرائی نمایید.

اگر غذای لذیذ و دلچسب و سرویس خوب و به موقع می‌خواهید کیترینگ گلت کاشر **شادی** را انتخاب نمایید.

کیترینگ گلت کاشر **شادی** زیر نظر ربانوت ایرانی و امریکایی یا زیر نظر هر مقام مذهبی که شما معرفی نمایید از مهمانان شما پذیرائی می‌نماید.
کیترینگ گلت کاشر **شادی** مورد تأیید همگان

با یک تلفن ، ما به شما آسایش خیال می‌دهیم

تلفن: ۵۹۸۲-۶۵۹(۳۱۰) عضو ۸۰ ایرانیان پیجر: ۸۸۸۵-۵۸۸(۳۱۰)

فکس: ۰۱۳۸-۳۶۰(۳۱۰)

Behrooz Zinati, D.D.S.

Orthodontics for Children & Adults

زینت بخش دندانهای شما...



دکتر زینتی





دکتر بهروز زینتی...ارتودنتیست

متخصص در ردیف کردن دندانها و زیبایی فک و صورت

نوجوانان، جوانان و بزرگسالان

قبول اکثر بیمه‌ها

(818) 986-8669
Encino

مشاوره اولیه رایگان

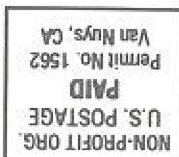
(310) 652-2010
Beverly Hills

مطب در انسینو

16550 Ventura Blvd., Suite 320
Encino, Ca 91436

مطب در بورلی هیلز

240 S. La Cienega Blvd., Suite 404
Beverly Hills, Ca 90211





International Judea Foundation
P.O.Box 3074 • Beverly Hills, CA 90212